

راهنمای مطالعه کتاب مقدس

ژوئیه | آگست | سپتامبر ۲۰۱۷

پیام انجیل برای غلاطیان



فهرست مطالب

۴.....	۱. پیام پولس رسول به غیر یهودیان - ۲۴ تا ۳۰ ژوئن
۱۳.....	۲. اقتدار پولس و انجیل - ۱ تا ۷ ژوئیه
۲۲.....	۳. وحدت انجیل - ۸ تا ۱۴ ژوئیه
۳۱.....	۴. برانست از گناه تنها از طریق ایمان - ۱۵ تا ۲۱ ژوئیه
۴۰.....	۵. ایمان عهد قدیم - ۲۲ تا ۲۸ ژوئیه
۴۹.....	۶. اولویت وعده - ۲۹ ژوئیه تا ۴ اوت
۵۸.....	۷. راه ایمان - ۵ تا ۱۱ اوت
۶۷.....	۸. از بردگی تا میراث داری - ۱۲ تا ۱۸ اوت
۷۶.....	۹. استدعا و فراخوان روحانی پولس - ۱۹ تا ۲۵ اوت
۸۵.....	۱۰. دو عهد - ۲۶ اوت تا ۱ سپتامبر
۹۴.....	۱۱. آزادی در مسیح - ۲ تا ۸ سپتامبر
۱۰۳.....	۱۲. با روح زیستن - ۹ تا ۱۵ سپتامبر
۱۱۲.....	۱۳. انجیل و کلیسا - ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر
۱۲۱.....	۱۴. فخر به صلیب - ۲۳ تا ۲۹ سپتامبر

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

Principal Contributor

Carl Cosaert

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Translation to Farsi

Behrouz Khanzdeh

Farsi Layout and Design

Marisa Ferreira



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جنرال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.



مارتین لوتر (MARTIN LUTHER) و غلاطیان

مارتین لوتر بواسطه هدایت روح القدس حقایق بنیادینی را از مضامین کتاب مقدس برای میلیونها نفر عیان ساخت که در طی قرن‌ها زیر مخروبه‌های خرافات و سُنن مدفون مانده بود. بهمین خاطر جهان پروتستان برای گرامیداشت پانصدمین سالگرد اصلاحات پروتستان آماده میشود. به نحوی می‌توان استدلال کرد که جنبش پروتستان در نیم هزاره پیش از لابلای اوراق کتاب غلاطیان (در موازات با کتاب رومیان) ، پدیدار گردید! مارتین لوتر در هنگام خواندن کتاب غلاطیان برای نخستین بار تحت تأثیر مژدهٔ باشکوه (عادل شدن بواسطه ایمان) قرار گرفت، آن حقیقت عظیمی که اصلاحات پروتستان را بوجود آورد و میلیون‌ها نفر را که قرن‌ها در قید و بند خطاهای الهیات شناسی و کلیسای گرفتار بودند رها ساخت. با مطالعه این کتاب مارتین لوتر متحول شد و دیدگاه او از جهان، دیگر هرگز برایش مثل قبل نبود.

ادونتیست‌های روز هفتم نیز قرن‌های زیادی پس از لوتر، مدیون کتاب غلاطیان هستند. ای. جی. وگونر (E. J. Waggoner) و ای. تی. جونز (A. T. Jones) در طی سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ میلادی به کلیسای ادونتیست کمک نمودند تا حقیقت (عادل شدن بواسطه ایمان) را بار دیگر کشف کنند.

چه مضمونی در کتاب غلاطیان وجود دارد که آن را تبدیل به ستون فقرات اصلاحات پروتستان کرده است؟ چرا این محتوا توانسته تا قلب‌های بسیاری از جمله مارتین لوتر را تحت تأثیر قرار بدهد؟ کتاب غلاطیان به شیوه‌ای بی شباهت با سایر کتاب‌های کتاب مقدس، به شماری از موضوعات بسیار مهم در زمینهٔ روح مسیحی اشاره می‌کند. در کتاب غلاطیان مسائلی از جمله آزادی، نقش احکام در رستگاری، وضعیت ما در مسیح، ماهیت زندگی تحت هدایت روح القدس، پولس را به تدقیق و چالش و میدارد و همچنین به این پرسش قدیمی می‌پردازد که چگونه انسان‌های گناهکار می‌توانند در مقابل خدایی که مقدس و دادگر است ،

عادل شمرده شوند؟ احتمالاً این پرسش بیش از هر سؤال دیگری، به مارتین لوتر انگیزه داد تا راهی را که شروع کرده بود دنبال کند. راهی که هرگز از آن روی بر نتافت.

البته کتاب‌های دیگر نیز از جمله رومیان، به برخی از این پرسش‌ها اشاره می‌کنند، اما کتاب غلاطیان متفاوت می‌باشد. نه تنها این کتاب مختصر تر می‌باشد، بلکه موضوع‌های غنی آن با لحن مهیج شبان گونه و تاثیرگذار نوشته شده است که مطمئناً قلب‌های گشوده بروی روح خدا را حتی امروزه لمس خواهد کرد.

اگرچه نامه پولس به طور شخصی با هر کدام از ما سخن می‌گوید، اما درک و بینش ما تقویت خواهد شد چنانچه از ریشه وضعیت تاریخی که پولس تحت هدایت روح القدس به آن اشاره می‌نمود، آگاهی داشته باشیم.

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که کتاب غلاطیان احتمالاً در زمره اولین رساله‌های پولس است. رساله غلاطیان در سال ۴۹ پس از میلاد، کوتاه مدتی پس از شورای معروف اورشلیم نوشته شد. (اعمال رسولان باب ۱۵). پس این کتاب ممکن است قدیمی‌ترین سند شناخته شده مسیحی باشد. همانطور که اعمال رسولان و غلاطیان مشخص می‌کنند، کلیسای اولیه با جدلهای شدیدی بر سر ماهیت رستگاری، بویژه در مورد غیریهودیان روبرو شد. بر اساس گفته گروهی از ایمانداران یهودی به نام یهودگرایان یا (پیروان احکام موسی)، تنها ایمان به عیسی برای غیریهودیان کفایت نمی‌کرد. غیریهودیان همچنین می‌بایست ختنه می‌شدند و از احکام موسی پیروی می‌کردند (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱). پس جای هیچ تعجبی نیست که وقتی پولس کلیسای غیریهودیان را در غلاطیه بوجود آورد، برخی از این یهودگرایان برای باصطلاح «حل و فصل امور» به آنجا سفر کردند.

هنگامی که خبر این مشکل به پولس رسید، او با خروش و التهاب به این مسئله واکنش نشان داد. پولس متوجه شد که آنها می‌گویند که ایمان برای رستگاری کافی نیست و باید اعمال و یا تشریفات یهود را نیز انجام دهند که این ایده غلط، کارهای مسیح را برای مزده رستگاری تضییع و تخریب مینمود. به همین سبب برای دفاع از انجیل دفاعیه‌ای پر شور نوشت. او با کلامی تند واقعیت این آموزه دروغین را که همانا احکامگرائی بود بطور روشن و ساده تشریح نمود.

این فصل از مطالعه دروس کتاب مقدس از ما دعوت می‌کند تا با پولس رسول همسفر بشویم، مادامی که او از غلاطیان عاجزانه تقاضا می‌کند که نسبت به عیسی رو راست و وفادار بمانند. در عین حال، همچنین به ما فرصت میدهد تا با تعمق از حقایقی آگاه شویم که راه اجتناب ناپذیر را برای مارتین لوتر گشود تا در نهایت از کلیسای روم جدا گردد و انجیل اصیل، که بر کتاب مقدس استوار است احیا گردد.

نویسنده این مطالب دکتر کارل کوسرت (Carl Cosaert) استاد مطالعات کتاب مقدس در دانشگاه والا والا Walla-Walla در کالج پلیس college place واشینگتون می‌باشد.

پیام پولس رسول به غیر یهودیان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۶ آیات ۹ تا ۱۵، باب ۹ آیات ۱ تا ۹؛ اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷؛ متی باب ۷ آیه ۱؛ اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱۹ تا ۲۱، باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵.

آیه حفظی: «وقتی این را شنیدند قانع شدند و گفتند: خدا را شکر که همان لطفی را که در حق ما نمود در حق غیر یهودیان نیز انجام داد و به ایشان این امکان را داد تا دست از گناه کشیده بسوی او باز گردند و حیات جاودانی را بدست آورند» (اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۱۸).

درک شائول طرسوسی (که پس از تغییر کیش به پولس رسول معروف شد) و دلیل کاری که انجام داد، چندان دشوار نمی‌باشد. برای او به عنوان یک یهودی مؤمن متعصب که تمام عمر خود را وقف آموختن اهمیت احکام کرده و بر این باور بود که رستگاری سیاسی اسرائیل قریب الوقوع است، و تحمل اندیشه انتظار طولانی مدت برای مسیح موعود که به طرز فجیعی مانند بدترین مجرم‌ها اعدام بشود، برایش بسیار دشوار بود. پس جای تعجب نیست که او قانع شد که پیروان عیسی نسبت به تورات ناسپاس بودند و از این رو، مانع نقشه خدا برای اسرائیل می‌شدند. او بر این باور بود که ادعاهای ایشان که عیسای مصلوب، مسیح موعود بود و اینکه او از مرگ قیام کرده بود، ارتداد محسوب می‌شد. به دیده او نه چنین مُهل‌هایی قابل تحمل بود و نه گذشتهی مشمول کسی میشد که از این تفکرات دست برد ندارد. شائول مصمم شده بود تا برای خلاصی اسرائیل از این باورها نماینده خدا باشد. از این رو، او در نخستین صفحات کتاب مقدس به عنوان آزاردهنده یهودی تباران هم‌نوع خود، کسانی که معتقد بودند عیسی مسیح موعود است، نمایان می‌شود.

اگرچه خدا نقشه‌های بسیار متفاوتی برای شائل داشت، نقشه‌هایی که هرگز نمی‌توانست برای خود انتظار داشته باشد: نه تنها این فرد یهودی قرار بود عیسی را به عنوان مسیح موعود موعظه کند، بلکه باید این کار را در میان غریبه‌ودیان نیز انجام می‌داد!

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ ژوئیه آماده شوید.

۲۵ ژوئن

یکشنبه

آزاردنده مسیحیان

شائل طرسوسی نخستین بار در کتاب اعمال رسولان عنوان کسی که در سنگسار نمودن استیفان دخیل بود (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۸) و سپس در ارتباط با آزاری در سطح وسیع‌تر که در اورشلیم اتفاق افتاد ظاهر میشود (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱ تا ۵). پطرس، استیفان، فیلیپس و پولس نقش بسیار مهمی در کتاب اعمال رسولان ایفا نمودند زیرا آنان در رویدادهایی نقش داشتند که منجر به گسترش اعتقاد مسیحی به فرا تر از جهان یهودی شد. استیفان به ویژه از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا موعظه‌ها و به شهادت رسیدن او چنین به نظر می‌رسد که تأثیر بسیار عمیقی بر شائل طرسوسی داشته است.

استیفان خود یک یهودی یونانی زبان و یکی از هفت شماس اولیه بود (اعمال رسولان باب ۶ آیات ۳ تا ۶). براساس کتاب اعمال رسولان، گروهی از یونانی زبانان که برای زندگی به اورشلیم آمده بودند (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۹) با استیفان در مورد محتوای موعظه وی درباره عیسی به بحث و مشاجره پرداختند. شاید و یا به احتمال زیاد این امکان وجود دارد که شائل طرسوسی در این مناظرات نقش داشته است.

اعمال رسولان باب ۶ آیات ۹ تا ۱۵ را بخوانید. چه اتهاماتی به استیفان نسبت داده شد؟ این اتهامات شما را به یاد چه چیزهایی می‌اندازد؟ (متی باب ۲۶ آیات ۵۹ تا ۶۱ را نیز ببینید.)

خصومت شدید بر علیه موعظه‌های استیفان به نظر می‌رسد از دو بُعد متفاوت حاصل شده باشد. از یک سو استیفان خشم متخاصمان خود را بخاطر این بر افروخته بود که بر احکام یهودی و معبد تقدم و اهمیتی قائل نبود چرا که اینها مرکز ثقل یهودیت بشمار می آمدند و بعنوان نمادهای ارزشمند مذهبی و هویت ملی محسوب میشدند. اما استیفان کاری بیش از بی‌اهمیت جلوه دادن این دو نماد با ارزش انجام داد؛ او با شور و

حرارت اظهار داشت که عیسی، (مسیح مصلوب شده و از مرگ قیام کرده، کانون حقیقی و درست ایمان یهودی بود.

جای تعجبی نیست که چرا او باعث خشم شائول فریسی شد (فیلیپیان باب ۳ آیات ۳ تا ۶). شائول مشاهده نمود که وعده‌های بزرگ نبوی ملکوت خدا تا آن زمان تحقق نیافته بودند (دانیال باب ۲، زکریا باب ۸ آیه ۲۳، اشعیا باب‌های ۴۰ تا ۵۵) و او احتمالاً باور داشت که مسئولیت کمک به خدا برای نزدیک نمودن آن روز برعهده وی بود - چیزی که می‌توانست با پاک نمودن اسرائیل از فساد دینی از جمله اندیشه مسیح موعود بودن عیسی، انجام بشود.

شائول که اعتقاد داشت حق با اوست، قصد داشت کسانی را که فکر می‌کرد کار نادرست انجام می‌دهند، به قتل برساند. در حالی که ما برای باورمان به تعصب و شور نیاز داریم، چگونه می‌آموزیم که تعصب خود را کاهش دهیم با درک این که ممکن است اشتباه کنیم؟

۲۶ ژوئن

دوشنبه

تحول و تغییر کیش شائول

«گفت: خداوند! تو کیستی؟ خداوند گفت: من آن عیسی هستم که تو بدو جفا می‌کنی» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۵).

اگرچه جفای شائول نسبت به کلیسای اولیه نسبتاً بطور غیرمحسوس آغاز می‌شود (زیرا او تنها ردهای شکنجه دهندگان استیفان را نگه می‌دارد)، اما به سرعت تشدید می‌شود (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱ تا ۳؛ باب ۹ آیات ۱، ۲، ۱۳، ۱۴، ۲۱؛ باب ۲۲ آیات ۳ تا ۵ را ببینید). لوقا از بسیاری از این واژگان برای توصیف شائول و بوجود آوردن تصویر یک جانور وحشی و یا یک سرباز غارتگر که برای تخریب مخالفانش عزم دارد، استفاده نمود. برای مثال، واژه ترجمه شده «تخریب» در اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳، در ترجمه یونانی عهد قدیم (مزامیر باب ۸۰ آیه ۱۳) برای توصیف رفتار مخرب و غیرقابل کنترل یک گراز وحشی به کار برده شده است. جنگ مذهبی شائول بر علیه مسیحیان از روی دو دلی و بیعلاقگی نبود؛ بلکه نقشه‌ای حساب شده و پایدار برای نابودی ایمان مسیحی بود.

در باره تحول و تغییر کیش شائول سه شرح در آیه های زیر داده شده است (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ تا ۱۸، باب ۲۲ آیات ۶ تا ۲۱ و باب ۲۶ آیات ۱۲ تا ۱۹).

فیض خدا چه نقشی در این تجربه داشت؟ به عبارت دیگر، آیا شائول شایسته آن خیریتی بود که خداوند نسبت به او روا داشت؟

از دیدگاه بشری، تحول و تغییر کیش شائول غیرممکن به نظر می‌رسید (از این رو بسیاری از مردم وقتی برای اولین بار شنیدند دچار شک و تردید شدند). تنها چیزی که شائول استحقاقش را داشت، مجازات بود اما خدا در عوض به این یهودی سر سخت و متعصب، فیض بخشید. اگرچه اهمیت دارد به این نکته توجه کنیم که ایمان آوردن شائول نه به خودی خود اتفاق افتاد و نه اینکه تحمیلی بود. شائول ملحد نبود. او مردی مذهبی بود، اما به شدت در درک خدا دچار اشتباه بود. سخنان عیسی به شائول، «(اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۴)، نشان می‌دهند که شائول را سرزنش می‌کرد. در جهان کهن، «مهمیز یا نشتر» چوب یا میله‌ای نوک‌تیز بود که برای بدر آوردن و حرکت در آوردن گاوها استفاده میشد خصوصاً هنگامی که از شخم زدن سرباز می‌زدند. شاول برای مدتی در برابر تلنگرها یا مهمیزهای خدا مقاومت کرده بود، اما در نهایت در مسیرش به دمشق، به واسطه دیداری معجزه‌آسا با عیسی قیام کرده، تصمیم گرفت دیگر مبارزه نکند.

به تجربه تحول یا تغییر کیش خود بیندیشید. شاید به میزان تجربه شائول چشمگیر و پر ماجرا نبوده باشد (که اکثراً چنین نیست)، اما شما به چه روش‌های مشابهی فیض خدا را دریافت کردید؟ چرا اهمیت دارد که باید آنچه را که مسیح به ما عطا نموده فراموش نکنیم؟

۲۷ ژوئن

سه شنبه

شائول در دمشق

شائول در حین مواجهه با عیسی، بینایی خود را از دست داد و سپس به او فرمان داده شد که به خانه فردی به نام یهوذا برود و در آنجا منتظر مرد دیگری به نام حنانيا بماند. بدون شک نابینایی جسمی شائول، تذکری قدرتمند از نابینایی روحانی بزرگ‌تری بود که او را به آزار و جفای پیروان عیسی واداشته بود.

ظاهر شدن عیسی بر او در راه دمشق، همه چیز را تغییر داد. هنگامی که شائول فکر می‌کرد که کاملاً حق با اوست، ولی دریافت که به طور کامل در اشتباه بود. او به جای کارکردن برای خدا، بر علیه او کار می‌کرد. شائول به عنوان فردی متفاوت از یک فریسی مغرور و متعصب که اورشلیم را ترک نموده بود، وارد دمشق شد. شائول در عوض خوردن و

نوشیدن، سه روز نخست خود را در دمشق صرف دعا و روزه نمود که بازتاب دهنده تغییر و تحول درونی او بواسطه آن وقایع بود.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۰ تا ۱۴ را بخوانید. تصور کنید در ذهن حنانيا چه می‌گذشت: آن شائول جفا دهنده حال به عیسی اعتقاد پیدا کرده بود. نام او اکنون به پولس تغییر یافته بود، رسول برگزیده خدا که باید مژده انجیل را به جهان غریهود نیز برساند (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۶ تا ۱۸ را ببینید).

جای تعجب نیست که حنانيا کمی سردرگم شده بود. اگر کلیسای اورشلیم بخواهد در پذیرفتن پولس سه سال پس از ایمان آوردن او تردید نماید، (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۳۰)، می‌توان تصور نمود که چه پرسش‌هایی قلب ایمانداران در دمشق را تنها پس از سه روز از این اتفاق مضطرب کرده باشد!

همچنین توجه کنید که حنانيا توسط خداوند روایی دریافت نموده بود که خبری تعجب‌آور و غیرمنتظره در مورد شائول طرسوسی بود؛ شاید چیزی کمتر از یک رؤیا نمی‌توانست او را قانع کند که آنچه درباره شائول به او گفته شده بود، درست باشد - اینکه دشمن ایمانداران یهودی تبار اینک عضوی از آنها شده بود.

شائول از سوی کاهنان اعظم اختیار تام و مأموریت یافته بود تا اورشلیم را برای خشکاندن ریشه اعتقادات مسیحی ترک نماید (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۲)؛ با این وجود خدا، مأموریتی کاملاً متفاوت برای شائول داشت، آنچه که از اقتدار بسیار بزرگ‌تری برخوردار بود. شائول باید مژده انجیل را به جهان غریهودی می‌رساند، چیزی که احتمالاً برای حنانيا و سایر ایمانداران یهودی از ایمان آوردن شائول نیز تکان‌دهنده‌تر بود.

درحالی‌که شائول به دنبال جلوگیری از گسترش اعتقادات مسیحی بود، اکنون خدا از او برای گسترش این باور، فراتر از آنچه که ایمانداران یهودی هرگز تصورش را نمی‌کردند، استفاده خواهد نمود.

اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷، متی باب ۷ آیه ۱ و اول قرنطیان باب ۴ آیه ۵ را بخوانید. پیام این سه آیه در مورد اینکه چرا ما باید در چگونگی ملاحظه و برخورد با تجربه روحانی دیگران مراقب باشیم، چیست؟ شما در قضاوت خود نسبت به دیگران چه اشتباهاتی انجام داده‌اید و از آن اشتباهات چه چیزی آموخته‌اید؟

۲۸ ژوئن

چهارشنبه

مژده انجیل به نزد غریهودیان می‌رود

نخستین کلیسای غریهودی در کجا بنا شد؟ چه رویدادهایی باعث شد که ایمانداران

به آنجا بروند؟ (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱۹ تا ۲۱ و ۲۶). این مطلب چه چیزی در مورد زمان عهد قدیم به شما یادآوری می‌کند؟ (دانیال باب ۲ را ببینید).

خبرآزار و جفایی که پس از مرگ استیفان در اورشلیم شیوع یافت، باعث شد که تعداد زیادی از ایمانداران یهودی به انطاکیه بگریزند که حدود ۵۰۰ کیلومتر از شمال اورشلیم فاصله داشت. انطاکیه عنوان پایتخت استان رومی سوریه، نسبت به روم و اسکندریه در درجه دوم اهمیت قرار داشت. جمعیت آن که حدود پانصد هزار نفر تخمین زده شده بود، متشکل از نژادهای مختلفی بود که آن مکان را به جایی مناسب نه تنها برای کلیسا با تعداد کثیری از هم یهویان و هم غیر یهودیان، بلکه به عنوان آغاز پایگاهی برای مأموریت جهانی کلیسای اولیه تبدیل می‌نمود.

چه چیزی در انطاکیه رخ داد که باعث دیدار بارناباس از شهر و متعاقب آن تصمیم او به دعوت پولس برای پیوستن به وی در آنجا شد؟ چنان تصویری از کلیسای آنجا ارائه شده است؟ (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۲۰ تا ۲۶).

ایجاد یک گاه‌شمار از زندگی پولس دشوار است، اما به نظر می‌رسد که حدود پنج سال فاصله میان دیدارش از اورشلیم پس از ایمان آوردن (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۳۰) و دعوت بارناباس از وی برای رفتن به انطاکیه وجود دارد. پولس در این سال‌ها چه کاری انجام می‌داد؟ نمی‌توان با اطمینان در این باره چیزی گفت. اما براساس سخنانش در غلاطیان باب ۱ آیه ۲۱، او احتمالاً در سرزمین‌های سوریه و قیلیقیه مژده انجیل را موعظه می‌کرد. برخی گفته‌اند که احتمالاً در طول این مدت بوده است که توسط خانواده‌اش از ارث محروم شده بود (فیلیپیان باب ۳ آیه ۸) و از سختی‌هایی که او در دوم قرن‌تیا باب ۱۱ آیات ۲۳ تا ۲۸ توصیف نموده است، رنج کشید. کلیسای انطاکیه تحت هدایت روح القدس شکوفا شد. مطلب شرح داده شده در اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۱ حاکی است که ماهیت چندنژادی شهر خیلی زود در تنوع قومی و فرهنگی کلیسا تأثیر گذاشت. (بارناباس اهل قبرس بود، لوکیوس از قیروان، پولس از سیسیلی و شمعون احتمالاً از آفریقا بود و در نظر بگیرید که همه تغییر کیش دادگان غیر یهودی نیز چنین بودند) روح اینک به دنبال آن بود که مژده انجیل را به غیر یهودیان بیشتری برساند و از انطاکیه به عنوان پایگاهی برای فعالیت‌های بشارتی بیشتر، فراتر از سوریه و یهودا، بهره برد.

اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۹۱ تا ۶۲ را بار دیگر بخوانید. از کلیسای انطاکیه، کلیسایی با تنوع نژادی و فرهنگی فراوان، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم که می‌تواند به کلیساهای امروزی در تقلید از خوبی که در آن وجود داشت، کمک کند؟

اختلاف در درون کلیسا

به طور حتم بشر بی عیب نیست و طولی نکشید که در میان اجتماع ایمانداران نخستین مشکل به وجود آمد.

برای کسانی که تازه کلیسا را تاسیس کرده بودند، همه از ورود ایمانداران غیریهودی به کلیسای اولیه خشنود نبودند. اختلاف بر سر مفهوم مأموریت غیریهودی نبود، بلکه بر سر اصل اجازه پیوستن غیریهودیان بود. برخی بر این باور بودند که ایمان تنها به عیسی به عنوان نشانه تعیین کننده مسیحیت، کافی نبود؛ آنها چنین استدلال می کردند که ایمان باید با ختنه و اطاعت از شریعت موسی تکمیل بشود. آنها ادعا می کردند که غیریهودیان برای اینکه یک مسیحی واقعی باشند، می بایست ختنه بشوند. (ما می توانیم در اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۱ تا باب ۱۱ آیه ۱۸، از تجربه پطرس با کرنلیوس و عکس العملی که پس از آن به وجود آمد، میزان تفرقه میان یهودیان و غیر یهودیان را مشاهده کنیم).

دیدارهای رسمی از اورشلیم که اعمال فیلیپ را در میان سامریان (اعمال رسولان ۸: ۱۴) و کار با غیر یهودیان در انطاکیه (اعمال ۱۱: ۲۲) را نظارت میکرد میتواند بیانگر این نگرانی باشد که غیر یهودیان به اجتماع مسیحیان ورود پیدا کرده اند. با این وجود واکنش به تعمید کرنلیوس توسط پطرس که سرباز رومی نا مختون بود نمونه ای بارز از اختلاف و ناسازگاری موجود بخاطر حضور غیریهودیان در میان ایمانداران اولیه بود. ورود گاه و بیگاه غیر یهودیان از قبیل کرنلیوس ممکن است باعث احساس ناراحتی برخی شده باشد ولی تلاش عمدی پولس برای گشودن دربهای عریض کلیسا بروی غیر یهودیان بر اساس محض ایمان به عیسی، منتج به تلاشهای عامدانه برخی بمنظور تحلیل و فرسایش فعالیتهای بشارتی پولس گردید.

چگونه برخی از ایمانداران اهل یهودیه در خنثی نمودن کار پولس برای مسیحیان غیریهودی در انطاکیه تلاش نمودند؟ اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵.

اگرچه شورای اورشلیم، در باب ۱۵ اعمال رسولان در نهایت در باره موضوع ختنه کردن از پولس طرفداری نمود، ولی مخالفت با بشارتهای پولس همچنان ادامه داشت. حدود هفت سال بعد، در طی دیدار نهایی پولس از اورشلیم، بسیاری همچنان نسبت به مزده انجیل پولس تردید داشتند. در واقع، هنگامی که پولس از معبد بازدید نمود، تقریباً جان خود را از دست داد وقتی که یهودیان اهل آسیا «فریاد برآوردند که «ای مردان اسرائیلی، امداد کنید! این است آن کس که بر خلاف اَمّت و شریعت و این مکان در هر جا همه را تعلیم می دهد» (اعمال رسولان باب ۱۲ آیه ۲۸؛ باب ۲۱ آیات ۲۰ و ۲۱ را نیز ببینید).

خود را به جای این ایمانداران یهودی که در مورد تعالیم پولس نگران بودند بگذارید. چرا نگرانی و مخالفت آنها به نوعی منطقی بنظر میرسد؟ ما از این مطلب درباره اینکه چگونه نظرات از پیش تعیین شده مان و همچنین مفاهیم فرهنگی (و حتی مذهبی) می توانند ما را به گمراهی سوق دهند، چه چیزی باید بیاموزیم؟ چگونه می توانیم بیاموزیم که خود را از انجام چنین اشتباهاتی، گذشته از نیت خوهمان، محافظت کنیم؟

جمعه

۳۰ ژوئن

تفکری فراتر: تفکری فراتر: برای یافتن ارتباط بین تحول شخصی و کلیسا فصل استقلال فردی صفحات ۴۳۰ تا ۴۳۴ از کتاب شهادتهایی برای کلیسا جلد سوم را بخوانید. برای یک نقشه کمکی از زندگی ابتدایی پولس و تفسیری بر تحول او کتاب مقدس تفسیری ادونتستیهای روز هفتم جلد ششم صفحات ۲۲۶ تا ۲۳۴ را بخوانید.

« پولس قبلاً به عنوان مدافع غیور دین یهود و آزاردهنده خستگی ناپذیر پیروان عیسی شناخته میشد. او که شجاع، مستقل و استوار بود، استعدادها و تعلیماتش می توانست او را قادر سازد تا تقریباً در هر ظرفیتی خدمت کند. و او می توانست با وضوح فوق العاده ای استدلال نماید و با طعنه تحقیر کننده ای معاضدین خود را در گوشه ای قرار دهد که جایی برای فرار نداشته باشند. و اینک یهودیان این مرد جوان را با وعده ای غیر معمولی دیدند که با کسانی که پیش از آن به آنها جفا می کرده است، متحد شده و بدون هیچ هراسی به نام عیسی موعظه می کند.

«کشته شدن یک فرمانده برای ارتش او، فقدان و خسارت محسوب میشود اما مرگ او هیچ قدرت اضافی به دشمن نمی دهد. اما وقتی که مردی با نیروی زیاد به ارتش مخالف می پیوندد نه تنها خدماتش از دست می روند بلکه به گروهی که پیوسته است سود فراوان می رساند. شائول طرسوسی در مسیرش به دمشق ممکن است توسط خداوند کشته می شد و نیرویی قدرتمند از شکنجه دهندگان کم می شد. اما خدا در آینده نگریش نه تنها زندگی شائول را حفظ نمود بلکه باعث ایمان آوردن او شد، و در نتیجه قهرمانی را از جانب دشمن به جانب مسیح آورد. پولس، یک سخنران فصیح و منتقدی سختگیر، با هدف محکم و شهامت بی باکانه اش، از صلاحیت های لازم برای کلیسای اولیه برخوردار بود.» - الن جی. وایت، اعمال رسولان صفحه ۱۲۴.

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 124

سوالاتی برای بحث

۱. ما از این حقیقت که بعضی از مخالفان سرسخت پولس، یهودیانی بودند که به عیسی ایمان داشتند، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟
۲. شما چگونه می‌توانید برای اصول مذهبی ایستادگی کنید و در عین حال، مطمئن باشید که بر علیه خدا مبارزه نمی‌کنید؟

خلاصه: رویارویی شائول با عیسای از مرگ قیام کرده در مسیر دمشق، لحظه تعیین کننده‌ای در زندگی وی و تاریخ کلیسای اولیه بود. خدا کسی را که زمانی آزار دهنده کلیسا بود متحول ساخت و او را به عنوان رسول برگزیده خود انتخاب نمود تا مژده انجیل را به جهان غیر یهود برساند. اگر چه آوردن غیر یهودیان به کلیسا تنها با ایمان به مسیح توسط پولس، برای بعضی‌ها در درون کلیسا مفهومی دشوار برای درک بود ولی مثالی قدرتمند بود از اینکه چگونه غرور و تعصب می‌تواند مانع مأموریت ما بشود.

اقتدار پولس و انجیل



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم پطرس باب ۳ آیات ۱۵ و ۱۶؛ غلاطیان باب ۱؛ فیلیپیان باب ۱ آیه ۱؛ غلاطیان باب ۵ آیه ۱۲.

آیه حفظی: «آیا الحال مردم را در رای خود می‌آورم یا خدا را؟ یا رضامندی مردم را می‌طلبم؟ اگر تا بحال رضامندی مردم را می‌خواستم، غلام مسیح نمی‌بودم» (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۰).
[ترجمه تفسیری: هدف من این نیست که با تملق و چاپلوسی اعتماد شما را بخود جلب کنم. کوشش من خشنود ساختن خداست. اگر تا بحال در پی جلب خشنودی مردم می‌بودم هرگز نمیتوانستم خدمتگزار واقعی مسیح باشم.]

دانشجویان در محوطه دانشگاه خود مرکزی را بنا کردند، مکانی که همه گرایشهای اجتماعی صرف نظر از نژاد، جنسیت، موقعیت اجتماعی و یا اعتقادات دینی بتواند از آنان حُسن استقبال بعمل آورد. سالهای بعد را تصور کنید که این دانشجویان قدیمی به دانشکده برگشته و متوجه شوند که دانشجویان جدید، این مرکز دانشجویی را از نو طراحی کرده‌اند. به جای تالاری بزرگ با فضای زیاد با طرح و هدف تعامل و ارتباطات اجتماعی که نوعی حس اتحاد را برای همه به همراه داشته باشد - تالار به چندین اتاق کوچکتر با ورودی‌های ویژه‌ای بر اساس نژاد، جنسیت و غیره تقسیم شده بود. دانشجویانی که مسئول و پاسخگوی طراحی جدید بودند، ممکن است چنین استدلال کرده باشند که اختیار و اقتداری که در ایجاد این تغییرات دارند از شیوه و عرفهای پابرجای قدیم الایام کسب شده است.

این موضوع همان وضعیت مشابهی است که پولس هنگامی که رساله خود را برای کلیساهای غلاطیه نوشت، با آن مواجه بود. برنامه او مبنی بر این که غیر یهودیان

می‌توانستند بر پایه تنها ایمان به مسیح به کلیسا پیوندند، توسط تعلیم دهندگان دروغین به چالش کشیده شد، کسانی که اصرار داشتند غیر یهودیان می‌بایست پیش از عضویت در کلیسا، ختنه بشوند.

این وضعیتی که پولس مشاهده نمود، حمله‌ای به ماهیت خود انجیل بود؛ از این رو، او باید واکنش نشان می‌داد. آن واکنش، ارسال نامه به غلاطیان بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۸ ژوئیه آماده شوید.

یکشنبه

۲ ژوئیه

پولس، نویسنده نامه

دوم پطرس باب ۳ آیات ۱۵ و ۱۶ را بخوانید. این آیات درباره نظر کلیسای اولیه نسبت به نوشته پولس، چه چیزی به ما می‌گویند؟ این مطلب چه چیزی در مورد نحوه کار وحی و الهام به ما می‌آموزد؟

زمانی که پولس برای غلاطیان نامه نوشت، برای بوجود آوردن یک شاهکار ادبی تلاش نکرد. در عوض، پولس تحت هدایت روح القدس، به موقعیت‌های خاصی اشاره می‌نمود که به او و ایمانداران در غلاطیه مربوط بود.

نامه‌هایی مانند غلاطیان، نقش بسیار مهمی در مأموریت رسالتی پولس ایفا نمودند. پولس به عنوان مبشر برای جهان غیر یهود، کلیساهای پراکنده زیادی در محدوده دریای مدیترانه یافت. اگرچه او هر زمان که می‌توانست، از این کلیساها بازدید می‌نمود، نمی‌توانست برای مدتی طولانی در یک مکان بماند. او برای جبران غیبت خود، نامه‌هایی به کلیساهای راهنمایی نمودن آن‌ها می‌نوشت. با گذشت زمان، نسخه‌هایی از نامه‌های پولس با کلیساهای دیگر نیز در میان گذاشته شد (کولسیان باب ۴ آیه ۱۶). با وجود اینکه برخی از نامه‌های پولس مفقود گردید، دست کم سیزده کتاب در عهد جدید نام او را در بر دارند. همانطور که سخنان بالا از پطرس نیز نشان می‌دهند، در مرحله‌ای، نوشته‌های پولس به عنوان بخشی از کتاب مقدس بحساب آمد. این موضوع بدرستی نشان می‌دهد که مأموریت بشارتی او در نهایت چه میزان اقتدار در ابتدای تاریخ کلیسا بدست آورد.

زمانی بعضی از مسیحیان بر این باور بودند که سبک نامه‌های پولس منحصر به فرد است - شیوه‌ای خاص که توسط روح به منظور متضمن بودن کلام الهام شده خدا بوجود آمده بود. این نظریه تغییر یافت هنگامی که دو پژوهشگر از دانشگاه آکسفورد به نام‌های برنارد گرنفل (Bernard Grenfell) و آرتور هانت (Arthur Hunt) حدود پانصد

هزار تکه از پاپیروسهای باستانی را در مصر کشف کردند (اسنادی نوشته شده بر روی پاپیروس، نوعی کاغذ رایج که چندصد سال قبل و پس از مسیح بکار برده می‌شد). آن‌ها علاوه بر یافتن تعدادی از قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید، همچنین صورت حساب‌ها، اظهارنامه‌های مالیاتی، رسیدها و نامه‌های شخصی نیز پیدا کردند.

باعث تعجب زیاد همگان بود که مشخص شد نامه‌های پولس مشابه با تمام نامه‌های نوشته شده در زمان وی بودند. این سبک شامل (۱) سرآغاز با سلام و تهنیت به همراه نام فرستنده و گیرنده و سپس ادای احترام؛ (۲) کلامی از سپاسگزاری؛ (۳) پیکره یا متن اصلی نامه؛ و در نهایت (۴) سخن پایانی.

بطور خلاصه، پولس از نمونه و فرم رایج زمانه، با معاصران خویش از طریق یک رسانه و سبکی که با آن آشنایی داشتند، سخن میگفت.

اگر قرار بود کتاب مقدس امروزه نوشته بشود، فکر می‌کنید خداوند از چه رسانه، چارچوب و سبکی برای ارتباط با ما استفاده می‌نمود؟

۳ ژوئیه

دوشنبه

فراخوانده شدن پولس

اگر چه رساله‌های پولس بطور کلی از سبک نامه‌های کهن پیروی می‌کنند، رساله غلاطیان شامل تعدادی از ویژگی‌های منحصر به فرد است که در سایر رساله‌های پولس دیده نمی‌شوند. این تفاوت‌ها در صورت تشخیص داده شدن می‌توانند به کمک کنند تا درک بهتری از موقعیتی که پولس در آن قرار داشت ارائه نمایند.

سر آغاز نامه پولس را در غلاطیان باب ۱ آیات ۱ و ۲ با آنچه در افسسیان باب ۱ آیه ۱، فیلیپیان باب ۱ آیه ۱ و دوم تسالونیکیان باب ۱ آیه ۱ می‌نویسد، مقایسه کنید. سر آغاز نامه پولس در غلاطیان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با سایر نامه‌ها دارد؟

مقدمه نامه پولس در غلاطیان نه تنها کمی طولانی‌تر از سایر نامه‌های اوست، بلکه از شیوه معمول خود در توصیف اساس اقتدار رسالتی اش فراتر میرود. بطور تحت اللفظی معنی واژه رسول یعنی «کسی که فرستاده شده» یا «پیغام‌رسان» است. در عهد جدید، در دقیق‌ترین مفهومش، حواریون به دوازده تن از پیروان عیسی و دیگران که مسیح ایشانرا فرستاد تا مردم در باره وی بگویند اطلاق میشود. (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۹،

اول قرنیتان باب ۱۵ آیه ۷). پولس بیان می‌کند که او به این گروه منتخب تعلق دارد. این واقعیت که پولس به شدت انکار می‌کند که رسالت وی بر پایه بشری استوار نیست، حاکی است که برخی در غلطیه تلاش نمودند تا اقتدار رسالتی وی را تضعیف و به چالش بکشند. چرا؟ همانطور که دیده‌ایم، بعضی در کلیسا با پیام پولس مبنی بر اینکه رستگاری تنها بر اساس ایمان به مسیح حاصل می‌شود و نه با اعمال تشریفاتی احکام، خشنود نبودند. آن‌ها احساس کردند که مژده پولس، باعث تضعیف فرمانبرداری از احکام می‌شود. این آشوبگران زیرک و حيله گر بودند. آن‌ها می‌دانستند که اساس پیام انجیل پولس مستقیماً با مرجع اقتدار رسالتی وی پیوند دارد (یوحنا باب ۳ آیه ۳۴) و آن‌ها مصمم بودند تا قدرتمندانه بر علیه آن اقتدار یورش ببرند.

با این حال، آن‌ها بطور مستقیم رسالت پولس را انکار نکردند؛ بلکه با مباحثه خود می‌خواستند اقتدار پولس را کم اهمیت جلوه دهند. آن‌ها احتمالاً ادعا کرده بودند که پولس از پیروان اولیه عیسی نبوده است؛ از این رو، اقتدار وی از جانب خدا نبوده است و بلکه از طرف بشر بوده - شاید از طرف رهبران کلیسای انطاکیه که پولس و بارناباس را به عنوان مبشر بکارگماشتند (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱ تا ۳). یا شاید تنها از جانب حنانيا که پولس را تعمید داد، بروز کرده باشد (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۰ تا ۱۸). از نظر آن‌ها، پولس صرفاً یک پیغام‌رسان از انطاکیه یا دمشق بود و نه چیزی بیشتر! در نتیجه، آن‌ها استدلال نمودند که پیام وی فقط عقیده خود او بوده و نه کلام خدا. پولس خطر این اتهامات را تشخیص داد و بنابراین بلافاصله از رسالتی که خدا به او واگذار کرده بود دفاع می‌کند.

امروزه در محدوده کلیسای ما، اقتدار کتاب مقدس به چه شیوه‌هایی حتی شاید به طور حيله گرانه به چالش کشیده شده است؟ ما چگونه می‌توانیم این چالش‌ها را تشخیص بدهیم؟ مهم‌تر اینکه، آن‌ها (احتمالاً) تفکر شما را در مورد اقتدار کتاب مقدس تحت تأثیر قرار داده‌اند؟

۴ ژوئیه

سه شنبه

مژده انجیل پولس

پولس در سر آغاز نامه خود به غلاطیان، علاوه بر دفاع از رسالت خویش، بر چه چیز دیگری تأکید می‌کند؟ غلاطیان باب ۱ آیات ۳ تا ۵ را با افسسیان باب ۱ آیه ۲، فیلیپیان باب ۱ آیه ۲ و کولسیان باب ۱ آیه ۲ مقایسه کنید.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد نامه‌های پولس، شیوه‌ای است که او واژگان فیض و آرامش را در درود فرستادن‌ها پیوند میدهد. تلفیق این دو واژه، تغییر مشخصه ویژه سلام و درود در میان مردم یونانی و یهود مسلک می‌باشد. در حالی که یک نویسنده یونانی می‌نویسد، «درود»، پولس می‌نویسد «فیض»، واژه‌ای مشابه در زبان یونانی. پولس احوالپرسی عامیانه یهودیان یعنی «صلح» یا سلام یا سلامتی را نیز می‌افزاید. ترکیب این دو واژه یک تعارف محض نمی‌باشد. در مقابل، این کلمات اساساً پیام انجیل او را توصیف می‌کنند. (در واقع، پولس بیش از هر نویسنده دیگر عهد جدید، از این دو واژه استفاده می‌کند.) فیض و صلح (سلام و سلامتی) از جانب پولس نیستند بلکه از طرف خدای پدر و خداوند عیسی مسیح می‌باشند.

پولس چه جنبه‌هایی را از انجیل به غلاطیان باب ۱ آیات ۱ تا ۶ اضافه می‌کند؟

اگرچه پولس برای ادای احترام در سر آغاز نامه منظور شرح و تفصیل ماهیت انجیل فضای کمی اختصاص داده لیکن استادانه تنها در چند آیه کوتاه، گنه و گوهره انجیل را تشریح میکند. حقیقت محوری که انجیل بر حول آن می‌گردد، چیست؟ بر طبق گفته پولس، آن حقیقت انطباق ما با احکام نیست - نکته‌ای که مخالفان پولس فریاد می‌زدند. بالعکس، انجیل کاملاً بر آنچه مسیح برای ما از طریق مرگش بر روی صلیب و قیامش از مرگ انجام داد، استوار است. مرگ و قیام مسیح کاری بود که ما هرگز نمی‌توانستیم برای خود انجام بدهیم. آن‌ها قدرت گناه و مرگ را شکستند، پیروان او را از قدرت شر که بسیاری را در ترس و اسارت نگه می‌دارد، آزاد کردند.

همانطور که پولس مژده فوق‌العاده فیض و صلح (سلامتی) را که خدا در مسیح برای ما بوجود آورد انعکاس می‌دهد، وارد نوعی ستایش بی‌اختیار می‌شود که در آیه ۵ مشاهده می‌شود.

از تمام کلاماتی که پولس در غلاطیان باب ۱ آیات ۱ تا ۵ بکار برده است، درک خود را از انجیل بنویسید. نوشته‌های خود را در کلاس مطرح کنید.

۵ ژوئیه

چهارشنبه

هیچ انجیل دیگری وجود ندارد

معمولاً چه چیزی پس از ادای احترام آغازین نامه‌های پولس می‌آید؟ غلاطیان

چگونه در این زمینه متفاوت است؟ آیات مذکور را با هم مقایسه کنید: غلاطیان باب ۱ آیه ۶ را با رومیان باب ۱ آیه ۸، اول قرنتیان باب ۱ آیه ۴، فیلیپیان باب ۱ آیه ۳ و اول تسالونیکیان باب ۱ آیه ۲.

اگرچه پولس به همه نوع مشکلات و سختی‌های محلی در نامه‌اش به کلیسا اشاره می‌کند، اما همچنان این را یک عادت ساخت که نامه‌های خود را با دعا و شکرگزاری از خدا برای ایمان خوانندگانش آغاز نماید. او حتی این کار را در نامه‌هایش به قرنتیان که با انواع رفتارهای بحث برانگیز دست و پنجه نرم می‌کردند، نیز انجام داد (اول قرنتیان باب ۱ آیه ۴ را با باب ۵ آیه ۱ مقایسه کنید). شرایط در غلاطیه بسیار ناراحت کننده است، که پولس کاملاً شکرگزاری را حذف نموده و به موضوع اصلی می‌پردازد.

پولس از چه واژگان قدرتمندی استفاده می‌کند که میزان نگرانی او در مورد آنچه در غلاطیه اتفاق می‌افتاد را نشان می‌دهد؟ غلاطیان باب ۱ آیات ۶ تا ۹ و باب ۵ آیه ۱۲ را بخوانید.

پولس از هیچ واژه‌ای در دَعَوِی خود علیه غلاطیان دریغ نمی‌کند. به عبارت ساده، او آن‌ها را متهم می‌کند که به فراخوان مسیحی خود خیانت ورزیده اند. در واقع، واژه روی برگرداندن که در آیه ۶ آمده است، اغلب برای توصیف سربازانی استفاده میشد که از وفاداری خود به کشور با ترک ارتش روی بر میگرداندند. از نظر روحانی، پولس می‌گوید که غلاطیان خائنانی بودند که از خدای خود روی برگرداندند.

غلاطیان چگونه خدا را ترک نمودند؟ با روی گرداندن به سوی انجیلی دیگر. پولس نمی‌گوید که بیش از یک انجیل وجود دارد، بلکه بعضی در کلیسا بودند که - با تعلیم اینکه ایمان به مسیح کافی نبود (اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵) - چنان رفتار می‌کردند که گویا انجیل دیگری وجود دارد. پولس از این تحریف انجیل چنان ناراحت است که تمایل دارد هر کسی که انجیل دیگری را موعظه می‌کند، مورد نفرین خدا قرار بگیرد! (غلاطیان باب ۱ آیه ۸). پولس بسیار در مورد این نکته چنان مُصِرّ است که اساساً یک چیز را (برای تأکید) دو مرتبه بیان می‌کند (غلاطیان باب ۱ آیه ۹).

امروزه حتی در کلیسای ما (در برخی مکانها)، تمایلی برای تأکید بیشتر بر تجربه نسبت به اصول تعالیم وجود دارد. چیزی که (به ما گفته شده است) بیشترین اهمیت را دارد، تجربه‌مان و رابطه‌مان با خدا می‌باشد. با وجود اهمیت زیاد تجربه، نوشته‌های پولس در اینجا، چه چیزی به ما در مورد اهمیت تعلیم صحیح می‌آموزند؟

منشاء انجیل پولس

دردسرسازان در غلاطیه مدعی بودند که انجیل پولس در واقع از تمایل وی به جلب رضایت دیگران نشأت گرفته بود. اگر پولس صرفاً بدنبال جلب رضایت دیگران بود، چه چیزی احتمالاً در نامه‌اش متفاوت می‌بود؟ غلاطیان باب ۱ آیات ۶ تا ۹ و ۱۱ تا ۲۴ را در مد نظر قرار دهید.

چرا پولس لازم نمی‌دید که ایمانداران غیر یهودی ختنه بشوند؟ مخالفان پولس ادعا کردند دلیلش این بود که او می‌خواست به هر قیمتی مردم ایمان بیاورند. شاید آن‌ها فکر می‌کردند از آنجایی که پولس می‌دانست غیریهودیان شروطی در مورد ختنه خواهند داشت، آن را الزامی ندانست. او یک راضی‌کننده مردم بود! پولس در پاسخ به چنین اتهاماتی، توجه مخالفان خود را به سخنان قدرتمندی که در آیات ۸ و ۹ نوشته بود، جلب می‌کند. اگر همه آنچه او می‌خواست رضایت‌مندی بود، مطمئناً به گونه‌ای دیگر پاسخ می‌داد.

چرا پولس می‌گوید که تلاش در راضی کردن مردم و همزمان پیرو عیسی بودن، غیر ممکن است؟

پس از بیانیه پولس در آیات ۱۱ و ۱۲ که او انجیل و اقتدارش را مستقیماً از خدا دریافت کرده است، سخنانش در آیات ۱۳ تا ۲۴ چگونه منظور وی را بیان می‌کنند؟

آیات ۱۳ تا ۲۴ روایت شرح حال شرایط پولس پیش از ایمان آوردنش (آیات ۱۳ و ۱۴)، در حین ایمان آوردنش (آیات ۱۵ و ۱۶) و پس از آن (آیات ۱۶ تا ۲۴) را ارائه می‌دهند. پولس مدعی است که شرایطی که در هر کدام از این رویدادها وجود داشت، این ادعا را که انجیلش را از کسی غیر از خدا دریافت نمود، غیر ممکن می‌سازند. پولس قصد ندارد بنشیند و اجازه بدهد کسی پیام وی را با زیر سؤال بردن فراخوانده شدنش، بی‌اعتبار کند. او می‌داند چه اتفاقی برایش رخ داد، او می‌داند برای تعلیم دادن برای چه چیزی فراخوانده شده است و او به هر قیمتی آن کار را انجام خواهد داد.

شما از فراخوانده شدنشان در مسیح تا چه میزان مطمئن هستید؟ چگونه می‌توانید با اطمینان بدانید خدا شما را به انجام چه کاری فراخوانده است؟ در عین حال، حتی اگر از فراخوانده شدن خود مطمئن هستید، چرا باید بیاموزید که به مشورت دیگران گوش فرا دهید؟

جمعه

۷ ژوئیه

تفکری فراتر: «تقریباً در همه کلیساها اعضای وجود داشتند که یهودی زاده بودند. تعلیم دهندگان دین یهود بواسطه این ایمانداران مسیحی یهودی تبار، دسترسی آسانی یافتند تا از طریق ایشان پایگاهی در کلیساها بدست آوردند. از میان بردن تعلیم پولس از طریق استدلال‌های کتاب مقدس غیر ممکن بود؛ از این رو آنها برای بی‌اثر نمودن تأثیر او و تضعیف اقتدارش از هیچ روشی دریغ نکردند. آنها اظهار داشتند که او جزء حواریون عیسی نبوده و هیچ مأموریتی از جانب عیسی دریافت نکرده است؛ در عین حال، او عقیده دارد تا تعالیمی دقیقاً مخالف با تعلیم پطرس، یعقوب و سایر رسولان ارائه بدهد...»
«روح پولس با دیدن شرارت‌هایی که با سرعت زیاد تهدید به نابودی این کلیساها می‌کردند، آزرده شد. او بلافاصله برای غلاطیان نامه نوشت و نظریه‌های نادرست ایشان را افشا نمود و با شدت زیاد کسانی را که از ایمان فاصله گرفته بودند، سرزنش نمود.» - الن جی. وایت بر گرفته شده از مرجع زیر.

Ellen G. White, Sketches From the Life of Paul, pp. 188, 189

سوالاتی برای بحث

۱. توضیحاتتان از درک خود از ماهیت انجیل را در کلاس بخوانید. چه چیزی می‌توانیم از نوشته‌های یکدیگر بیاموزیم؟
۲. پولس در مقدمه خود با غلاطیان، اظهار نمود که مرگ عیسی به دلیل خاص اتفاق افتاد. آن دلیل چه بود و امروزه برای ما چه معنایی دارد؟
۳. پولس در غلاطیان باب ۱ آیه ۱۴ می‌گوید که به شدت نسبت به رسوم و سنتهای پدرانش متعصب بود. منظور او از «رسوم و سنت» احتمالاً هم سنتهای شفاهی فریسیان و هم عهد قدیم می‌باشد. چه جایی برای رسم و سنت در ایمان ما وجود دارد؟ تجربه پولس ممکن است امروزه در مورد سؤال کلی رسم و سنت به ما چه هشداری بدهد؟
۴. چرا پولس نسبت به کسانی که باوری متفاوت از آنچه او گفته و انجام میداد «نابردبار» بود؟ یکبار دیگر برخی از مواردی را که او درباره کسانی که دیدگاه متفاوتی نسبت به انجیل داشتند را بخوانید. چگونه ممکن است کسی با چنین موضعی سخت و سازش‌ناپذیر، امروزه در کلیسای ما مدّ نظر گرفته بشود؟

خلاصه: معلّمان دروغین در غلطیه با این ادعا که رسالت و پیام انجیل پولس از جانب خدا نیست، سعی در تضعیف بشارت وی داشتند. پولس با هر دوی این اتهامات در آیات ابتدایی در رساله خویش به غلاطیان، پاسخ می‌دهد. او شجاعانه اظهار می‌کند که تنها یک راه نجات وجود دارد و توضیح می‌دهد که چگونه وقایع در راستای ایمان آوردنش نشان می‌دهند که فراخوانده شدن و انجیل وی تنها می‌توانستند از جانب خدا باشند.

وحدت انجیل



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۴؛ اول قرنتیان باب ۱ آیات ۱۰ تا ۱۳؛ پیدایش باب ۱۷ آیات ۱ تا ۲۱؛ یوحنا باب ۸ آیات ۳۱ تا ۳۶؛ کولسیان باب ۳ آیه ۱۱.

آیه حفظی: «پس خوشی مرا کامل گردانید تا با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک دل بشوید و یک فکر داشته باشید» (فیلیپیان باب ۲ آیه ۲). ترجمه تفسیری: اگر چنین است یکدیگر را محبت نموده، قلبا با هم توافق داشته و همدل و همفکر باشید تا مرا واقعا شاد سازید.

جان کالوین (John Calvin) که در زمره پروتستانهای اصلاح طلب بود اعتقاد داشت که تفرقه و جدایی، شیوه اصلی سر دسته اهریمنان علیه کلیساست و هشدار داد که مسیحیان باید از انشقاق که همچون طاعون است اجتناب کنند. اما آیا اتحاد باید به قیمت حقیقت حفظ بشود؟ تصور کنید اگر مارتین لوتر (Martin Luther) پدر پروتستان های اصلاح طلب، به خاطر اتحاد، هنگامی که برای محاکمه به مجمع ورمز (Diet of Worms) آورده شد، تصمیم می گرفت تا عقاید خویش را در مورد رستگاری بواسطه ایمان محض انکار کند.

«اگر بنیانگزار اصلاح طلب نسبت به یک نکته سر تسلیم فرود می آورد شیطان و سپاهش پیروزی را بدست می آوردند. اما استحکام تزلزل ناپذیر او وسیله رهایی کلیسا و آغاز عصری جدید و بهتر بود.» - الن جی. وایت. جدال عظیم صفحه ۱۶۶.

(Ellen G. White), The Great Controversy, p. 166

در غلاطیان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۴، می بینیم که رسول هر کاری در توانش انجام می دهد تا حوزه رسالتی او وحدت خود را حفظ کند در حینیکه برخی از ایمانداران تلاش میکردند

تا آنرا به نابودی بکشانند. اما با وجود اهمیتی که این اتحاد برای پولس داشت، او نپذیرفت که اجازه دهد تا برای استحصال آن، حقیقت انجیل به مخاطره بیفتد. در حالی که در بطن اتحاد جایی برای تنوع فرهنگی وجود داشت، لیکن انجیل هرگز نمی‌بایست در این روند در گرداب مهلکه قرار گیرد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۵ ژوئیه آماده شوید.

۹ ژوئیه

یکشنبه

اهمیت اتحاد

اول قرن‌تین باب ۱ آیات ۱۰ تا ۱۳ را بخوانید. این آیات درباره میزان اهمیت اتحاد در کلیسا از نظر پولس چه چیزی به ما می‌گویند؟

پولس که آن اتهامات عدم مشروعیت انجیل او از جانب خدا را تکذیب کرده بود، در غلاطیان باب ۲ آیات ۱ و ۲، توجه خود را به اتهامی دیگری که بر علیه وی مطرح گردیده بود معطوف می‌دارد. معلمان دروغین در غلاطیه ادعا کردند که انجیل پولس با آنچه پطرس و دیگر رسولان تعلیم می‌دادند، هماهنگی ندارد. آن‌ها می‌گفتند که پولس یک خائن بود.

پولس در پاسخ به این اتهام، روایت سفری که دست کم چهارده سال پس از ایمان آوردنش به اورشلیم داشت را بار دیگر بازگو می‌کند. اگرچه از زمان این سفر کاملاً مطمئن نیستیم، با این حال هیچ سفری در روزگار کهن کار آسانی نبود. اگر او از طریق زمینی از انطاکیه به اورشلیم سفر کرده باشد، این سفر که تقریباً هفتصد کیلومتر به درازا میکشید دست کم چند هفته به طول می‌انجامید و با مخاطرات و سختی‌هایی مواجه بود. با این حال، با وجود چنین دشواری‌هایی، پولس به این سفر رفت، نه به این دلیل که رسولان او را احضار کرده بودند، بلکه بخاطر اینکه روح‌القدس او را طلبیده بود. و در حینیکه در آنجا بود، انجیل خود را به رسولان عرضه داشت.

چرا او این کار را انجام داد؟ مطمئناً نه بخاطر اینکه در مورد آنچه که تعلیم میداد تردید داشته باشد. او به طور حتم به هیچ نوع تأییدی از جانب ایشان نیازی نداشت. نباید فراموش کنیم که او پیش از این همان انجیل را به مدت چهارده سال بشارت میداد. و اگرچه او به اجازه یا تأیید ایشان نیز احتیاجی نداشت، اما برای حمایت و تشویق رسولان دیگر ارزش زیادی قائل بود.

پس، این اتهام که پیام پولس متفاوت بود، نه تنها حمله‌ای بر علیه او بود، بلکه حمله به اتحاد رسولان و کلیسا بود.

حفظ و ابقای اتحاد رسالتی بسیار ضروری بود، زیرا تفرقه میان مأموریتی که پولس

برای غیر یهودیان و کلیسای مادر در اورشلیم داشت میتوانست عواقب فاجعه باری به همراه داشته باشد. عدم همبستگی میان مسیحیان غیریهودی و یهودی تبار، باعث میشد که «مسیح از آنها جدا شده و تمامی زحماتی که پولس برای بشارت به غیریهودیان متحمل شده بود و امید داشت که همچنان صرف کند، به هدر می‌رفت.» - اف. اف. بروس، رساله ای برای غلاطیان صفحه ۱۱۱.

F. F. Bruce, The Epistle to the Galatians, p. 111

برخی از مسائلی که اتحاد کلیسای امروزی را تهدید می‌کنند، کدامند؟ مهم‌تر اینکه، پس از اینکه ما آن‌ها را مشخص می‌کنیم، چگونه با آن‌ها روبرو می‌شویم؟ چه مسائلی از اتحاد مهم‌تر هستند؟

۱۰ ژوئیه

دوشنبه

ختنه و برادران دروغین

چرا ختنه شدن، به کانون مشاجره میان پولس و بعضی از مسیحیان یهودی تبار مبدل بود؟ پیدایش باب ۱۷ آیات ۱ تا ۲۲؛ غلاطیان باب ۲ آیات ۳ تا ۵، باب ۵ آیات ۲ و ۶؛ اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ و ۵ را ببینید. چرا درک اینکه بعضی بر این عقیده بودند که حتی غیریهودیان نیز باید ختنه می‌شدند، چنان دشوار می‌باشد؟

ختنه شدن نشانه رابطه عهدی بود که خدا با ابراهیم، پدر امت یهود بست. اگرچه ختنه شدن تنها برای اولاد مذکر ابراهیم بود، یعنی تمام کسانی که به رابطه عهد با خدا دعوت شده بودند. نشان ختنه در باب ۱۷ پیدایش به ابراهیم داده شد. این موضوع پس از تلاش مصیبت‌بار ابراهیم حادث شد تا پدر فرزندی از طریق کنیز مصری همسرش بشود که در تحقق بخشیدن به وعده خدا کمکی کرده باشد.

ختنه شدن نشانی از ارتباط با عهد بود. یادآوری بود که نقشه‌های بشری با بهترین طرح، هرگز نمی‌توانند آنچه را که خدا وعده داده است، به کمال برسانند. ختنه ظاهری قرار بود تا نمادی از ختنه باطنی قلب باشد (تثنية باب ۱۰ آیه ۱۶، باب ۳۰ آیه ۶؛ ارمیا باب ۴ آیه ۴؛ رومیان باب ۲ آیه ۲۹). این عمل معرف قطع اعتماد از به خود اتکایی و در عوض تکیه‌ای وفادارانه به خدا می‌باشد.

اگرچه در زمان پولس، ختنه شدن به یک نشانه با ارزش هویت ملی و دینی تبدیل شده بود - نشانه‌ای که در ابتدا قرار نبود اینگونه باشد. حدود صد و پنجاه سال پیش از

تولد عیسی، برخی وطن پرستان بیش از حد متعصب نه تنها تمام یهودیان ختنه نشده در فلسطین را به ختنه شدن وادار کردند، بلکه آن را برای تمام مردانی که در قومهای اطراف زندگی می‌کردند و در زیر مجموعه حوزه قضایی آنها قرار داشتند، الزامی دانستند. بعضی حتی بر این باور بودند که ختنه شدن گذرنامه نجات بود. این مطلب می‌تواند در لطیفه‌های کهن دیده شود که با اطمینان مسائلی چون، «مردان ختنه شده به جهنم نمی‌روند» را اظهار می‌کنند. - سی. ئی. بی. کرنفیلد، نگرشی موشکافانه و تفسیری به رساله رومیان. نشر ادینبورگ. تی کلارک. صفحه ۱۷۲.

C. E. B. Cranfield, A Critical and Exegetical Commentary on the Epistle to the Romans
فرض بر اینکه پولس مخالف ختنه شدن بود، اشتباه است. آنچه پولس به آن اعتراض داشت، اصرار بر این بود که غیریهودیان باید حتماً ختنه می‌شدند. معلمان دروغین گفتند: «اگر بر حسب آیین موسی مختون نشوید، ممکن نیست که نجات یابید» (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱). پس مسأله در واقع مربوط به ختنه شدن نبود، بلکه درباره نجات بود. نجات یا با محض ایمان به مسیح بدست می‌آید و یا چیزی است که با فرمانبرداری بشر حاصل می‌شود.

شاید امروزه ختنه شدن اهمیتی نداشته باشد. اما ما به عنوان تشکیل دهندگان کلیسا، با چه دشواری‌هایی روبرو هستیم که مشابه با این مشکل هستند؟

۱۱ ژوئیه

سه شنبه

اتحاد در تنوع فرهنگی

غلاطیان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید. پولس می‌گوید که برادران کذب «آزادی ما را که در مسیح عیسی داریم، جاسوسی کردند، تا ما را به بندگی درآورند». ترجمه تفسیری: البته مسئله ختنه را کسانی پیش کشیدند که خود را مسیحی میدانستند اما در واقع مسیحی نبودند. ایشان برای جاسوسی آمده بودند تا دریابند که آزادی ما در عیسی مسیح چگونه است و ببینند که ما تا چه حد از شریعت یهود پیروی میکنیم. (غلاطیان باب ۲ آیه ۴). مسیحیان از چه رها هستند؟ یوحنا باب ۸ آیات ۳۱ تا ۳۶؛ رومیان باب ۶ آیات ۶ و ۷، باب ۸ آیات ۲ و ۳؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۳ تا ۲۵، باب ۴ آیات ۷ و ۸؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ و ۱۵ را بخوانید. ما واقعیت این آزادی را برای خود چگونه تجربه می‌کنیم؟

آزادی یا رهایی، به عنوان شرحی از تجربه مسیحی، دارای مفهومی بسیار مهم برای پولس می‌باشد. او از این واژه بیش از سایر نویسندگان عهد جدید استفاده کرده است و واژه‌های آزاد و آزادی بطور مکرر در کتاب غلاطیان بکار برده شده‌اند. اگرچه آزادی برای مسیحیان به معنی آزادی در مسیح می‌باشد. این فرصتی مغتنم است تا بدون هیچ مانعی نوع زندگی خود را بگونه ای تغییر دهیم تا وقف خدا باشد؛ این نوع زندگی شامل آزادی و رهایی از قید و بندگی به تمایلات ذاتی نسبت به گناه است (رومیان باب ۶)، رهایی از مجازات احکام (رومیان باب ۸ آیات ۱ و ۲) و رهایی از قدرت مرگ می‌باشد (اول قرنتیان باب ۱۵ آیه ۵۵).

رسولان تشخیص دادند که «مأموریت اعلام انجیل به غیر یهودیان به پولس سپرده شده، همان طوری که وظیفه اعلام انجیل به یهودیان به پطرس محول شده بود» (غلاطیان باب ۲ آیه ۷). این مطلب درباره ماهیت اتحاد و تنوع فرهنگی در درون کلیسا چه چیزی پیشنهاد می‌دهد؟

رسولان تصدیق نمودند که خدا پولس را فراخوانده بود تا انجیل را برای غیریهودیان موعظه کند، درست همانطور که پطرس را فراخوانده بود که آن را به یهودیان موعظه کند. در هر دو مورد، انجیل یکسان بود، اما روش ارائه آن بستگی به مردمی داشت که رسول، تلاش برای جذبشان داشت. انجیل این یکی شدن را به ارمغان می آورد که اساس وحدت مسیحیان است که دقیقاً میتوان آنها بعنوان اتحاد در تنوع و گوناگونی دانست. - جیمز دی. جی. دان، رساله برای غلاطیان. صفحه ۱۰۶.

James D. G. Dunn, The Epistle to the Galatians, p. 106

مولوی در دفتر دوم خود موضوع بالا را از طریق شعر با قلم شیوایی به نظم کشیده است که چند بیت از آن را در این مقال به رویت شما عزیزان صاحب‌دل می آوریم. بخاطر طولانی بودن شعر فقط چند بیت از آن در ذیل آورده شده که توصیه میکنیم مابقی را شخصا مطالعه نمائید.

چهار نفر با زبان و فرهنگ مختلف بر سر خرید انگور با هم ستیز کردند. در واقع همگی انگور میخواستند ولی انگور را به زبانهای مختلف میگفتند و نمیدانستند که هر کدام در واقع به یک موضوع واحد اشاره دارند. (ویراستار)

آن یکی گفت این به انگوری دهم
من عنب خواهم نه انگور ای دغا
من نمی‌خواهم عنب خواهم ازم
ترک کن خواهیم استافیل را

چار کس را داد مردی یک درم
آن یکی دیگر عرب بد گفت لا
آن یکی ترکی بد و گفت این بنم
آن یکی رومی بگفت این قیل را

که ز سر نامها غافل بدند
پُر بدند از جهل و از دانش تُهی
گر بدی آنجا بدادی صلحشان

در تنازع آن نفر جنگی شدند
مشت بر هم می‌زدند از ابلهی
صاحب سِری عزیزی صد زبان

ما تا چه میزان باید نسبت به شیوه‌های بشارت دادن و شهادتی که ما را از «محدودهٔ آسایش‌مان» بیرون می‌آورند، صریح و بی‌پرده باشیم؟ آیا شیوه‌هایی از بشارت دادن وجود دارند که شما را معذب بکنند؟ اگر چنین است، آن شیوه‌ها کدامند و چرا باعث ناراحتی شما می‌شوند و چگونه میتوانیم بدانیم که شیوه جدید خوب است؟

چهارشنبه

۱۲ ژوئیه

رودررویی در انطاکیه (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۳)

کمی پس از رایزنی پولس در اورشلیم، پطرس از انطاکیه در سوریه، مکان نخستین کلیسای غیریهودی و پایگاه فعالیت‌های مأموریت پولس که در اعمال رسولان توصیف شده‌اند، بازدید کرد. پطرس در طول مدتی که آنجا بود با راحتی در کنار مسیحیان غیریهودی غذا می‌خورد، اما وقتی که گروهی از مسیحیان یهودی تبار از جانب یعقوب از اورشلیم به آنجا رسیدند، پطرس که ترسیده بود مبادا آنها چه فکری در باره او خواهند کرد، رفتار خود را بطور کامل تغییر داد.

چرا از پطرس بیش از این انتظار می‌رفت؟ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۳ و اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۲۸ را با هم مقایسه کنید. این عمل چه چیزی درباره اینکه فرهنگ و سنت می‌توانند تا چه میزان قدرتمندی در زندگی ما ریشه دوانده باشند، به ما می‌گوید؟

برخی به اشتباه فرض کرده‌اند که پطرس و سایر یهودیان به دنبال پیروی از احکام عهد قدیم دربارهٔ غذای پاک و ناپاک بوده‌اند. اگرچه به نظر نمی‌رسد که موضوع این بوده باشد. اگر پطرس و تمام مسیحیان یهودی تبار احکام یهودی مربوط به غذا را نادیده می‌گرفتند، مطمئناً غوغای بزرگی در کلیسا بوجود می‌آمد. و اگر چنین بود مطمئناً مطالبی در باره آن باید در کتاب مقدس ثبت میشد ولی چنین چیزی وجود ندارد. بیشتر

محتمل است که مسأله هم‌نشینی بر سر یک میز با غیریهودیان بوده است. زیرا بسیاری از یهودیان، غیریهودیان را نجس می‌پنداشتند. بعضی از مردم به این عمل مبادرت می‌ورزیدند تا از ایجاد رابطه اجتماعی با غیریهودیان تا حد امکان اجتناب نمایند.

پطرس خود با این موضوع در تقلا بود و تنها رؤیایی از جانب خدا بود که به او کمک کرد تا پاسخی صریح به مشکل خود بیابد. پطرس پس از ورود به خانه کرنیلیوس که سردار رومی بود به وی گفت، «این را به خوبی می‌دانی که جایز نیست یک نفر یهودی با بیگانگان معاشرت یا هم‌نشینی نماید. اما خدا به من نشان داده است که من نباید هیچ کس را نجس یا ناپاک بدانم» (اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۲۸). اگر چه او بهتر می‌دانست، اما چنان از آزرده نمودن هم‌وطنان خود هراس داشت که به شیوه پیشین خود بازگشت. ظاهراً، کشش فرهنگی و سنت در زندگی پطرس تا این میزان قوی بود. با این وجود، پولس اعمال پطرس را دقیقاً همانگونه که بودند خواند: واژه یونانی که در غلاطیان باب ۱ آیه ۱۳ بکار می‌برد، ریاکاری می‌باشد. او گفت حتی بارنابا «نیز تحت تأثیر دورویی آنها قرار گرفت.» این‌ها سخنان تندی از یک مرد خدا به دیگری هستند.

چرا دورو بودن یا ریاکاری بسیار آسان است؟ (آیا شاید به این دلیل نمی‌باشد که ما تمایل داریم چشمانمان را بر روی اشتباهات خود ببندیم، درحالی که مشتاقانه دنبال خطاهای دیگران هستیم؟) شما در زندگی خود چه نوع دورویی می‌یابید؟ مهم‌تر اینکه، چگونه می‌توانید آن را تشخیص بدهید و سپس آن را ریشه کن کنید؟

۱۳ ژوئیه

پنجشنبه

نگرانی پولس (غلاطیان باب ۲ آیه ۱۴)

وضعیت در انطاکیه به طور حتم وخیم بود: پولس و پطرس، دو رهبر کلیسا آشکارا در ستیز بودند. و پولس ابائی ندارد تا پطرس را فرا خوانده و از او بخواهد تا در باره رفتارش توضیح بدهد.

پولس برای روبرو شدن علنی با پطرس، چه دلایلی می‌آورد؟ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴.

همانطور که پولس دید، مشکل این نبود که پطرس تصمیم گرفته بود با مهمانان اهل اورشلیم غذا بخورد. سنت‌های کهن مهمان‌نوازی بطور حتم رعایت فرهنگ و سنت را ملزم مینمود.

مسأله «حقیقت انجیل» بود. یعنی، تنها مشکل همنشینی و یا عمل غذا خوردن نبود. اعمال پطرس در مفهوم واقعی، پیام کامل انجیل را به مخاطره انداخت.

غلاطیان باب ۳ آیه ۲۸ و کولسیان باب ۳ آیه ۱۱ را بخوانید. حقیقت موجود در این آیات چگونه به ما در درک واکنش شدید پولس کمک می‌کند؟

در طی ملاقات پولس با پطرس و سایر رسولان در اورشلیم، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که غیریهودیان می‌توانند از تمام برکات در مسیح بدون اینکه ابتدا ختنه بشوند، بهره مند گردند. اما عمل پطرس اینک این توافق را در معرض خطر قرار می‌دهد. درحالی که یک بار مسیحیان یهودی تبار و غیریهود در محیطی از همنشینی آزاد به هم پیوستند، اکنون میان این جماعت تفرقه افتاده بود و این مسئله دورنمایی را از یک کلیسای انشقاق یافته نشان میداد.

از نقطه نظر پولس، رفتار پطرس دلالت بر این داشت که مسیحیان غیریهود، ایمانداران درجه دوم بودند و او باور داشت که اعمال پطرس، فشار شدیدی بر غیریهودیان داشت در صورتی که می‌خواستند همنشینی و رفاقت در مسیح را بطور کامل تجربه کنند. از این رو، پولس می‌گوید، «اگر تو با اینکه یهودی تبار هستی مانند غیر یهودیان زندگی می‌کنی و نه مانند یهودیان، چطور می‌توانی غیر یهودیان را مجبور سازی که مثل یهودیان زندگی کنند؟» (غلاطیان باب ۲ آیه ۱۴). عبارت «زندگی کردن مانند یهودیان» بطور تحت اللفظی می‌تواند «یهود وار یا همچون یهودیان» ترجمه بشود. این واژه، اصطلاحی رایج به معنی «اتخاذ شیوه زندگی یهودی» بود. این واژه در مورد غیریهودیانی که به کنیسه می‌رفتند و در سایر آداب و رسوم یهودی شرکت می‌کردند، بکار برده می‌شد. به این دلیل نیز می‌باشد که مخالفان پولس در غلاطیه، کسانی که او ایشانرا برادران دروغین می‌نامد، اغلب به عنوان «یهود وار - یهود نژاد یا یهود زاده» یاد می‌شود.

گوئی که اقدامات پطرس به اندازه کافی بد نبود که بارنابا نیز گرفتار این نوع رفتار شود - او نیز کسی بود که باید بهتر از این رفتار میکرد. چه نمونه واضحی از قدرت «تاثیر دوستان و همقطاران بر یکدیگر!» چگونه می‌توانیم خود را از متمایل شدن به جهت اشتباه بواسطه اطرافیانمان، محافظت نماییم؟

۱۴ ژوئیه

جمعه

تفکری فراتر: «حتی بهترین انسان‌ها اگر به حال خود رها بشوند، مرتکب اشتباهات سنگینی خواهند شد. هر چه مسئولیت‌های بیشتری به انسان سپرده شود،

مقام بالاتری برای اداره و کنترل به او داده شود، احتمال به فساد کشیده شدن فکر و قلب او بیشتر است چنانچه به دقت راه خداوند را دنبال نکند. پطرس در انطاکیه، در اصول راستی شکست خورد. پولس می‌بایست در برابر تأثیر مخرب پایداری میکرد. اینگونه ثبت شده است که دیگران ممکن است از آن عبرت بگیرند و درسی از آن بیاموزند، هشدار جدی به مردان دارای مقام و رتبه بالاست که در راستی شکست نخورند، بلکه نسبت به رعایت اصول پایبند بمانند.» - الن جی. وایت، کتاب مقدس تفسیری کلیسای ادونتیستهای روز هفتم. جلد ۶. صفحه ۱۱۶.

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1108

سوالاتی برای بحث

۱. عده معدودی از مواجهه و رویارویی لذت می‌برند، اما گاهی اوقات این الزامی می‌باشد. یک کلیسا در چه شرایطی باید خطا را محکوم کند و کسانی را که از پذیرش اصلاح سر باز می‌زنند، تادیب نمایند.
۲. همچنان که کلیسای ادونتیست روز هفتم در سرتاسر دنیا رشد می‌یابد، در عین حال متنوع و گوناگون نیز می‌شود. کلیسا چه راهکارهایی می‌تواند برای اطمینان به از دست رفتن اتحاد در عین گوناگونی، انجام دهد؟ ما چگونه می‌توانیم بیاموزیم گوناگونی فرهنگ‌ها و سنت‌ها را در میانه‌مان بپذیریم و از آن بهره ببریم، در حالی که اتحاد نیز حفظ بشود؟
۳. هنگامی که مژده انجیل را در فرهنگی متفاوت انتشار میدهیم، عناصر مهمی که نباید تغییر کنند کدامند و چه چیزی قابل تغییر است؟ چگونه می‌آموزیم میان آنچه که باید باقی بماند و چیزی که باید در صورت لزوم رها کنیم، تفاوت قائل بشویم؟

خلاصه: اصرار برخی از مسیحیان یهودی نژاد بر ختنه شدن غیریهودیان برای اینکه بتوانند پیرو حقیقی مسیح بشوند، تهدیدی جدی برای اتحاد کلیسای اولیه بوجود آورد. رسولان در عوض اینکه بگذارند این مسأله باعث تقسیم کلیسا به دو نهضت متفاوت بشود، با یکدیگر تلاش نمودند که با وجود اختلاف در میان‌شان، از وحدت و وفادار ماندن به مسیح به حقیقت انجیل اطمینان یابند.

برائت از گناه تنها از طریق ایمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۲ آیات ۱۵ تا ۲۱؛ افسسیان باب ۲ آیه ۱۲؛ فیلیپیان باب ۳ آیه ۹؛ رومیان باب ۳ آیات ۱۰ تا ۲۰؛ پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ و ۶؛ رومیان باب ۳ آیه ۸.

آیه حفظی: «من با مسیح مصلوب شده‌ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می‌کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند و در خصوص این زندگانی جسمانی‌ای که من اکنون دارم، فقط به وسیله ایمان به پسر خدا که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد زندگی می‌کنم» (غلاطیان باب ۲ آیه ۲۰).

همانطور که هفته گذشته دیدیم، پولس در انطاکیه علناً با پطرس به مقابله پرداخت چرا که بین ایمانی که از آن دفاع میکرد و رفتاری که از خود بروز داده بود ثبات و هماهنگی وجود نداشت. تصمیم پطرس برای همسفره نشدن با بی دینان و ملحدان پیشین، به این نکته اشاره داشت که آن‌ها در بهترین حالت، مسیحیان درجه دوم محسوب میشوند. اعمال او دلالت بر این داشتند که اگر آن‌ها واقعاً مایل بودند جزئی از خانواده خدا باشند و از برکات کامل همسفره بودن متنعم بشوند، باید ابتدا رسم ختنه شدن را بجا بیاورند.

در واقع در آن موقعیت بحرانی پولس به پطرس چه گفت؟ در درس این هفته، خلاصه ای از آنچه که ادامه یافت را مطالعه خواهیم نمود. این متن شامل برخی از فشرده‌ترین جمله‌بندی‌ها در عهد قدیم می‌باشد و بسیار قابل توجه است، چرا که برای نخستین بار چندین لغت و عبارت کلیدی و بنیادین را با هم معرفی میکند که هم برای درک انجیل و هم برای درک ادامه نامه پولس به غلاطیان حیاتی است. این کلمات کلیدی شامل برائت، عدالت، اعمال شریعت، اعتقاد و نه تنها ایمان بلکه حتی ایمان مبتنی به عیسی، می‌باشند.

منظور پولس از این عبارات چیست و آن‌ها چه چیزی درباره نقشه نجات به ما می‌آموزند؟

مسئله «برائت» (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۵ و ۱۶)

پولس در غلاطیان باب ۲ آیه ۱۵ می‌نویسد، «ما که یهودی مادر زاد هستیم و نه غیر یهودی گناهکار.» به نظر شما او به چه نکاتی اشاره می‌کند؟

سخنان پولس می‌بایست در مضمون و شرایط محیطی آن درک بشوند. پولس در تلاش برای جذب همتایان مسیحی یهودی تبار خود به سمت خویش، سخنان خود را با چیزی که آن‌ها با آن موافق بودند، آغاز می‌کند: تفاوت آداب و رسوم در میان یهودیان و غیریهودیان. یهودیان برگزیده خدا بودند، احکام خدا به ایشان سپرده شده بود و آن‌ها از رابطه عهد با او بهره می‌بردند. در حالی که غیریهودیان گناهکار بودند؛ احکام خدا رفتار ایشان را محدود می‌کرد و آن‌ها خارج از پیمان عهد بودند (افسسیان باب ۲ آیه ۱۲، رومیان باب ۲ آیه ۱۴). در حالی که غیریهودیان به وضوح «گناهکار» بودند، پولس در آیه ۱۶ به مسیحیان یهودی هشدار می‌دهد که امتیازات روحانی‌شان آن‌ها را نزد خدا مقبول تر نمی‌سازند، زیرا هیچ‌کس با «اعمال شریعت» عادل و بی گناه شمرده نمی‌شود.

پولس در غلاطیان باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷، چهار بار از واژه «عادل شمرده شدن یا تبرئه شدن یا پاک و بی گناه» استفاده می‌کند. منظور او از «تبرئه شدن» چیست؟ خروج باب ۲۳ آیه ۷ و تثنیه باب ۲۵ آیه ۱ را ببینید.

فعل برائت برای پولس یک عبارت کلیدی تلقی می‌شود. از ۳۹ باری که این واژه در عهد جدید بکار رفته است، ۲۷ مرتبه آن در نامه‌های پولس می‌باشد. او ۸ بار در غلاطیان از این واژه استفاده می‌کند، از جمله ۴ ارجاع در غلاطیان باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷. برائت عبارتی حقوقی است که در دادگاه‌ها بکار می‌رود. به حکمی که قاضی در هنگام بی گناه اعلام شدن فردی از جرمی که به او نسبت داده شده است، اطلاق می‌شود. برائت در مقابل محکومیت قرار دارد. علاوه بر این، از آنجایی که ریشه یونانی کلمات برائت و عدالت از واژه مشابه یونانی اقتباس می‌شود، کسی که «تبرئه بشود» یعنی اینکه آن شخص «عادل یا صالح یا درستکار» نیز شمرده می‌شود. پس برائت شامل چیزی بیش از عفو یا بخشش است. برائت اعلامیه ای قاطع است مبنی بر این که فرد عادل و بی گناه است.

اگرچه برای برخی از ایمانداران یهودی نژاد، عادل و بی گناه محسوب شدن نسبی تلقی میشد. این موضوع حول رابطه با خدا و و عهد وی میچرخید. «عادل شمرده شدن یا بی گناه محسوب شدن» نیز به معنای این بود که فرد به عنوان عضو وفادار جامعه عهد خدا، خانواده ابراهیم بحساب می آمد.

غلاطیان باب ۲ آیات ۵۱ تا ۷۱ را بخوانید. پولس در اینجا به شما چه می گوید و شما چگونه می توانید این سخنان را در تجربه مسیحی خویش اعمال کنید؟

۱۷ ژوئیه

دوشنبه

اعمال شریعت

پولس در غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶، سه مرتبه می گوید که یک فرد با «اعمال شریعت» عادل شمرده نمی شود. منظور او از اصطلاح «اعمال شریعت» چیست؟ این آیات (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷، باب ۳ آیات ۲ و ۵ و ۱۰؛ رومیان باب ۳ آیات ۲۰ و ۲۸) چگونه به ما در درک منظور او کمک می کنند؟

پیش از اینکه بتوانیم عبارت «اعمال شریعت» را درک کنیم، ابتدا باید بدانیم منظور پولس از واژه شریعت چیست. واژه شریعت (nomos در یونانی) ۱۲۱ مرتبه در نامه های پولس یافت می شود. این عبارت می تواند به چیزهای مختلفی از جمله اراده خدا برای قومش، پنج کتاب نخست موسی، عهد قدیم بطور کامل یا حتی تنها یک مفهوم کلی اشاره داشته باشد. با این وجود، عمده ترین حالتی که پولس از آن استفاده می کند، برای اشاره به مجموعه کامل فرمان های خدا که از طریق موسی به قومش داده شد، می باشد. از این رو، عبارت «اعمال شریعت» احتمالاً شامل تمام الزاماتی است که در فرمان های داده شده خدا از طریق موسی یافت میشوند که خواه جنبه اخلاقی - معنوی یا تشریفاتی داشتند. منظور پولس این است که مهم نیست یک فرد تا چه میزان تلاش کند که از احکام خدا اطاعت و پیروی نماید، این فرمانبرداری هرگز آنقدر خوب نخواهد بود که خدا ما را بر اساس آن عادل بشمرد و یا ما را در برابر خدا عادل نماید. این بدین دلیل است که احکام خدا مستلزم وفاداری مطلق در پندار و کردار می باشد - نه فقط گاهی اوقات، بلکه همواره و نه فقط برای برخی از فرمان هایش، بلکه برای تمام آن ها.

اگرچه عبارت «اعمال شریعت» در عهد قدیم و در غیر از نوشته های پولس در عهد جدید نیامده است، تأیید حیرت انگیز معنای آن در سال ۱۹۴۷ با کشف طومارهای دریای

مرده (بحرالمیت) پدیدار شد. این طومارها مجموعه‌ای از نسخه‌های مکتوب گروهی از راهبان یهودی به نام اِسین‌ها بودند که در زمان عیسی زندگی می‌کردند. اگرچه این طومارها به زبان عبری بودند، یکی از آن‌ها دقیقاً این عبارت را در برداشت. عنوان طومار Miqsat Ma'as Ha-Torah است که می‌تواند به «اعمال مهم شریعت» ترجمه بشود. آن طومار به شرح تعدادی از مسائل که بر اساس احکام کتاب مقدس بود می‌پردازد که راجع به جلوگیری از ناپاک شدن مقدسات بود از جمله تعدادی که یهودیان را از غیریهودیان مجزاً می‌کردند. نویسنده در پایان می‌نویسد که اگر این «اعمال شریعت» رعایت بشوند، در نظر خدا «شما عادل شمرده خواهید شد». نویسنده بر خلاف پولس، به جای عدالت بر پایه ایمان، به خوانندگانش عدالت بر پایه کردار را توصیه می‌کند.

شما در تجربه خود تا چه حد به خوبی احکام خدا را رعایت می‌کنید؟ آیا واقعاً احساس می‌کنید که آن‌ها را چنان خوب رعایت می‌کنید که بتوانید بر اساس رعایت احکام در محضر خدا عادل شمرده بشوید؟ (رومیان باب ۳ آیات ۱۰ تا ۲۰ را ببینید.) اگر خیر، چرا و پاسخ شما چگونه به درکتان از منظور پولس در اینجا کمک می‌کند؟

۱۸ ژوئیه

سه شنبه

اساس عدالت یا تبرئه شدن یا پاک محسوب شدن ما

«و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است، بلکه با آن که بوسیله ایمان مسیح می‌شود، یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان است» (فیلیپیان باب ۳ آیه ۹). ترجمه تفسیری: و با او یکی شوم و دیگر برای نجات یافتن بر کارهای خوب خودم و یا اطاعت از قوانین مذهبی تکیه نکنم بلکه اعتمادم بر مسیح باشد زیرا فقط از راه ایمان به مسیح است که خدا ما را بی گناه بحساب می‌آورد.

ما نباید فرض کنیم که مسیحیان یهودی تبار چنین القاء میکنند که ایمان به مسیح از اهمیت برخوردار نبوده؛ و در مجموع نباید فراموش کنیم که همه آن‌ها به عیسی اعتقاد داشتند. همه به او ایمان داشتند. اگرچه، رفتار ایشان نشان داد که چنین احساس کردند که ایمان به تنهایی کافی نبود؛ بلکه باید با فرمانبرداری همراه می‌بود، به نوعی که گویا این فرمانبرداری چیزی به تبرئه شدن یا عادل گشتن می‌افزاید. آن‌ها چنین استدلال می‌کردند که عدالت با ایمان و عمل همراه بود. شیوه ای که پولس بطور مکرر ایمان به مسیح را با اعمال شریعت مقایسه می‌کند، نشان‌دهنده مخالفت شدید وی با قضیه (هر دو ایمان و عمل) می‌باشد. ایمان و تنها و فقط ایمان، اساس عادل شدن و برائت می‌باشد. برای پولس نیز، ایمان تنها یک مفهوم انتزاعی و غیر عملی نمی‌باشد؛ بلکه به صورت

جدایی ناپذیری با عیسی مرتبط است. در حقیقت، عبارتی که در غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶ دو مرتبه به صورت «ایمان به مسیح» ترجمه شده است، بسیار غنی تر از هر ترجمه ای است که بتواند در بر گیرنده آن باشد. عبارت یونانی بطور تحت الفظی به عنوان «ایمان» یا «وفاداری» نسبت به عیسی ترجمه شده است. این ترجمه دقیق، آشکار کننده یک همسنجی و مقایسه ای عالی بین اعمال شریعت که به آن عمل میکنیم و اعمال مسیح است که بجای ما به اتمام رسانید اعمالی که او بواسطه وفاداری خویش برای ما به انجام رسانید.

مهم است به یاد داشته باشیم که ایمان به عادل شدن یا برائت منجر نمیشود، گوئی که ایمان شایستگی ایجاد کند. در عوض، ایمان وسیله ای است که بموجب آن به مسیح و اعمال او در عوض خود متوسل میشویم. ما بر اساس ایمان خود تبرئه نمیشویم بلکه بر اساس وفاداری عیسی برای ماست که آنرا از طریق ایمان ادعا و طلب میکنیم.

مسیح کاری را انجام داد که همه افراد از انجام آن قاصر ماندند و آن این است: تنها او در همه کارهایی که انجام می داد، به خدا وفادار بود. امید ما به وفاداری مسیح می باشد و نه به خودمان. این در کنار سایر حقیقت ها، حقیقتی بزرگ و مهم است که اصلاحات پروتستان آغاز شد، حقیقتی که امروزه نیز به همان اندازه زمانی که مارتین لوتر (Martin Luther) قرن ها پیش شروع به موعظه آن نمود، مهم می باشد.

ترجمه ابتدایی سریانی از غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶، منظور پولس را به خوبی انتقال می دهد: «اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد.»

رومیان باب ۳ آیات ۲۲ و ۲۶، غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲، افسسیان باب ۳ آیه ۱۲ و فیلیپیان باب ۳ آیه ۹ را بخوانید. این آیات و آنچه در بالا خواندیم، چگونه به ما در درک این حقیقت شگفت انگیز که وفاداری مسیح برای ما، فرمانبرداری بی عیبش از خدا، تنها اساس نجات ماست، کمک می کنند؟

چهارشنبه

۱۹ ژوئیه

اطاعت از طریق ایمان

پولس آشکار می سازد که ایمان برای زندگی مسیحی بطور مطلق اساسی می باشد. به وسیله ایمان وعده هایی را که در مسیح داریم بدست می آوریم. اما ایمان دقیقاً چیست؟ شامل چه چیزی می باشد؟

آیات زیر به درباره منشاء ایمان چه چیزی می آموزند؟ پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ و ۶ ، یوحنا باب ۳ آیات ۱۴ تا ۱۶ ، دوم قرنتیان باب ۵ آیات ۱۴ و ۱۵ ، غلاطیان باب ۵ آیه ۶.

ایمان واقعی منطبق با کتاب مقدس همواره لبیک گفتن به خداست. ایمان نوعی احساس یا نگرشی نیست که انسان‌ها بخاطر الزام خدا به یکباره به آن دست یازند. بالعکس، ایمان در قلبی که با حسی از قدردانی و محبت برای نیکو شدن در خدا لمس شده است، شکل می‌گیرد. به این دلیل است که وقتی کتاب مقدس درباره ایمان سخن می‌گوید، آن ایمان همواره از تدبیر و مشیتی که خدا در نظر دارد، پیروی می‌کند. برای مثال در مورد ابراهیم، ایمان، یعنی لبیک او به وعده‌های شگفت‌انگیزی است که خدا به او می‌دهد (پیدایش باب ۱۵ آیات ۵ و ۶)، درحالی که در عهد جدید، پولس می‌گوید که ایمان کاملاً در تشخیص ما از آنچه مسیح بر روی صلیب برای ما انجام داد، ریشه دارد.

اگر ایمان پاسخی به خدا می‌باشد، آن پاسخ باید شامل چه چیزی باشد؟ تعمق نمائید که آیات زیر چه چیزی درباره ماهیت ایمان می‌گویند. یوحنا باب ۸ آیات ۳۲ و ۳۶ ؛ اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۴۳ ؛ رومیان باب ۱ آیات ۵ و ۸ ، باب ۶ آیه ۱۷ ؛ عبرانیان باب ۱۱ آیه ۶ ؛ یعقوب باب ۲ آیه ۱۹.

بسیاری از مردم ایمان را به عنوان «باور» معنی می‌کنند. این تعریف مشکل‌ساز است، زیرا واژه معادل «ایمان» در زبان یونانی در واقع از فعل «ایمان داشتن» بر گرفته شده است. استفاده از یکی از آن‌ها برای معنی کردن دیگری مانند گفتن «ایمان یعنی ایمان داشتن» است. بررسی دقیق کتاب مقدس نشان می‌دهد که ایمان نه تنها شامل دانش و آگاهی در مورد خدا می‌شود، بلکه شامل رضایت فکری-روانی یا پذیرش آن دانش نیز می‌باشد. این دلیلی است که چرا داشتن تصویری دقیق از خدا حائز اهمیت می‌باشد. ایده های تحریف شده در مورد شخصیت خدا در واقع می‌تواند داشتن ایمان را مشکل‌تر بسازد. اما داشتن رضایت فکر و خاطر از انجیل کافی نیست، زیرا در این مفهوم، حتی «شیاطین نیز اعتقاد دارند.» ایمان حقیقی همچنین بر شیوة زندگی فرد نیز تأثیر می‌گذارد. پولس در رومیان باب ۱ آیه ۵، درباره «اطاعت ایمان» می‌نویسد. پولس نمی‌گوید که اطاعت مانند ایمان است. منظور او این است که ایمان واقعی بر زندگی کامل انسان تأثیر می‌گذارد و نه تنها بر ذهن وی. این به جای فهرستی از قوانین، شامل تعهد نسبت به خداوند و نجات دهنده یعنی عیسی مسیح می‌باشد. ایمان به همان اندازه آنچه که باور داریم، آنچه انجام می‌دهیم و آنگونه که زندگی می‌کنیم و به آنکس که اطمینان داریم نیز می‌باشد.

آیا ایمان، گناه را ترویج می‌دهد؟

یکی از اصلی‌ترین اتهامات علیه پولس این بود که مژده انجیل وی از عدالت فقط از طریق ایمان، مردم را تشویق به گناه کردن می‌نمود (رومیان باب ۳ آیه ۸ و باب ۶ آیه ۱ را ببینید). شکی نیست که اتهام زندگان پاسخ دادند که اگر مردم برای پذیرفته شدن توسط خدا، ملزم به نگه داشتن احکام نباشند، پس چرا باید نگران نحوه زندگی‌شان باشند؟ لوتر نیز با همین اتهامات روبرو شد.

پولس چگونه به این اتهام که تعلیم عدالت فقط از طریق ایمان، رفتار گناهکارانه را ترویج می‌دهد، پاسخ داد؟ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۷ و ۱۸.

پولس به شدیدترین شکل ممکن، اتهامات مخالفینش را پاسخ می‌دهد: «حاشا!» اگرچه این امکان وجود دارد که فردی پس از روی آوردن به عیسی مرتکب گناه بشود، اما مسئولیت آن مطمئناً با مسیح نخواهد بود. اگر ما قانون را زیر پا بگذاریم، ما خود قانون شکن هستیم.

پولس چگونه اتحاد خود با عیسی مسیح را توصیف می‌کند؟ این جواب به چه شیوه‌ای اعتراضات مخالفینش را پاسخ می‌دهد؟ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۹ تا ۲۱.

پولس استدلال مخالفان خود را در واقع نامعقول می‌یابد. پذیرفتن مسیح با ایمان چیز بی‌اهمیتی نیست؛ این بازی ایمان سازی از سوی ملکوت نیست که خدا فردی را عادل بشمرد در حالی که هیچ تغییری در نحوه زندگی او ایجاد نشده باشد. در مقابل، پذیرفتن مسیح با ایمان به شدت ریشه‌ای می‌باشد. شامل اتحادی کامل با مسیح است - اتحادی در مرگ و رستاخیز او. از نظر روحانی، پولس می‌گوید که ما با مسیح مصلوب شدیم و شیوه‌های گناه‌آلود پیشین ما که ریشه در خودخواهی داشتند، پایان یافته‌اند (رومیان باب ۶ آیات ۵ تا ۱۴). ما خود را به طور قطعی از گذشته جدا نموده‌ایم. همه چیز جدید می‌باشد (دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۱۷). ما همچنین برای یک زندگی جدید در مسیح منتصب شده‌ایم. مسیح قیام کرده در ما زندگی می‌کند و روزانه ما را بیشتر شبیه خود می‌سازد.

بنابراین، ایمان به مسیح، بهانه‌ای برای گناه کردن نیست، بلکه فراخوانی به رابطه با مسیح بسیار عمیق‌تر و غنی‌تر از آن چیزی است که بتوان هرگز در مذهب بر پایه احکام یافت.

شما چگونه مفهوم نجات تنها از طریق ایمان بدون اعمال شریعت را شرح می‌دهید؟ آیا احتمالاً این کمی شما را نمی‌ترساند و باعث نمی‌شود فکر کنید بهانه‌ای برای ارتکاب به گناه باشد - یا اینکه از آن راضی هستید؟ پاسختان چه چیزی دربارهٔ درک‌تان از نجات ارائه می‌دهد؟

جمعه

۲۱ ژوئیه

تفکری فراتر: «به عنوان یک انسان، خطر پذیرفتن اندیشه‌های دروغین در باره عدالت از طریق ایمان» بارها به من ارائه شده‌اند. برای سال‌ها به من نشان داده شده بود که شیطان به شیوه‌ای خاص برای مغشوش نمودن ذهن در این مورد تلاش خواهد کرد. احکام خدا به مدت زیادی وجود داشته و مورد تأکید قرار گرفته و به جماعت‌های زیادی ارائه شده است بدون اینکه نسبت به عیسی مسیح و ارتباط او با احکام چیزی گفته شود و بهمان گونه نیز هدیه قائل نسبت به خدا بود و چون عاری از نماد قربانی عیسی مسیح بود پذیرفته نشد.. به من نشان داده شده است که بسیاری از ایمان دور ماندند، بدلیل اندیشه‌های مغشوش و آشفته دربارهٔ رستگاری، بدلیل اینکه بشارت دهندگان برای جذب افراد از شیوه‌ای نادرست استفاده کرده‌اند. موضوعی که برای سال‌ها فکر مرا ترغیب نموده است، عدالت مسیح بوده است...

«هیچ نکته‌ای غیر از ناتوانی بشر سقوط کرده در داشتن شایستگی چیزی با اعمال خوب خود، وجود ندارد که باید با صداقت بیشتری در آن تعمق بشود، به دفعات بیشتری تکرار بشود یا محکم‌تر در ذهن همه ایجاد شود. نجات تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح می‌باشد.» - الن جی. وایت، ایمان و اعمال. صفحات ۱۸ و ۱۹.

Ellen G. White, Faith and Works, pp. 18, 19

«احکام طالب عدالت هستند و این چیزی است که گناهکار به احکام بدهکار است؛ اما او در ارائهٔ آن ناتوان است. تنها روشی که او می‌تواند بواسطهٔ آن به عدالت برسد، از طریق ایمان می‌باشد. او از طریق ایمان می‌تواند شایستگی‌های مسیح را نزد خدا بیاورد و خداوند اطاعت از پسرش را به حساب گناهکار می‌نویسد. عدالت مسیح به جای قصور بشر پذیرفته می‌شود و خدا نفس ایماندار و توبه‌کار را عفو و تصدیق می‌نماید، با او به گونه‌ای که گویا عادل است، رفتار می‌کند و همانطور که به پسرش محبت دارد، به او نیز محبت می‌کند.» - الن جی. وایت، پیامهای منتخب. کتاب اول صفحه ۳۶۷.

Ellen G. White, Selected Messages, book 1, p. 367

سوالاتی برای بحث

۱. در اولین متن ارائه شده در بالا، خانم الن جی. وایت می‌گوید که هیچ موضوعی به اندازه عدالت از طریق ایمان نیاز به تأکید ندارد. در کلاس، در این باره بحث کنید که آیا نظرات وی به همان میزان که بیش از صد سال گذشته کاربرد داشتند، امروزه نیز برای ما قابل اعمال می‌باشند و اگر چنین است، دلیل آن چیست؟
۲. درباره اصلاحات پروتستان و لوتر بیاندیشید. با وجود اختلاف زمان، مکان و شرایط، چرا حقیقتی که پولس در اینجا ارائه داد، عامل بسیار مهمی در آزادی میلیون‌ها نفر از اسارت روم بود؟

خلاصه: رفتار پطرس در انطاکیه اینگونه قلمداد میشود که بی دینان سابق نمی‌توانستند مسیحیانی حقیقی باشند مگر آنکه نخست ختنه بشوند. پولس به اشتباه بودن چنین طرز فکری اشاره نمود. خدا نمی‌تواند کسی را بر اساس رفتار آن فرد عادل بداند، زیرا حتی بهترین انسان‌ها، عاری از نقص نیستند. تنها با پذیرفتن کاری که خدا برای ما در مسیح انجام داده است گناهکاران می‌توانند در نظر وی عادل شمرده بشوند.

ایمان عهد قدیم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۳ آیات ۱ تا ۱۴؛ رومیان باب ۱ آیه ۲، باب ۴ آیه ۳؛ پیدایش باب ۱۵ آیه ۶، باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳؛ لایوان باب ۱۷ آیه ۱۱؛ دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۲۱.

آیه حفظی: «وقتی مسیح به خاطر ما ملعون شد ما را از لعنت شریعت آزاد کرد زیرا کتاب مقدس می‌فرماید: هر که به دار آویخته شود ملعون است» ترجمه تفسیری: اما مسیح لعنتی را که در اثر گناهان ما بوجود آمده بود بر خود گرفت و ما را از هلاکتی که این روش «شریعت» پدید آورده بود رهایی بخشید روشی که انجامش غیر ممکن بود. بلی مسیح لعنت ما را بر خود گرفت زیرا در تورات آمده است: ملعون است هر که به دار آویخته شود. عیسی مسیح نیز به دار صلیب آویخته شد. (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۳).

«پسر بچه‌ای قایقی کوچک ساخته بود که با زیبایی رنگ آمیزی و درست شده بود. روزی فردی قایق او را دزدید و پسر بچه غمگین و ناراحت شد. یک روز که از مقابل یک فروشگاه که وسایل دست دوم می‌فروخت رد میشد ناگهان قایقش را دید. با خوشحالی وارد مغازه شد و گفت، 'این قایق کوچک متعلق به من است.' صاحب فروشگاه گفت، 'خیر، این متعلق به من می‌باشد، زیرا من آن را خریدم.' پسر گفت، 'آری، اما این متعلق به من است زیرا من آن را درست کرده‌ام.' فروشنده گفت، 'بسیار خوب، اگر به من دو دلار بدهی، می‌توانی آن را ببری.' این پول برای پسر بچه‌ای که اصلاً پولی در بساط نداشت، پول زیادی بود. به هر حال، او مصمم بود که قایق خود را بخرد؛ بنابراین، او مشغول به چمن‌زنی و کارهای دیگر شد و خیلی زود آن مبلغ پول را بدست آورد.

«او با شتاب به فروشگاه رفت و گفت، 'من قایقم را می‌خواهم.' او پول را پرداخت کرد و قایق را دریافت نمود. او قایق را در بغل گرفت و آن را بوسید و گفت، 'ای قایق کوچولوی قشنگم، خیلی دوستت دارم. تو مال من هستی. تو دو بار مال منی. من یک بار تو را ساختم و حالا یکبار تو را خریدم.'»

«در مورد ما نیز چنین صادق است. به نوعی ما دو بار به خداوند تعلق داریم. او ما را بوجود آورد و ما به فروشگاه شیطان راه پیدا کردیم. سپس عیسی آمد و ما را با قیمت گزافی خرید - نه با طلا و نقره، بلکه با خون گرانهای خود. ما بواسطه خلقت و رستگاری، به خداوند تعلق داریم.» - ویلیام موزز تیدول، تصاویر کنایه آمیز (کنزاس سیتی، انتشارات بیکن هیل پرس. ۱۹۵۱. صفحه ۹۷.

William Moses Tidwell, Pointed Illustrations (Kansas City, Mo.: Beacon Hill Press, 1951) p. 97

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۹ ژوئیه آماده شوید.

۲۳ ژوئیه

یکشنبه

غلاطیان نادان

غلاطیان باب ۳ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. سخنان پولس را خلاصه وار بنویسید. ما از چه جهت می‌توانیم در خطر همان دام روحانی، یعنی آغازی درست و سپس سقوط در قانون‌گرایی، بیفتیم؟

چندین ترجمه امروزی تلاش نموده‌اند تا معنای سخنان پولس در آیه ۱ درباره غلاطیان «نادان» را متبادر سازند. واژه اصلی که پولس در زبان یونانی بکار می‌برد، حتی شدیدتر از این می‌باشد. این واژه anoetoi است و از واژه معادل ذهن (nous) می‌آید. معنای تحت اللفظی آن «کم اندیش» یا کودن می‌باشد. غلاطیان نمی‌اندیشیدند. پولس به این بسنده نمی‌کند؛ او می‌گوید که بدلیل اینکه آن‌ها بسیار از روی حماقت عمل می‌کنند، او متعجب است که آیا جادوگرانی آن‌ها را طلسم کرده‌اند. «ترجمه تفسیری: شیطان که حاکم این دنیای پر گناه است چشمان این اشخاص بی ایمان را بسته است تا نتوانند نور پر جلال انجیل را ببینند و معنی پیغام ما را در باره جلال مسیح که چهره قابل رویت خدای نادیده است درک کنند» (دوم قرن‌تیاں باب ۴ آیه ۴).

آنچه پولس را در مورد ارتداد غلاطیان از انجیل بسیار پریشان می‌سازد، این است که آن‌ها می‌دانستند نجات ریشه در صلیب مسیح داشت. این چیزی نبود که آن‌ها بتوانند

نادیده بگیرند. واژه ترجمه شده «بتصویر کشیده شد» یا «معلوم شد» در غلاطیان باب ۳ آیه ۱، از نظر لفظی به معنای «اعلان گردید» یا «نقاشی شد»، می‌باشد. از این واژه برای توصیف تمام اعلانات عمومی استفاده می‌شد. پولس می‌گوید که صلیب چنان در کانون موعظه‌های او قرار داشت که مردم غلاطیه در اثر آن، با چشم دل، مصلوب شدن مسیح را می‌دیدند (اول قرنتیان باب ۱ آیه ۲۳، باب ۲ آیه ۲). در یک مفهوم، او می‌گوید که، آن‌ها با اعمالشان به صلیب پشت کرده اند.

پولس سپس تجربه فعلی غلاطیان را با زمانی که برای نخستین بار به مسیح ایمان آوردند، مقایسه می‌کند. او این کار را با چند سوال بدیهی و بی نیاز به پاسخ انجام می‌دهد. آن‌ها چگونه روح را دریافت نمودند، یعنی آن‌ها چگونه در ابتدا مسیحی شدند؟ و از دیدگاه کمی متفاوت، چرا خدا روح را داد؟ آیا به این دلیل بود که آن‌ها کاری انجام داده بودند که سزاوار آن بودند؟ مطمئناً چنین نیست! در عوض، به ای دلیل بود که آن‌ها به مژده نیک مسیح یا آنچه که از پیش برایشان انجام داده بود ایمان آورده بودند. آن‌ها که شروع چنین خوبی داشتند، حال چه چیزی باعث شد تا فکر کنند که میتوانند بر رفتار و کردار خود تکیه کنند؟

هر چند وقت یکبار چنین می‌اندیشید که، اعمال من بسیار خوب هستند. من یک مسیحی بسیار استواری هستم، من این یا آن کار را انجام می‌دهم... و سپس، حتی ماهرانه می‌اندیشید که شما به نوعی به اندازه کافی خوب هستید که نجات یابید؟ این توصیف چه مشکلی دارد؟

۲۴ ژوئیه

دوشنبه

ریشه‌دار در کتاب مقدس

تا اینجا، پولس در نامه‌اش به غلاطیان از انجیل خود مبنی بر عدالت از طریق ایمان، با توسل به توافقی که با رسولان در اورشلیم داشت (غلاطیان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۰) و تجربه شخصی که با ایمانداران اهل غلاطیه داشت (غلاطیان باب ۳ آیات ۱ تا ۵)، دفاع نموده است. پولس با شروع آیه ۶ باب ۳ غلاطیان، برای تأیید نهایی و قطعی انجیل خود، به شهادت و تأیید کتاب مقدس روی می‌آورد. در واقع، غلاطیان باب ۳ آیه ۴ تا باب ۴ آیه ۳۱ از استدلال‌های مرحله به مرحله یا رشدی که ریشه در کتاب مقدس دارند، تشکیل شده است.

منظور پطرس در غلاطیان باب ۳ آیات ۶ تا ۸ از نوشتن در باره «کلام» چیست؟ رومیان باب ۱ آیه ۲، باب ۴ آیه ۳ و باب ۹ آیه ۱۷ را ببینید.

مهم است به یاد داشته باشیم، زمانی که پولس نامه‌اش را به غلاطیان نوشت، «عهد جدید» وجود نداشت. هنگامی که پولس از کلام نقل قول میکرد بطور مرتب عهد قدیم نقل قول میکرد.

عهد قدیم نقش بسیار مهمی در تعالیم پولس ایفا میکند. او آن‌ها را به عنوان متن‌هایی بی‌جان در نظر نمی‌گیرد، بلکه به عنوان کلام زنده مقتدر و اصیل خدا، به آن مینگریست. در دوم تیموتائوس باب ۳ آیه ۱۶، او می‌نویسد: «تمام کتاب مقدس از الهام خداست.» واژه ترجمه شده «الهام» از زبان یونانی theopneustos می‌باشد. بخش اول واژه (theo) به معنی «خدا» است، در حالی که بخش دوم به معنی «دمید» می‌باشد. کلام، «دم خداست». پولس از کتاب مقدس برای نشان دادن اینکه عیسی مسیح موعود است (رومیان باب ۱ آیه ۲)، و ارائه دستورالعمل‌ها برای زندگی مسیحی (رومیان باب ۱۳ آیات ۸ تا ۱۰) و اثبات اعتبار تعالیم خود (غلاطیان باب ۳ آیات ۸ و ۹) استفاده می‌کند.

تعیین دقیق میزان اینکه پولس چند صدمبار از عهد قدیم نقل قول کرده، دشوار است، اما این نقل قول‌ها در سرتاسر نامه‌هایش به استثنای نامه‌های کوتاه به تیطوس و فلیمون، دیده می‌شوند.

غلاطیان باب ۳ آیات ۶ تا ۱۴ را به دقت بخوانید. عباراتی که پولس در این آیات از عهد قدیم نقل قول کرده است را مشخص نمایید. این مطلب درباره اینکه عهد قدیم تا چه حد معتبر بود، چه چیزی می‌گوید؟

آیا شما زمان‌هایی با خود اندیشیده اید که یک قسمت از کتاب مقدس «الهامی تر» از بخش‌های دیگر است؟ با توجه به بیانیه پولس در دوم تیموتائوس باب ۳ آیه ۱۶، رفتن در این راه چه خطراتی را به همراه دارد؟

۲۵ ژوئیه

سه شنبه

عادل شمرده شده

فکر می‌کنید چرا پولس وقتی برای اعتبار پیام انجیل خویش به کتاب مقدس روی می‌آورد، ابتدا به ابراهیم متوسل می‌شود؟ (غلاطیان باب ۳ آیه ۶).

ابراهیم نقشی بنیادین و محوری در یهودیت داشت. او نه تنها پدر قوم یهود بود، بلکه یهودیان زمان پولس نیز به او به عنوان الگویی نگاه میکردند که یک یهودی

واقعی باید چنین باشد. بسیاری نه تنها بر این باور بودند که ویژگی شاخص او نه تنها فرمانبرداری‌اش بود، بلکه خدا ابراهیم را بدلیل آن فرمانبرداری، عادل خوانده بود. گذشته از همه نباید فراموش کنیم که ابراهیم سرزمین مادری و خانواده خود را ترک نمود، ختنه شدن را پذیرفت و او حتی مایل به قربانی نمودن پسرش به فرمان خدا نیز بود. این فرمانبرداری است! مخالفان پولس با اصراری که بر ختنه داشتند، مطمئناً از چنین مواضع مشابهی در مشاجرات خود استفاده کردند.

با این وجود، پولس با توسل به ابراهیم - نه بار در غلاطیان - به عنوان نمونه‌ای از ایمان در عوض رعایت احکام وضعیت را دگرگون کرده و به آنها جواب میدهد.

نقل قول پولس از پیدایش باب ۱۵ آیه ۶ را در نظر بگیرید. منظور از اینکه می‌گوید ایمان ابراهیم «برای وی عدالت محسوب» شد، چیست؟ (رومیان باب ۴ آیات ۳ تا ۶، ۸ تا ۱۱ و ۲۲ تا ۲۴ را نیز ببینید).

درحالی که (عادل شدن یا برائت از خطا) استعاره‌ای بر گرفته شده از عالم قانون بود، واژه شمرده شده یا پنداشته شده از حوزه تجاری اقتباس شده است. همچنین این واژه می‌تواند معنای «اعتبار دادن» یا «چیزی به حساب کسی گذاشتن» را بیان کند. این مطلب نه تنها در غلاطیان باب ۳ آیه ۶ در مورد ابراهیم به کار برده شده است، بلکه ۱۱ مرتبه دیگر در ارتباط با ریش سفیدان و بزرگ خاندان‌ها استفاده شده است. برخی از نسخه‌های کتاب مقدس آن را به صورت حساب شده، فرض شده و نسبت داده شده ترجمه گردیده است.

بر طبق استعاره پولس، آنچه به حساب ما گذاشته می‌شود، عدالت است. اگرچه پرسش اینجاست که خدا بر چه اساسی ما را عادل محسوب می‌کند؟ مطمئناً نمی‌تواند بر اساس اطاعت باشد - با وجود آنچه مخالفان پولس ادعا می‌کردند. مهم نیست آن‌ها در مورد فرمانبرداری ابراهیم چه چیزی می‌گفتند، کتاب مقدس می‌گوید که بدلیل ایمان ابراهیم بود که خدا او را عادل به حساب آورد.

کتاب مقدس شفاف است: فرمانبرداری ابراهیم، اساس عدالت وی نبود؛ در عوض نتیجه آن بود. کارهایی که او انجام داد، به این منظور نبود که عادل شمرده بشود؛ او آن‌ها را به این دلیل که پیش از آن عادل شمرده شده بود، انجام داد. عدالت به فرمانبرداری منتهی می‌شود و نه بالعکس.

در این مفهوم تأمل نمایید - اینکه شما با آنچه که انجام می‌دهید عادل شمرده می‌شوید بلکه با کاری که مسیح برای شما انجام داد. چرا این خبر بسیار خوبی است؟ چگونه می‌توانید بیاموزید که آن حقیقت را برای خودتان در نظر بگیرید یعنی، باور کنید که برای شخص شما فارغ از مشکلاتی که در گذشته و حتی زمان حال کاربرد دارد؟

انجیل در عهد قدیم

«و کتاب چون پیش دید که خدا اَمّت‌ها را از ایمان عادل خواهد شمرد، به ابراهیم بشارت داد که «جميع اَمّت‌ها از تو برکت خواهند یافت». تفسیری: علاوه بر این در کتاب آسمانی پیش بینی شده بود که خدا غیر یهودیان را نیز بر اساس ایمانشان خواهد پذیرفت. از اینرو خدا در همان زمان در این مورد با ابراهیم سخن گفت و فرمود: همه آنانی را که مانند تو به من ایمان داشته باشند از هر ملتی که باشند مورد عنایت خود قرار خواهم داد.» (غلاطیان باب ۳ آیه ۸). پولس می‌نویسد که نه تنها انجیل به ابراهیم موعظه شد، بلکه خدا آنرا موعظه نمود؛ بنابراین، این باید انجیل حقیقی بوده باشد. اما خدا چه زمانی انجیل را به ابراهیم موعظه کرد؟ نقل قول پولس از پیدایش باب ۱۲ آیه ۳ نشان می‌دهد که او عهد خدا با ابراهیم را در پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳ زمانی که او را فرخواند، بخاطر داشت.

پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. این آیات درباره ماهیت عهدی که خدا با ابراهیم بست، چه چیزی به ما می‌گوید؟

اساس عهد خدا با ابراهیم بر وعده‌های خدا با او متمرکز دارد. خدا چهار مرتبه به ابراهیم می‌گوید، «من چنین خواهم کرد.» وعده‌های خدا به ابراهیم شگفت‌انگیز هستند زیرا کالاً یک‌طرفه می‌باشند. خدا تمام وعده‌ها را می‌دهد؛ و ابراهیم هیچ قولی نمی‌دهد. این متضاد شیوه‌ای است که بیشتر مردم سعی در ارتباط با خدا دارند. ما اغلب قول می‌دهیم که به او خدمت خواهیم کرد، تنها اگر او در عوض آن کاری برای ما انجام بدهد. اما این قانون‌گرایی است. خدا از ابراهیم تقاضا نکرد که قولی بدهد، بلکه با ایمان وعده‌های خدا را بپذیرد. مطمئناً ابراهیم باید می‌آموخت تا به طور کامل به خدا اطمینان کند و نه به خودش (پیدایش باب ۲۲ را ببینید). بنابراین، فراخوانده شدن ابراهیم نشان دهنده ماهیت انجیل می‌باشد که نجات از طریق ایمان است.

بعضی به طور اشتباه نتیجه‌گیری می‌کنند که کتاب مقدس دو روش برای نجات تعلیم می‌دهد. آن‌ها ادعا می‌کنند که در زمان عهد قدیم، نجات بر پایه رعایت احکام بود؛ سپس از آنجایی که آن شیوه به خوبی پیش نرفت، خدا احکام را منسوخ نمود و نجات را از طریق ایمان میسر نمود. نمی‌توانست بیشتر از این از حقیقت دور باشد. همانطور که پولس در غلاطیان باب ۱ آیه ۷ نوشت، تنها یک انجیل وجود دارد.

چه نمونه‌های دیگری از نجات تنها از طریق ایمان، در عهد قدیم می‌توانید بیابید؟
برای نمونه، لاویان باب ۱۷ آیه ۱۱، مزامیر باب ۳۲ آیات ۱ تا ۵، دوم سموئیل باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۳ و زکریا باب ۳ آیات ۱ تا ۴ را ببینید.

ما اغلب عبارت «فیض ارزان» را می‌شنویم. با این وجود، این تلقی بی‌مسمای می‌باشد. فیض ارزان نیست - بلکه رایگان می‌باشد (دست کم برای ما). اما هنگامی که فکر می‌کنیم می‌توانیم با کارهای خود به آن بیافزاییم و یا زمانی که می‌اندیشیم که می‌توانیم از آن به عنوان بهانه‌ای برای گناه استفاده کنیم، آن را از بین می‌بریم. شما با تجربه‌ای که دارید، مایلید به طرف کدامیک از این دو روش بروید و چگونه می‌توانید از آن دست بردارید؟

پنجشنبه

۲۷ ژوئن

از لعنت رهایی یافته (غلاطیان باب ۳ آیات ۹ تا ۱۴)

مخالفان پولس بدون شک از سخنان شجاعانه وی در غلاطیان باب ۳ آیه ۱۰ حیرت زده شده بودند. آن‌ها مطمئناً خود را تحت یک نفرین تصور می‌کردند؛ اگر هم چیزی بود، آن‌ها انتظار داشتند برای فرمانبرداریشان برکت داده شوند. با این حال، پولس تصریح می‌کند: «زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند زیرا مکتوب است: ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرند.»

پولس دو گزینه کاملاً متفاوت را با هم مقایسه می‌کند: نجات از طریق ایمان و نجات از طریق اعمال. برکات و لعن‌های عهد که در باب‌های ۲۷ و ۲۸ کتاب تثنیه مشخص شده‌اند، بی‌پرده و صریح هستند. کسانی که اطاعت نمودند، برکت داده شدند و کسانی که نافرمانی کردند، لعن شدند. این یعنی اگر فردی بخواهد برای پذیرش نزد خدا به اطاعت از احکام تکیه کند، پس کل احکام باید نگه داشته شوند. ما آزادی انتخاب برای هر چه که بخواهیم از آن پیروی کنیم را نداریم؛ و همچنین نباید استنباط کنیم که خدا مایل به چشم‌پوشی از اشتباهات کوچک می‌باشد. یا همه چیز و یا هیچ چیز.

این مطمئناً خبر بدی برای غریبه‌ودیان و همچنین مخالفان پولس بود، زیرا ما «همه گناه کرده‌ایم و از جلال خدا قاصر می‌باشیم» (رومان باب ۳ آیه ۲۳). مهم نیست تا چه حد به شدت تلاش کنیم که خوب باشیم، احکام تنها می‌توانند ما را محکوم به قانون شکنی بکنند.

مسیح چگونه ما را از لعنت احکام رها ساخت؟ غلاطیان باب ۳ آیه ۱۳ و دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۲۱ را ببینید.

پولس برای شرح آنچه خدا در مسیح برای ما انجام داده است از استعاره دیگری بهره میبرد. واژه‌رهایی دادن به معنی «باز خریدن» می‌باشد. این عبارت به عنوان خونبها و یا فدیة که برای آزادی گروگان‌ها یا مبلغی بود که برای خرید آزادی بردگان استفاده می‌شد. از آنجایی که مُزد گناه مرگ است، نفرین قاصر ماندن از نگاه داشتن احکام اغلب حکم مرگ بود. مبلغ آزادی که برای نجات ما پرداخت شد، ناچیز نبود؛ برای خدا بهای زندگی پسرش را به همراه داشت (یوحنا باب ۳ آیه ۱۶). عیسی گناه ما را بر دوش خود گرفت و ما را از بند نفرین آزاد نمود (اول قرنتیان باب ۶ آیه ۲۰، باب ۷ آیه ۲۳). او داوطلبانه لعنت ما را به جان خرید و به جای ما از مجازات کامل گناه رنج کشید (دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۲۱).

پولس از تثنیه باب ۲۱ آیه ۲۳ به عنوان گواه کتاب مقدس، نقل قول می‌کند. بر طبق سنت یهود، اگر فردی تحت نفرین خدا بود، پس از اعدام، پیکرش از درخت آویزان می‌شد. مرگ عیسی بر روی صلیب به عنوان نمونه‌ای از این نفرین دیده می‌شود (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۳۰، اول پطرس باب ۲ آیه ۲۴).

پس جای تعجب نیست که صلیب موجب لغزش بعضی از یهودیانی شد که نمی‌توانستند ایده نفرین شدن مسیح موعود توسط خدا را درک کنند. اما این دقیقاً نقشه خدا بود. آری، مسیح موعود لعنتی را متحمل شد، اما متعلق به وی نبود - بلکه لعنت ما بود!

۲۸ ژوئیه

جمعه

تفکری فراتر: «بی انصافی و شرارت همه ما بر مسیح واقع شد تا برای ما ضامن و فدایی بشود. او خطاکار محسوب شد تا بتواند ما را از محکومیت شریعت نجات دهد. گناه تمامی ذریت آدم، قلب او را بدرد می‌آورد. عدم رضایت خدا بدلیل شرارت و بی انصافی با خشمی دهشتناک ظهور نموده و روح پسر او را غرق ماتم نمود. مسیح در تمام مدت زندگی‌اش، مژده نیکوی پدر رحیم و آمرزشگر رؤوف را انتشار می‌داد. برنامه او برای نجات از چنگ رئیس گناهکاران بود. اما اکنون با سنگینی شدید گناهی که بدوش می‌کشد، نمی‌تواند چهره رضایتمند پدر را ببیند. برگرفته شدن سیمای ربوبیت از منجی در این زمان اندوه، قلب او را با چنان حزنی جریحه دار نمود که انسان هرگز قادر به درک کامل آن نمی‌باشد. این غم چنان بزرگ بود که درد جسمی را به سختی احساس میکرد.» - الن جی. وایت، آرزوی اعصار صفحه ۷۵۳.

Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 753

«لوتر اینک با شجاعت به عنوان قهرمان حقیقت در کار خود قدم نهاد. کلامش با هشداری جدی از منبرهای کلیسا شنیده شد. او ویژگی اهانت‌آمیز گناه را در نظر مردم مشخص نمود و به آن‌ها آموخت که برای بشر، کم نمودن جرمش و یا گریز از مجازات تنها با اعمالش، غیر ممکن است. هیچ چیز جز توبه نزد خدا و ایمان به مسیح نمی‌تواند گناهکار را نجات بدهد. فیض مسیح قابل خریداری نیست؛ بلکه عطیه ای رایگان است. او مردم را راهنمایی نمود که زیاده روی نکنند، بلکه با ایمان، به نجات دهنده مصلوب چشم امید داشته باشند.» - الن جی. وایت، جدال عظیم صفحه ۱۲۹.
Ellen G. White, The Great Controversy, p. 129

سوالاتی برای بحث

۱. حتی امروزه در کلیسای ما، عده‌ای هنوز در پذیرفتن نجات تنها از طریق ایمان مشکل دارند، یعنی فیض خدا که از طریق عیسی جدا از اعمالمان ما را نجات می‌دهد. دلیل تردید بعضی از افراد در پذیرفتن این حقیقت مهم چیست؟
۲. پولس درباره اشتباه مذهبی نجات از طریق اعمال، به شدت و حدت سخن گفت. این موضوع درباره اهمیت دین خوب به ما چه می‌گوید؟ چرا ما به عنوان یک کلیسا، زمانی که اشتباهی در میانمان تعلیم داده می‌شود، باید به اجبار به پا خیزیم؟

خلاصه: در زندگی مسیحی، از ابتدا تا انتها، اساس نجات ما تنها ایمان به مسیح می‌باشد. بدلیل ایمان ابراهیم به وعده‌های خدا بود که عادل شمرده شد و همان عطای عدالت امروزه برای هر کسی که ایمان ابراهیم را داشته باشد، وجود دارد. تنها دلیلی که ما برای اشتباهاتمان محکوم نشده‌ایم این است که عیسی بهای گناهان ما را با مردن به جای ما، پرداخت نمود.

اولویت وعده



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۳ آیات ۱۵ تا ۲۰؛ پیدایش باب ۹ آیات ۱۱ تا ۱۷؛ متی باب ۵ آیات ۱۷ تا ۲۰؛ خروج باب ۱۶ آیات ۲۲ تا ۲۶؛ پیدایش باب ۱۵ آیات ۱ تا ۶.

آیه حفظی: «زیرا اگر میراث از شریعت بودی، دیگر از وعده نبود. لیکن خدا آن را به ابراهیم از وعده داد» (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۸). ترجمه تفسیری: اگر قرار میشد نجات از راه اجرای دستورهای مذهبی حاصل شود مسلماً این روش نجات با روشی که ابراهیم از طریق آن مقبول خدا گشت تفاوت پیدا میکرد. زیرا تنها کاری که ابراهیم انجام داد پذیرفتن وعده خدا بود.

روزی فردی از یک سیاستمدار سؤال نمود، «آیا شما به تمام وعده‌هایی که در طول مبارزه انتخاباتی دادید، عمل کردید؟» او پاسخ داد، «بلی ... خوب، دست کم تمام آن‌هایی را که قصد انجامشان را داشتم.»

آیا کسی وجود دارد که کاملاً به وعده هایش عمل کرده باشد و خُلف وعده نکرده باشد؟ چه کسی را می‌توان یافت که تمام وعده‌هایش را بجا آورده باشد و یا بد قولی و بد عهدی نکرده باشد؟

گاهی اوقات مردم وعده‌هایی می‌دهند که کاملاً قصد بجا آوردن آن را دارند، اما بعداً آن را انجام نمی‌دهند؛ بعضی دیگر قول می‌دهند - چه حرفی یا چه نوشتاری - ولی خودشان خوب میدانند که دروغ می‌گویند و وعده سر خرمن می‌دهند.

خوشبختانه برای ما، وعده‌های خدا کاملاً متفاوت هستند. کلام خدا قطعی و تغییر ناپذیر است. خداوند می‌گوید، «مرغ شکاری را از مشرق و هم مشورت خویش را از جای

دور می‌خوانم. من گفتم و البته بجا خواهم آورد و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهم رسانید» ترجمه تفسیری: ... آنچه گفته ام واقع خواهد شد. (اشعیا باب ۴۶ آیه ۱۱).

در درس این هفته، پولس توجه ما را به رابطه میان وعده خدا به ابراهیم و احکام (فرامین) داده شده به اسرائیل که ۴۳۰ سال پس از آن بود جلب می‌کند. رابطه میان این دو چگونه باید درک بشود و چه اشارات و مفاهیم ضمنی برای موعظه انجیل در بر دارد؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵ اوت آماده شوید.

یکشنبه

۳۰ ژوئیه

شریعت (احکام) و ایمان (غلاطیان باب ۳ آیات ۱۵ تا ۱۸)

حتی اگر مخالفان پولس اذعان مینمودند که خصوصیات زندگی ابراهیم اساساً با ایمان شکل گرفته، پولس می‌دانست که آن‌ها همچنان درباره اینکه چرا خدا احکام را چهار قرن پس از ابراهیم به بنی‌اسرائیل داد، او را به چالش خواهند کشید. آیا اعطای احکام، تمام قرار و پیمانهای پیش از آن را باطل نمی‌کرد؟

منظور پولس از مقایسه میان وصیتنامه یک فرد و عهد خدا با ابراهیم چیست؟
غلاطیان باب ۳ آیات ۱۵ تا ۱۸.

عهد و پیمان عموماً با وصیتنامه تفاوت دارد. عهد و پیمان توافقی عادی بین دو نفر یا بیشتر است که اغلب «قرارداد» یا «معاهده» نامیده می‌شود؛ در مقابل، وصیتنامه بیانیه یک فرد می‌باشد که یکطرفه است. ترجمه یونانی عهد قدیم یا Septuagint سبعینی^۱، هرگز عهد خدا با ابراهیم را با واژه یونانی بکار رفته برای توافق دوطرفه یا قرار داد (diatheke) ترجمه نکرده است. چرا؟ احتمالاً به این دلیل که مترجمان تشخیص دادند که عهد خدا با ابراهیم یک معاهده میان دو شخص نبود، که وعده‌های الزام‌آور دوجانبه داده شوند. بلعکس، عهد خدا فقط بر اساس اراده او بود. هیچ شرط و شروطی مشتمل بر «اگر، و یا اما» در کار نبود. ابراهیم با خلوص دل و بی چون و چرا کلام خدا را می‌پذیرد. ۱. Septuagint سبعینی یا هفتادی‌ها به هفتاد نفر از پژوهشگران یهود اطلاق می‌شود که کتاب مقدس عبری را به زبان یونانی ترجمه کردند.

پولس عبارت دو معنایی «وصیت‌نامه» و «عهد» را انتخاب می‌کند تا ویژگی‌های خاص عهد خدا با ابراهیم را برجسته سازد. وعده خدا مانند وصیت‌نامه بشری، به یک ذینفع خاص، ابراهیم و ذریت وی مربوط می‌شود (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۵؛ غلاطیان باب ۳ آیه ۱۶)؛ که شامل ارث و میراث نیز می‌شود (پیدایش باب ۱۳ آیه ۱۵، باب ۱۷ آیه ۸

؛ رومیان باب ۴ آیه ۱۳؛ غلاطیان باب ۳ آیه ۲۹). ماهیت تغییر ناپذیر وعده خدا برای پولس دارای بیشترین اهمیت می‌باشد. به همان صورتی که وصیت‌نامه یک فرد زمانی که به اجرا گذاشته شود، قابل تغییر نمی‌باشد، احکام اعطا شده خدا از طریق موسی نیز نمی‌توانند عهد پیشین او با ابراهیم را بی‌اثر و منسوخ کنند. عهد خدا یک وعده یا قول است (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۶) و خدا به هیچ وجه پیمان شکنی نمی‌کند (اشعیا باب ۴۶ آیه ۱۱؛ عبرانیان باب ۶ آیه ۱۸).

در آیات زیر، واژه عهد را با قول جایگزین نمایید. ماهیت عهد در هر کدام از این آیات چیست؟ درک عهد خدا به عنوان یک قول چگونه معنای آیات را شفاف‌تر می‌سازد و چگونه به ما در درک بهتر ماهیت عهد کمک می‌کند؟ (پیدایش باب ۹ آیات ۱۱ تا ۷۱، باب ۵۱ آیه ۸۱، باب ۷۱ آیات ۱ تا ۱۲). این نیز به ما درباره شخصیت خدا و اینکه چگونه می‌توانیم به او اطمینان کنیم، چه چیزی می‌آموزد؟

۳۱ ژوئیه

دوشنبه

ایمان و شریعت (احکام) (رومیان باب ۳ آیه ۳۱)

پولس به شدت در مورد برتری ایمان در رابطه انسان با خدا، استدلال کرده است. او به مراتب بیان نموده است که نه ختنه شدن و نه هیچ «اعمال شریعت» دیگری برای نجات الزامی نیستند، «چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل (پاک و بی گناه) شمرده نمی‌شود» (غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶). بعلاوه، این اعمال شریعت نیست بلکه ایمان است که ویژگی شاخص ایماندار می‌باشد (غلاطیان باب ۳ آیه ۷). این منفی گویی مداوم از اعمال شریعت، این پرسش را مطرح می‌سازد که، «پس آیا شریعت مطلقاً هیچ ارزشی ندارد؟ آیا خدا شریعت را از میان برداشت؟»

از آنجایی که نجات از طریق ایمان است و نه اعمال شریعت، آیا منظور پولس این است که آیا ایمان، شریعت را منسوخ می‌کند؟ آیات زیر چه چیزی به ما می‌گویند؟ رومیان باب ۳ آیه ۳۱ را با متی باب ۷ آیات ۷ و ۱۲، باب ۸ آیه ۳ و متی باب ۵ آیات ۱۷ تا ۲۰ مقایسه کنید.

بحث پولس در باب ۳ رومیان همواژات گفتمان او درباره ایمان و شریعت در غلاطیان می‌باشد. پولس که در می‌یابد نظریات وی ممکن است برخی را به چنین استنتاجی منتهی سازد که او با رفعت بخشیدن ایمان، احکام و شریعت را بی‌بها و منسوخ میکند،

این پرسش بدیهی و بی نیاز به پاسخ را مطرح می‌کند، «پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟» واژه ترجمه شده به عنوان «باطل ساختن» در رومیان باب ۳ آیه ۳۱، katargeo می‌باشد. پولس مرتباً از این واژه استفاده می‌کند و می‌تواند به صورت «بی‌اثر کردن» (رومیان باب ۳ آیه ۳)، «نابود ساختن» (افسیسیان باب ۲ آیه ۱۵)، «معدوم گشتن» (رومیان باب ۶ آیه ۶) یا «فانی ساختن» (اول قرنثیان باب ۶ آیه ۱۳) ترجمه بشود. به طور واضح، اگر پولس می‌خواست این نظریه را که احکام یا شریعت به نوعی با صلیب از میان برداشته شده اند را تأیید نماید، درست همانطور که بسیاری از مردم امروزه ادعا می‌کنند که او چنین منظوری داشت، اینک زمان آن بود. اما پولس نه تنها این نیت را با یک پاسخ منفی شدید انکار می‌کند، او در واقع بیان می‌کند که انجیل وی باعث استواری و برقراری شریعت و احکام است!

«نقشه برائت و پاک شدن از طریق ایمان، آشکار میکند که خدا برای احکام خود در لزوم و تدارک قربانی کفاره احترام قائل است. اگر عدالت از طریق ایمان شریعت را از بین می‌برد، پس دیگر نیازی به مرگ فداکارانه و فدیة گونه مسیح نخواهد بود تا گناهکار را از گناهانش رهایی بخشیده و از اینرو او را با خدا آشتی دهد.

«علاوه بر این، ایمان اصیل در خود تمایل بی‌قید و شرطی دارد تا ارادة خدا در زندگی موافق با شریعت وی تحقق یابد ... ایمان واقعی، بر پایه محبت با تمام جان و دل برای نجات، می‌تواند تنها به اطاعت ختم بشود.» - کتاب مقدس تفسیری ادونتیستهای روز هفتم جلد ۶ صفحه ۵۱۰.

The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 510

به این مفهوم که اگر پولس در حقیقت منظورش این بود که ایمان، الزام رعایت احکام را باطل می‌سازد، ببینید. آیا در این صورت، برای مثال: زنا، دزدی یا حتی قتل دیگر گناه محسوب نخواهند شد؟ درباره رنج، درد و عذابی که در صورت اطاعت از شریعت خدا تجربه نخواهید کرد، فکر کنید. شما و یا دیگران چه عذاب‌هایی را بدلیل نافرمانی از احکام خدا تجربه کرده‌اید؟

۱ اوت

سه شنبه

منظور از شریعت

پولس در غلاطیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۹، به کثرت به «احکام» رجوع میکند. پولس در این بخش از کتاب غلاطیان، اساساً به چه شریعتی اشاره می‌کند؟

برخی که باور دارند واژه (تا) در آیه ۱۹ بیان کننده این است که احکام فقط موقتی بودند و چنین اندیشیده‌اند که این آیه باید به احکام تشریفاتی اشاره داشته باشد، زیرا هدف آن احکام بر روی صلیب تحقق یافته بود و در نتیجه به پایان رسیده بودند. اگرچه این به خودی خود معنا می‌دهد، اما به نظر نمی‌رسد که منظور پولس در غلاطیان باشد. در حالی که هر دو احکام تشریفاتی و اخلاقی در کوه سینا به دلیل تخلف «صادر شدند»، ما با در نظر گرفتن سؤال زیر خواهیم دید که به نظر می‌رسید پولس معیارها و اصول اخلاقی احکام را بدهی ترین موضوع در ذهن می‌پنداشت.

چرا پولس می‌گوید که احکام اضافه شده بودند؟ و به چه چیزی اضافه شده بودند و چرا؟ غلاطیان باب ۳ آیه ۱۹ و رومیان باب ۵ آیات ۱۳ و ۲۰ را با یکدیگر مقایسه کنید.

پولس می‌گوید که احکام به عهد خدا با ابراهیم اضافه شده بودند، بطوریکه یک نوع ضمیمه به یک وصیت‌نامه بودند که مفاد اصلی را تغییر داد. احکام بسیار پیش از ماجرای کوه سینا وجود داشتند (مطالعه فردا را ببینید). در عوض، منظور پولس این است که احکام به دلیل کاملاً متفاوتی به بنی‌اسرائیل داده شده بودند. و آن بدلیل تغییر جهت دادن مردم به سوی خدا و فیضی که او به همه کسانی که با ایمان نزد او می‌آیند، ارائه می‌دهد، بود. احکام، شرایط گناه‌آلودمان و نیازمان به فیض خدا را برای ما نمایان می‌سازند. قرار نبود که شریعت نوعی برنامه برای «بدست آوردن» نجات باشند. بلعکس، پولس می‌گوید که آن‌ها اعطا شدند، تا «مردم هر چه بیشتر به طبیعت گناهکار خود پی برند» (رومیان باب ۵ آیه ۲۰)؛ یعنی، گناه موجود در زندگی‌مان را با وضوح بیشتری به ما نشان بدهند (رومیان باب ۷ آیه ۱۳).

در حالی که احکام تشریفاتی اشاره به مسیح موعود داشتند و بر قدوسیت و نیاز به یک نجات دهنده تأکید می‌کردند، این احکام اصول اخلاقی با «نابدهایش» گناه را آشکار ساخته و به ما نشان می‌دهد که گناه تنها بخشی از شرایط طبیعی ما نمی‌باشد، بلکه در واقع، تخطی از شریعت خداست (رومیان باب ۳ آیه ۲۰؛ باب ۵ آیات ۱۳ و ۲۰؛ باب ۷ آیات ۷، ۸ و ۱۳). به این دلیل است که پولس می‌گوید، «جایی که شریعت نیست تجاوز هم نیست» (رومیان باب ۴ آیه ۱۵). «شریعت به عنوان یک ذره بین عمل می‌کند. این وسیله در حقیقت تعداد نقطه‌های کثیف یک لباس را بیشتر نمی‌کند، بلکه باعث می‌شوند آن‌ها با وضوح بیشتری دیده شوند و بسیار بیشتر از آنچه چشم غیر مسلح می‌تواند ببیند، آشکار می‌سازند.» - ویلیام هندریکسن، تفسیر عهد جدید، شرحی بر غلاطیان، صفحه ۱۴۱.

William Hendriksen, New Testament Commentary, Exposition on Galatians, p. 141

طول مدت احکام خدا

آیا اظهار پولس در مورد این که احکام در کوه سینا اضافه شد، به این معنی است که پیش از آن وجود نداشت؟ اگر چنین نیست، تفاوت میان قبل و بعد از واقعه کوه سینا چیست؟ پیدایش باب ۹ آیات ۵ و ۶، باب ۱۸ آیه ۱۹، باب ۲۶ آیه ۵، باب ۳۹ آیات ۷ تا ۱۰ و خروج باب ۱۶ آیات ۲۲ تا ۲۶ را بخوانید.

خدا نیازی به نمایان ساختن احکام به ابراهیم توسط طوفان، رعد و برق و مجازات مرگ نداشت (خروج باب ۱۹ آیات ۱۰ تا ۲۳). پس چرا خدا احکام را به آن صورت به بنی اسرائیل داد؟ این بدین دلیل بود که بنی اسرائیل در طول مدت اسارتشان در مصر، بزرگواری و معیارهای اخلاقی متعالی خدا را نادیده گرفتند. در نتیجه، لازم بود از میزان گناهکاری خود و قدّوسیت شریعت خدا آگاه شوند. مکاشفه بر کوه سینا مطمئناً چنین نمود.

منظور پولس از گفتن اینکه شریعت اضافه شد «تا هنگام آمدن آن نسلی که وعده بدو داده شد»، چیست؟ غلاطیان باب ۳ آیات ۱۶ تا ۱۹.

بسیاری این آیات را چنین درک کرده‌اند که شریعتی که بر کوه سینا داده شده، موقتی بود. این شریعت ۴۳۰ سال پس از ابراهیم وارد شد و سپس با آمدن مسیح پایان یافت. اگرچه این برداشت با آنچه پولس درباره شریعت در رومیان و همچنین سایر آیات کتاب مقدّس از جمله متی باب ۵ آیات ۱۷ تا ۱۹ می‌گوید، مغایرت دارد. اشتباهی که خوانندگان اغلب در مورد این آیات مرتکب می‌شوند این است که استنباط می‌کنند عبارت (تا زمان) همواره حاکی از دوره زمانی محدودی می‌باشد. اما چنین نیست. مزامیر باب ۱۱۲ آیه ۸ با توصیف شخصی که از خداوند می‌هراسد، می‌گوید، «دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند.» آیا این بدین معناست که زمانی که او پیروز می‌شود، خواهد هراسید؟ در مکاشفه یوحنا باب ۲ آیه ۲۵، عیسی می‌فرماید، «جز آنکه به آنچه دارید تا هنگام آمدن من تمسک جویید.» آیا منظور عیسی این است که زمانی که او بیاید، ما دیگر ملزم به وفادار بودن نیستیم؟ نقش شریعت با آمدن مسیح پایان نیافت. بلکه تا زمانی که وجود داشته باشد، به تنویر و بزرگنمایی گناه می‌پردازد. آنچه پولس می‌گوید این است که آمدن مسیح نقطه

عطف قاطعی در تاریخ بشریت را نشان داد. مسیح قادر است کاری را انجام بدهد که شریعت هرگز نمی‌تواند علاجی برای گناه ارائه دهد که موجب آن گناهکاران عادل و از گناه منزّه شوند و از طریق روح خویش، احکام خود را در آنان تحقق بخشد. (رومیان باب ۸ آیات ۳ و ۴).

آیا شما تا کنون با خود اندیشیده‌اید که، اگر خداوند این کار یا آن کار را برای من انجام می‌داد، آنوقت من هرگز بار دیگر به او شک نکرده و از او سؤالی نمی‌پرسیدم؟ اما به آنچه بر کوه سینا اتفاق افتاد بیاندیشید، دربارهٔ اینکه بنی‌اسرائیل چه تجلی قدرتمندی از قدرت خدا را مشاهده کردند - و با این حال، همچنان چه کاری انجام دادند؟ این باید دربارهٔ اینکه ایمان حقیقی چیست و ما چگونه آن را بدست آورده و حفظ می‌کنیم، چه چیزی به ما بگوید؟ (کولسیان باب ۲ آیه ۶ را ببینید).

پنجشنبه

۳ اوت

بلندمرتبگی وعده

«همین است آنکه در جماعت در صحرا با آن فرشته‌ای که در کوه سینا بدو سخن می‌گفت و با پدران ما بود و کلمات زنده را یافت تا به ما رساند» (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۳۸).

در غلاطیان باب ۳ آیات ۱۹ و ۲۰، سلسله افکار پولس در مورد اینکه شریعت، عهد فیض را از بین نمی‌برد، ادامه می‌یابد؛ این مهم است زیرا اگر دانش الهیاتی مخالفانش صحیح بود، شریعت دقیقاً این کار را انجام می‌داد. بنابراین، بیاندیشید که اگر می‌بایست در مقابل فیض خدا، برای نجات بر رعایت شریعت توسط خود تکیه می‌کردیم، موضع ما به عنوان افراد گناهکار چه می‌بود. ما در نهایت نا امید می‌شدیم.

اگر چه جزئیات نظریات پولس در غلاطیان باب ۳ آیات ۱۹ و ۲۰ دشوار هستند، نکته اصلی یا لب کلام او واضح است: شریعت نسبت به وعده، فرعی است زیرا از طریق وساطت فرشتگان و موسی داده شد. در کتاب خروج به ارتباط فرشتگان با احکام زنده اشاره‌ای نشده است، اما در چندین بخش دیگر کتاب مقدس دیده می‌شود (تثنیه باب ۳۳ آیه ۲؛ اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۳؛ عبرانیان باب ۲ آیه ۲). پولس از واژه واسطه در اول تیموتائوس باب ۲ آیه ۵ برای اشاره به مسیح استفاده می‌کند، اما نظراتش در این جا با جدیت پیشنهاد می‌دهند که او آیه ۵ باب ۵ کتاب تثنیه را در ذهن دارد، جایی که موسی می‌گوید، «من در آن وقت میان خداوند و شما ایستاده بودم، تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم.»

بهمان اندازه که عطای احکام در کوه سینا با شکوه بود با وجود فرشتگان بی‌شمار و با همان اهمیتی که موسی در آن زمان احکام را معرفی میکرد ابلاغ احکام به صورت غیرمستقیم بود. کاملاً متضاد با مطلب گفته شده، وعده خدا مستقیماً به ابراهیم داده شد (و از این رو، به تمام ایمانداران)، زیرا نیازی به واسطه نبود. در نهایت، شریعت هر قدر دارای اهمیت باشد، جایگزینی برای وعده نجات با فیض از طریق ایمان نمی‌باشد. بالعکس، احکام به ما در درک بهتر میزان شگفت‌انگیز بودن آن وعده کمک می‌کنند.

ماهیت روبرو شدن مستقیم ابراهیم با خدا را توصیف نماییم. چنین حضور بی‌واسطه نزد خدا چه سودی داشت؟ پیدایش باب ۱۵ آیات ۱ تا ۶، باب ۱۸ آیات ۱ تا ۳۳ و باب ۲۲ آیات ۱ تا ۱۸ را ببینید.

درباره بعضی از مواجهه‌های افراد دیگر همچون آدم و حوا در باغ عدن (پیدایش باب ۳)، پلکان یعقوب (پیدایش باب ۸۲)، پولس در مسیر دمشق (اعمال رسولان باب ۹) در کتاب مقدس، بیاندیشید. شاید شما چیزی به این شگرفی تجربه نکرده باشید، اما خدا به چه روش‌هایی خود را برای شما آشکار ساخته است؟ همچنین از خود پرسید، آیا چیزی در زندگی شخصی‌تان وجود دارد که ممکن است شما را از داشتن چنین صمیمیت و حضوری که ابراهیم تجربه با خدا تجربه کرد، باز دارد؟ اگر چنین است، چه راهکارهایی برای تغییر آن می‌توانید در پیش بگیرید؟

۴ اوت

جمعه

تفکری فراتر: «مردم در اسارتشان، به میزان زیادی آگاهی خود از خدا و اصول عهد ابراهیمی را از دست دادند. در آزادی از مصر، خدا به دنبال آشکار نمودن قدرت و رحمت خود به ایشان بود، تا آن‌ها به محبت نسبت به وی و اطمینان به او رهنمود شوند. او آن‌ها را به دریای سیاه آورد - جایی که فرار از دست مصریانی که آن‌ها را تعقیب می‌کردند، غیر ممکن به نظر می‌رسید - تا شاید آن‌ها ناتوانی مطلق و نیازشان به کمک الهی را تشخیص بدهند؛ و سپس رهایی از آن‌ها را مقدر ساخت. از این رو، آن‌ها از احساس محبت و قدردانی نسبت به خدا و اطمینان از قدرت او در کمک به خود سرشار شدند. خدا آن‌ها را با خود به عنوان نجات دهنده‌شان از اسارت موقت، پیوند داد.

«اما همچنان حقیقتی بزرگتر وجود داشت که ذهن آنان باید تحت تاثیر قرار میگرفت. آن‌ها که در میان کفر و فساد زندگی می‌کردند، هیچ برداشت درستی از قدوسیت خدا،

گناهکاری رو به افزایش قلب‌های خود، ناتوانی مطلقشان در اطاعت از شریعت خدا و نیازشان به یک نجات دهنده، نداشتند. همه این‌ها باید به ایشان تعلیم داده می‌شد.» – الن جی. وایت، بزرگ خاندانها و انبیا صفحه ۳۷۱.

Ellen G. White, Patriarchs and Prophets, p. 371

«شریعت خدا که با عظمت مهیبی بر کوه سینا بیان شد، ارائه نامه محکومیت به گناهکار است. مسئولیت شریعت این است که محکوم کند، اما هیچ قدرتی برای عفو نمودن یا نجات دادن در آن وجود ندارد.» – الن جی. وایت، کتاب مقدس تفسیری ادونتستهای روز هفتم جلد ۶ صفحه ۱۰۹۴.

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1094

سوالاتی برای بحث

۱. درباره این ایده کلی از وعده‌ها، بخصوص آن‌ها که شکسته شدند، بیاندهید. احساسات در مورد کسانی که به وعده‌شان نسبت به شما عمل نکردند، چه بود؟ اینکه فردی قصد عمل به وعده‌اش را داشته است، اما سپس نتوانسته یا نخواسته که به آن عمل کند با اینکه متوجه بشوید آن فرد هرگز قصد عمل به آن وعده را نداشته است، چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟ پس از شکسته شدن وعده به هر دلیلی، در مورد میزان اطمینانتان برای شما چه اتفاقی می‌افتد؟ دانستن اینکه می‌توانید به وعده‌های خدا اطمینان کنید، برای شما چه مفهومی دارد؟ یا شاید سؤال باید اینگونه باشد که، چگونه می‌توانید بیاموزید در وهله اول به وعده‌های خدا اطمینان کنید؟

۲. ما به چه شیوه‌هایی در معرض خطر فاسد شدن توسط محیط اطراف هستیم تا جایی که آگاهی‌مان از حقایقی که خدا به ما داده است را از دست بدهیم؟ چگونه می‌توانیم خود را از اینکه آن تأثیرات منفی چه هستند و چگونه می‌توانیم آن‌ها را بی‌اثر کنیم، آگاه سازیم؟

خلاصه: اعطای شریعت بر روی کوه سینا، وعده خدا به ابرهیم را بی‌اعتبار و قوانین آن را بی‌اثر نکرد. احکام اعطا شد تا شاید مردم از میزان حقیقی گناهکاری خود آگاهی یابند و نیاز خود به وعده خدا به ابرهیم و نسل وی را تشخیص بدهند.

راه ایمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ تا ۲۵؛ لایوان باب ۱۸ آیه ۵؛ رومیان باب ۳ آیات ۹ تا ۱۹؛ اول قرنتیان باب ۹ آیه ۲۰؛ رومیان باب ۳ آیات ۱ و ۲، باب ۸ آیات ۱ تا ۴.

آیه حفظی: «بلکه کتاب همه چیز را زیر گناه بست تا وعده‌ای که از ایمان به عیسی مسیح است، ایمانداران را عطا شود» ترجمه تفسیری: کتاب آسمانی میفرماید که همه ما در چنگ گناه اسیریم. تنها راه آزادی برای همه ما اینست که به عیسی مسیح ایمان آوریم. (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲).

کبوتران خانگی از دیر باز، برای توانایی‌شان در پرواز به میزان صدها کیلومتر در روز و رسیدن به مقصد با دقتی شگفت‌انگیز، معروف بوده‌اند. با این وجود، حتی بهترین کبوتران خانگی نیز گاهی دچار سردرگمی شده‌اند و هرگز دیگر به نقطه شروع خود باز نگشته‌اند. بدترین اتفاق در انگلستان رخ داد، هنگامی که حدود پنجاه و پنج هزار کبوتر (با ارزشی به مبلغ شش صد هزار دلار) هرگز به آشیانه خود باز نگشتند. همانطور که اکثر ما به نحوی تجربه کرده‌ایم، مسیر را اشتباه رفتن یا گم شدن لذت‌بخش نیست. ترس و نگرانی وجود ما را در بر میگیرد؛ و می‌تواند برای لحظاتی ما را مضطرب سازد.

این قضیه در عالم روحانی نیز صدق می‌کند. حتی پس از اینکه ما مسیح را می‌پذیریم، امکان دارد که گمراه یا سردرگم بشویم، حتی تا جایی که هرگز دیگر نزد خداوند بازنگردیم. اگرچه خبر خوش این است که خدا ما را به حال خود رها نکرده است. او مسیر ایمان را

آنگونه که در انجیل آمده است، ترسیم نموده است و آن مسیر شامل احکام می‌شود. بسیاری از مردم سعی در جدا نمودن احکام از انجیل می‌کنند؛ برخی حتی آن‌ها را در تضاد هم می‌بینند. این دیدگاه نه تنها نادرست است، بلکه می‌تواند با عواقب فجیعی منتهی شود. بدون احکام، از هیچ انجیلی برخوردار نخواهیم بود. درک انجیل بدون احکام واقعاً دشوار می‌باشد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ اوت آماده شوید.

یکشنبه

۶ اوت

احکام و وعده

«پس آیا شریعت به خلاف وعده‌های خداست؟» (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۱).

پولس که احساس نمود نظریاتش احتمال دارد باعث بشوند مخالفانش استنباط کنند که او دیدگاهی حقیرانه نسبت به احکام داشت یا اینکه نظریاتش در مورد اولویت وعده‌های خدا، انتقاد پنهان از موسی و تورات بودند، دقیقاً همان پرسشی که آن‌ها در ذهن داشتند را مطرح می‌کند: «آیا می‌گویید احکام بر خلاف وعده‌های خداست؟» پولس به این سؤال با یک «نه!» محکم، پاسخ می‌دهد. چنین نتیجه‌گیری غیرممکن می‌باشد، زیرا خدا با خود در مخالفت نیست. خدا احکام و وعده را با هم عطا کرده است. احکام در نابرابری با وعده نیست. هر دوی این‌ها صرفاً نقش‌ها و کارایی‌های متفاوتی در نقشه کلی خدا برای رستگاری دارند.

مخالفان پولس چه برداشت اشتباهی درباره نقش احکام داشتند؟ غلاطیان باب ۳ آیه ۲۱، لایوان باب ۱۸ آیه ۵ و تثنیه باب ۶ آیه ۲۴ را با یکدیگر مقایسه کنید.

این مردم بر این باور بودند که شریعت قادر بود به ایشان زندگی روحانی بدهد. دیدگاه‌های آن‌ها احتمالاً از برداشت اشتباه از آیات عهد قدیم مانند لایوان باب ۱۸ آیه ۵ و تثنیه باب ۶ آیه ۲۴ نشأت گرفته بودند، جایی که شریعت راهنمایی می‌کند که افراد تحت عهد خدا چگونه باید زندگی کنند. احکام در عهد زیستن را تنظیم نمود، اما آن‌ها نتیجه‌گیری نمودند که شریعت سرچشمه رابطه انسان با خدا بود. اگرچه کتاب مقدس به وضوح می‌گوید که توانایی «زنده کردن» قدرتی است که تنها خدا و روح او از آن برخوردارند (دوم پادشاهان باب ۵ آیه ۷، نحمیا باب ۹ آیه ۶، یوحنا باب ۵ آیه ۲۱، رومیان باب ۴ آیه ۱۷). احکام نمی‌تواند کسی را از نظر روحانی زنده بگرداند. با این وجود، این بدین معنی نیست که احکام با وعده خدا مغایرت دارد.

پولس که بدنبال اثبات ناتوانی احکام در حیات بخشی است، در غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲ می‌نویسد، «کلام خدا به صراحت اشعار میدارد که همه در چنگال گناه اسیرند» در

رومیان باب ۳ آیات ۹ تا ۱۹، از رشته ای از آیات عهد قدیم استفاده می‌کند تا نشان بدهد ما تا چه میزان بد هستیم. آیات بطور تصادفی در کنار هم چیده نشده‌اند. او مطلب خود را با مشکل اصلی که گناه است آغاز می‌کند - رویکرد خودخواهانه‌ای که قلب بشر را آلوده می‌کند - و سپس به آیاتی می‌پردازد که فراگیر بودن و در نهایت جامعیت گناه را توصیف می‌کنند.

منظور او چیست؟ به دلیل وسعت گناه و محدودیت‌های احکام، وعده حیات ابدی تنها می‌تواند از طریق وفاداری مسیح به جای ما حاصل شود. این نیز حقیقت بزرگی است که نهضت اصلاحات پروتستان را به پیش راند.

اگرچه شریعت نمی‌تواند ما را نجات بدهد، اما تبعیت ما از آن، چه منافع بزرگی می‌تواند داشته باشد؟ یعنی، چه خوبی‌های عملی از طریق اطاعت از احکام خدا را در زندگی‌تان تجربه کرده‌اید؟

۷ اوت

دوشنبه

«تحت تسلط شریعت»

در غلطیان باب ۳ آیه ۲۳، پولس می‌نویسد که «قبل از رسیدن دوره ایمان همه ما محبوس و تحت تسلط شریعت بودیم.» منظور پولس از «ما»، ایمانداران یهودی تبار در کلیساهای غلطیه بودند. آن‌ها کسانی بودند که با شریعت آشنایی داشتند و پولس به ویژه از آیه ۱۵ باب ۲ غلطیان با ایشان صحبت می‌کرده است. این را می‌توان در مقایسه «ما» در غلطیان باب ۳ آیه ۲۳ و «شما» در غلطیان باب ۳ آیه ۲۶ دید.

در غلطیان باب ۳ آیه ۲۳ آمده است، «قبل از فرا رسیدن دوره ایمان»؛ اما در متن یونانی چنین نوشته شده است، «قبل از فرا رسیدن دوره آن ایمان». از آنجایی که پولس جایگاه شریعت را قبل و بعد از مسیح مقایسه می‌کند (غلطیان باب ۳ آیه ۲۴)، «ایمان» به احتمال زیاد مرجعی از ایمان ماست و نه مرجعی برای ایمان مسیحی به طور کلی.

پولس می‌گوید که یهودیان پیش از آمدن مسیح، «تحت تسلط شریعت» نگاه داشته شده بودند. منظور او از «تحت تسلط شریعت» چیست؟ غلطیان باب ۳ آیات ۲۲ و ۲۳ را با رومیان باب ۶ آیات ۱۴ و ۱۵، اول قرنتیان باب ۹ آیه ۲۰، غلطیان باب ۴ آیات ۴ و ۵ و ۲۱ باب ۵ آیه ۱۸ مقایسه کنید.

پولس از عبارت «تحت شریعت» دوازده مرتبه در نامه‌های خود استفاده می‌کند.

۱- «تحت تسلط شریعت» به عنوان یک راه جایگزین نجات (غلاطیان باب ۴ آیه ۲۱).

مخالفان در غلاطیه در تلاش برای بدست آوردن عدالت حیات بخش از طریق فرمانبرداری بودند. با این وجود، همانطور که پولس پیش از آن مشخص ساخته است، این غیر ممکن می‌باشد (غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ و ۲۲). بعدها پولس حتی اشاره می‌کند که غلاطیان با تمایل به تحت شریعت بودن، در واقع مسیح را طرد می‌کردند (غلاطیان باب ۵ آیات ۲ تا ۴). زیرا بدون مسیح ما قادر به اطاعت از احکام نیستیم.

۲- «تحت شریعت» از جمله به معنی تحت محکومیت بودن است (رومیان باب ۶ آیات ۱۴ و ۱۵). از آنجایی که شریعت نمی‌تواند کفّارة گناه باشد، تخطی از مطالباتش می‌تواند در نهایت به محکومیت منتهی شود. این شرایطی است که تمام انسان‌ها خود را در آن خواهند یافت. شریعت مانند یک نگهبان زندان عمل می‌کند و تمام کسانی را که آن را نقض کرده‌اند و برای خود حکم مرگ را ببار آوردند، زندانی می‌کند. همانگونه که در مطالعه فردا خواهیم دید، استفاده از واژه نگهبان (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۳) نشان می‌دهد که منظور پولس از «تحت تسلط شریعت» در این آیه، این است.

یک واژه مرتبط یونانی، *ennomos* که معمولاً به صورت «تحت تسلط شریعت» ترجمه می‌شود، بطور تحت اللفظی به معنای «در بطن احکام» می‌باشد و به زندگی کردن در بطن واجبات احکام از طریق اتحاد با مسیح اشاره دارد (اول قرنتیان باب ۹ آیه ۲۱). از طریق «اعمال شریعت»، یعنی با تلاش برای نگه داشتن شریعت از مسیح، عادل شمرده شدن غیر ممکن می‌باشد، زیرا تنها کسانی که از طریق ایمان عادل هستند، زندگی خواهند کرد (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۱). این حقیقت باطل کننده شریعت نیست؛ بلکه نشان می‌دهد که شریعت نمی‌تواند به ما حیات ابدی ببخشد. برای آن دیگر خیلی دیر شده است.

۸ اوت

سه شنبه

احکام به عنوان «نگهبان» ما

پولس دو نتیجه‌گیری اساسی در مورد احکام ارائه می‌دهد: (۱) احکام، وعده‌ای که خدا به ابراهیم داد را باطل یا منسوخ نمی‌کند (غلاطیان باب ۳ آیات ۱۵ تا ۲۰)؛ (۲) احکام با وعده در تقابل نیست (غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ و ۲۲).

پس در واقع نقش احکام چیست؟ پولس می‌نویسد که شریعت «بدلیل تقصیرها» افزوده شد (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۹) و او با استفاده از سه واژه یا عبارت متفاوت در ارتباط با شریعت، این ایده را به تفصیل شرح می‌دهد: نگاه داشته بودیم (آیه ۲۳)، بسته شده بودیم (آیه ۲۳) و دایه (آیه ۲۴).

با دعا و دقت غلاطیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۴ را بخوانید. پولس درباره شریعت چه می گوید؟

اکثر ترجمه‌های امروزی، نظریات پولس درباره شریعت در غلاطیان باب ۳ آیه ۱۹ را به صورتی کاملاً منفی تفسیر می‌کنند. اما نسخه اصلی به زبان یونانی اصلاً چنین مغرضانه و یکطرفه نیست. واژه یونانی که به صورت «نگاه داشته بودیم» (آیه ۲۳) ترجمه شده است، بطور تحت اللفظی به معنای «نگهبانی» می‌باشد. اگرچه می‌توان آن را در مفهومی منفی بکار برد، مانند «در استیلاء نگه داشتن» یا «محافظت کردن» (دوم قرنتیان باب ۱۱ آیه ۳۲)، در عهد جدید بیشتر مفهوم «مراقبت کردن» یا «محفوظ داشتن» (فیلیپیان باب ۴ آیه ۷، اول پطرس باب ۱ آیه ۵) را دارد. همین مسئله در مورد واژه ترجمه شده به صورت «بسته شده بودیم» (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۳) صدق می‌کند. می‌تواند به صورت «بستن» (پیدایش باب ۲۰ آیه ۱۸)، «مسدود شدن» (خروج باب ۱۴ آیه ۳، یوشع باب ۶ آیه ۱، ارمیا باب ۱۳ آیه ۱۹)، «محصور کردن» (لوقا باب ۵ آیه ۶) یا «محدود کردن» (رومیان باب ۱۱ آیه ۳۲). همانطور که این مثال‌ها نشان می‌دهد، با توجه به موضوع، این واژه می‌تواند هم دارای مفاهیم مثبت و هم منفی باشد.

شریعت (اصول اخلاقی و تشریفاتی) چه منفعت‌هایی را برای فرزندان اسرائیل به همراه داشت؟ رومیان باب ۳ آیات ۱ و ۲، تثنیه باب ۷ آیات ۱۲ تا ۲۴، لایوان باب ۱۸ آیات ۲۰ تا ۳۰.

در حالی که پولس می‌تواند با عبارات منفی درباره شریعت صحبت کند (رومیان باب ۷ آیه ۶، غلاطیان باب ۲ آیه ۱۹)، او چیزهای مثبت زیادی نیز در مورد شریعت برای گفتن دارد (رومیان باب ۷ آیات ۱۲ و ۱۴، باب ۸ آیات ۳ و ۴، باب ۱۳ آیه ۸ را ببینید). شریعت لعنتی نبود که خدا بر بنی اسرائیل نهاده باشد؛ برعکس، قرار بود یک برکت باشد. اگرچه نظام قربانی آن نتوانست گناه را کاملاً از بین ببرد، اما به مسیح موعود اشاره کرد که می‌توانست چنین کند و احکام آن که رفتار بشر را هدایت می‌کردند، اسرائیل را در برابر بسیاری از پلشتیهایی که سایر تمدن‌های باستانی را آلوده نموده بود، محافظت کرد. با توجه به نظریات مثبت پولس درباره شریعت در جاهای دیگر، اشتباه خواهد بود اگر نظریات او را در اینجا به صورت کاملاً منفی ببینیم.

به یک چیز خوب که مورد سوء استفاده قرار گرفته است، بیاندیشید. برای مثال، دارویی تولید شده برای درمان یک بیماری می‌تواند توسط برخی از افراد برای سرمستی و نشئه شدن استفاده بشود. شما چه نمونه‌هایی از این اصل را در زندگی خود دیده‌اید؟ دانش ما از اینکه چطور چیزی خوب می‌تواند مورد سوء استفاده قرار بگیرد، به ما در درک آنچه پولس در اینجا با آن سر و کار دارد، کمک می‌کند؟

چهارشنبه

۹ اوت

شریعت به عنوان دایه ما

در غلاطیان باب ۳ آیه ۲۳، پولس شریعت را به عنوان یک نیروی نگهبان و محافظت کننده توصیف می‌کند. او آن را با چه چیزی در آیه ۲۴ تشبیه می‌کند و معنای آن چیست؟

واژه ترجمه شده به صورت «آموزگار» یا دایه یا لاله از واژه یونانی paidagogos می‌آید. برخی از نسخه‌ها آن را به صورت «نظم دهنده»، «مربّی» و یا حتی «نگهبان» ترجمه می‌کنند، اما هیچ واژه‌ای نمی‌تواند بطور کامل معنایش را برساند. آموزگار یا دایه در جامعه روم به برده ای تلقی میشد که در مشغله اختیار تام داشتن بر پسران ارباب خود از سنین شش یا هفت سالگی گمارده میشد تا اینکه آنها به دوران بلوغ برسند. علاوه بر فراهم نمودن نیازهای جسمی از جمله حمام نمودن ایشان، فراهم نمودن غذا و لباس و محافظت از ایشان در برابر خطر، آموزگار یا دایه paidagogos همچنین مسئولیت داشت تا اطمینان حاصل کند که پسر ارباب به مدرسه رفته و تکالیفش را نیز انجام داده است. علاوه بر این، از او انتظار می‌رفت نه تنها فضایل اخلاقی را به او بیاموزد، بلکه اطمینان حاصل نماید که پسرها خود نیز آن‌ها را آموخته و انجام بدهند.

اگرچه برخی از آموزگاران اسیر paidagogos به طور حتم می‌بایست توسط نگهبانان خود مورد تفقد و مهربانی قرار باشند، طبقه حاکم آنان در ادبیات کهن به همان شدت سختگیری تادیب کنندگان بودند. آن‌ها خاطر جمع میشدند که فرمانبرداری نه تنها از طریق ایجاد هراس شدید و سرزنش انجام شود، بلکه با تنبیه با شلاق و چوب و فلک نیز چنین می‌کردند.

توصیف پولس از شریعت به عنوان یک مربّی، درک او از نقش شریعت را مشخص می‌کند. شریعت برای مشخص نمودن گناه و ارائه رهنمود افزوده شد. ماهیت واقعی این کار بدین معنی است که شریعت جنبه‌ای منفی دارد و این دلیل آن است که ما را

به عنوان افراد گناهکار، سرزنش و محکوم می‌نماید. با این حال، خدا حتی از این جنبه «منفی» برای منفعت ما استفاده می‌کند، زیرا محکومیتی که شریعت به همراه دارد چیزی است که ما را به سوی مسیح می‌برد. از این رو، شریعت و انجیل در تقابل نیستند. خدا آن‌ها را طراحى نموده است که برای نجات ما با هم عمل کنند.

«در این آیه [غلاطیان باب ۳ آیه ۲۴]، روح القدس از طریق رسول، بخصوص در مورد احکام اصول اخلاق سخن می‌گوید. شریعت، گناه را برای ما آشکار می‌سازد و باعث می‌شود ما به مسیح احساس نیاز بکنیم و برای بخشش و آرامش، از طریق توبه نزد خدا و ایمان به خداوند عیسی مسیح، به نزد او بشتابیم.» - الن جی. وایت، پیامهای منتخب کتاب اول صفحه ۲۳۴.

Ellen G. White, Selected Messages, book 1, p. 234

آخرین باری که کارهایتان را با کلام و اندیشه‌های شریعت مقایسه نمودید، چه زمانی بود؟ اکنون این کار را انجام بدهید، اعمالتان را نه تنها با نوشته‌های احکام بلکه با روح نیز مقایسه کنید (متی باب ۵ آیه ۸۲، رومیان باب ۷ آیه ۶). چقدر منصفانه این کار را انجام می‌دهید؟ پاسختان درباره منظور پولس در این رساله چه چیزی می‌گوید؟

۱۰ اوت

پنجشنبه

احکام و ایماندار (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۵)

بسیاری نظریات پولس در غلاطیان باب ۳ آیه ۲۵ را به عنوان نقض کامل شریعت تعبیر کرده‌اند. اگرچه این تا حدی با توجه به نظریات مثبت او در جاهای دیگر کتاب مقدس، درست به نظر می‌رسد.

پس منظور او چیست؟

نخست، ما دیگر تحت محکومیت شریعت نیستیم (رومیان باب ۸ آیه ۳). ما به عنوان ایمانداران، متعلق به مسیح هستیم و از امتیاز تحت قدرت فیض او بودن بهره مند هستیم (رومیان باب ۶ آیات ۱۴ و ۱۵). تحت فیض بودن ما را آزاد میکند و مسیح را قادر می‌سازد تا در وجود ما کار کند. این به ما آزادی خدمت به مسیح با تمام قلبان را می‌دهد، بدون ترس از محکوم شدن برای اشتباهاتی که در این روند انجام می‌دهیم. این آزادی حقیقی در انجیل می‌باشد که چیزی کاملاً متفاوت از اطاعت نکردن از شریعت است - چیزی که خیلی‌ها از آن به عنوان «آزادی» در مسیح یاد می‌کنند. اما در عوض، نافرمانی از شریعت گناه است - و گناه چیزی جز آزادی می‌باشد (یوحنا باب ۸ آیه ۳۴).

رومیان باب ۸ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. معنی دیگر تحت محکومیت شریعت نبود چیست؟ این حقیقت شگفت‌انگیز چگونه بر زندگی ما تأثیر می‌گذارد تا چگونه زندگی کنیم؟

در نتیجهٔ بخشیده شدن از طریق مسیح، رابطهٔ ما با شریعت اکنون متفاوت است. ما اینک فراخوانده شده‌ایم که به گونه‌ای زندگی کنیم که مورد پسند خدا باشد (اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱)؛ پولس از این مطلب به عنوان گام برداشتن در روح یاد می‌کند (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۸). این بدین معنی نیست که احکام اصول اخلاق دیگر قابل اجرا نیست - مسئله هرگز این نبود. چگونه می‌توانست چنین باشد، وقتی به وضوح دیده‌ایم که شریعت اخلاقی چیزی است که گناه را تعریف نموده و اینکه شریعت اخلاقی در قلوب ما نوشته شده است؟ در عوض، از آنجایی که شریعت رونوشت شخصیت خداست، ما با اطاعت از آن، در واقع شخصیت او را انعکاس می‌دهیم. اما بیشتر از آن، ما تنها یک مجموعه از قوانین را رعایت نمی‌کنیم، بلکه الگوی عیسی که آنچه شریعت هرگز نمی‌تواند را برای ما انجام می‌دهد، دنبال می‌کنیم: با تسلیم شدن در برابر اراده خدا، مسیح مطالبات احکام را تحقق بخشید. با طریقه او زندگی کردن به خدا اجازه می‌دهیم تا احکام را بر قلوب ما بنویسد. (عبرانیان باب ۸ آیه ۱۰) و الزامات عدالت را ممکن می‌سازد که در ما تحقق یابند (رومیان باب ۸ آیه ۴). یعنی، از طریق ارتباطمان با عیسی، قدرت خواهیم یافت تا از احکام اطاعت کنیم که قبلاً هرگز چنین نکرده ایم.

رومیان باب ۸ آیه ۴ را بخوانید. پولس در اینجا چه چیزی می‌گوید؟ شما این وعده‌ای که در زندگیتان آشکار شده است را چگونه دیده‌اید؟ در عین حال، علیرغم تمام تغییرات مثبتی که تجربه کرده‌اید، چرا نجات باید همواره بر پایه آنچه که مسیح برای ما انجام داده است باشد و نه هیچ چیز دیگری؟

۱۱ اوت

جمعه

تفکری فراتر: «از من در مورد شریعت در غلاطیان سؤال شده است. کدام شریعت دایه‌ای است که ما را نزد مسیح می‌آورد؟ من پاسخ می‌دهم: هم احکام تشریفاتی و هم آئین اصول اخلاق ده فرمان.

«مسیح بنیان کل اقتصاد یهود بود. مرگ هابیل عاقبت انکار نقشه خدا توسط قائن در مدرسهٔ فرمانبرداری برای رستگاری توسط خون عیسی مسیح بود که خون او نمادی از هدیه قربانی بود که به مسیح اشاره داشت. قائن از ریختن خون که نماد ریخته شدن

خون مسیح برای جهان بود، سر باز زد. کل این آداب و مراسم توسط خدا طراحی شده بود و مسیح اساس و بنیاد کل این منظومه شد. این آغاز کار شریعت به عنوان دایه بود تا نمایندگان گناهکار بشر مسیح را بعنوان بنیاد کل اقتصاد یهود تحت توجه قرار دهند. «تمام کسانی که در ارتباط با حرم مطهر یا قدس خدمت می‌کردند، مرتباً تعلیم میدیدند که مسیح بخاطر نسل بشر شفاعت میکند. این مراسم طراحی شده بود تا در هر قلب، محبت به شریعت خدا را بوجود آورد، که شریعت ملکوت وی می‌باشد.» - الن جی. وایت، پیامهای منتخب از کتاب اول صفحه ۲۳۳.

Ellen G. White, Selected Messages, book 1, p. 233

«احکام ده فرمان نباید بیشتر از منظر نهی کنندگی آن مشاهده شود بلکه باید از دیدگاه رحمت مورد توجه قرار گیرد. مناهی آن تضمین کننده حتمی سعادت از طریق اطاعت است. از آنجایی که احکام در مسیح مورد قبول واقع شده است بدینسان شخصیت را پالایش نموده که بموجب آن بواسطه آن روح ازلی باعث حظ و خوشی ما میگردد. برای شخص مطیع، شریعت مانند دیوار محافظ می‌باشد.» - الن جی. وایت، پیامهای منتخب از کتاب اول صفحه ۲۳۵.

Ellen G. White, Selected Messages, book 1, p. 235

سوالاتی برای بحث

۱. ما اغلب با این سؤال که چگونه در زندگی می‌توانیم بر گناه غلبه کنیم، دست و پنجه نرم می‌کنیم. در کتاب مقدس چه وعده‌هایی درباره پیروزی بر گناه داریم؟ چگونه می‌توانیم خود را در موقعیت بهتری قرار دهیم تا این وعده‌ها به واقعیت مبدل شود؟ در عین حال، چرا باید اطمینان حاصل کنیم تا امید خود را بطور کامل بر رستگاری متمرکز کنیم تا اینکه بر پیروزیهای خود ببالیم بلکه بر پیروزی مسیح برای خود تکیه کنیم؟

۲. ما اغلب می‌شنویم که مسیحیان مدعی می‌شوند که شریعت از میان برداشته شده است. مطمئناً همین مسیحیان بر علیه گناه سخن خواهند گفت، که به طور حتم به معنی این است که آنها واقعاً باور ندارند که شریعت از بین رفته است. در واقع آنها منظورشان از این ادعا چیست؟ (راهنمایی: این ادعا معمولاً در زمینه کدام فرمان بروز می‌کند؟)

خلاصه: احکام بدین منظور عطا گردید تا گناهکاران نیاز خود به مسیح را درک کنند. احکام و شریعت به عنوان یک نگهبان، دستورالعمل‌هایی درباره خدا و محافظت در برابر شرارت ارائه می‌کند. اما مانند یک نظم دهنده، همچنین گناهکاری را مشخص می‌سازد و محکومیت را به همراه دارد. مسیح ما را از محکومیت شریعت آزاد می‌کند و شریعت خود را بر قلب‌های ما می‌نویسد.

از بردگی تا میراث داری



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۳ آیه ۲۶ تا باب ۴ آیه ۲۰؛ رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۱؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ تا ۱۸، باب ۴ آیات ۱۴ و ۱۵؛ رومیان باب ۹ آیات ۴ و ۵.

آیه حفظی: «لہذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیله مسیح» (غلاطیان باب ۴ آیه ۷).

پولس به غلاطیان می‌گوید که آن‌ها نباید مانند بردگان زندگی و رفتار نمایند، بلکه به عنوان دختران و پسران خدا با تمام حقوق و امتیازاتی که برایشان وجود دارد، رفتار کنند - حقیقتی که مارتین لوتر جوان باید می‌شنید. از آنجایی که آگاهی‌اش از گناه عمیق‌تر می‌شد، مرد جوان بدنبال کار خود برای بدست آوردن بخشش و آرامش بود. او زندگی بسیار سخت و طاقت فرسایی را در پیش گرفت، با روزه، دعای شبانه و ریاضت کشی سعی در رام نمودن شرارت‌های ذاتی خود را داشت که بموجب آن شیوه زندگی رهبانی هیچ تسکینی به همراه نداشت. او از هر گونه از خود گذشتگی بمنظور حصول خلوص قلب که او را قادر می‌ساخت تا به تأیید نظر خدا برسد، کوتاهی نکرد. او بعدها گفت که راهبی مؤمن بود که از قوانین خود پیروی نمود اما هیچ آرامشی در آن‌ها نیافت. او گفت: «اگر این امکان وجود داشت که یک راهب زاهد با رهبانیت و ریاضت کشی خود به ملکوت اعلی دست یابد، آنگاه مطمئناً باید شایستگی این موهبت نصیب من میشد.» با این حال، این روش سودی برای او حاصل نکرد. تنها وقتی او بعدها شروع به درک حقیقت در باره رستگاری بواسطه مسیح نمود، همانطور که در غلاطیان آشکار شده است، شروع به کسب آزادی و امید روحانی برای خود نمود. در نتیجه، جهان ما با پژوهشهای او تغییر کرد و دیگر مانند گذشته نخواهد بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۹ اوت آماده شوید.

وضعیت ما در مسیح (غلاطیان باب ۳ آیات ۲۶ تا ۲۹)

با داشتن غلاطیان باب ۳ آیه ۲۵ در ذهن، غلاطیان باب ۳ آیه ۲۶ را بخوانید. این آیه چگونه به ما در درک ارتباطمان با شریعت، حال که توسط عیسی نجات یافته‌ایم، کمک می‌کند؟

واژه زیرا در ابتدای آیه ۲۶ نشان می‌دهد که پولس رابطه‌ای مستقیم میان این آیه و آیه پس از می‌بیند. به همان صورتی که پسر یک ارباب تا زمانی که صغیر بود، تحت نظارت یک آموزگار بود، پولس می‌گوید که کسانی که ایمان به مسیح را بپذیرند دیگر صغیر نیستند؛ رابطه آن‌ها با شریعت تغییر کرده است زیرا آن‌ها اکنون «پسران» بالغ خدا می‌باشند. عبارت پسر مطمئناً تنها مربوط به ذکور نمی‌شود؛ پولس به وضوح اناث را نیز در این دسته قرار می‌دهد (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۸). دلیلی که او از واژه پسران به جای فرزندان استفاده می‌کند این است که او ارث خانواده را در ذهن دارد که به زادگان مذكر می‌رسید به همراه این واقعیت که عبارت «پسران خدا» انتصاب ویژه اسرائیل در عهد قدیم بود (تثنیه باب ۱۴ آیه ۱، هوشع باب ۱۱ آیه ۱). غیریهودیان نیز اکنون در مسیح، از رابطه خاص با خدا که تنها منحصر به بنی اسرائیل بود، بهره می‌برند.

چه چیزی در مورد تعمید وجود دارد که آن را به رویدادی بسیار مهم تبدیل می‌کند؟ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۷ و ۲۸؛ رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۱؛ اول پطرس باب ۳ آیه ۲۱.

پولس با استفاده از واژه زیرا در آیه ۲۷ بار دیگر نشان می‌دهد که چقدر در برهان منطق استقرایی و گام به گام دقت نظر دارد. پولس تعمید را به عنوان یک تصمیم بسیار مهم برای متحد ساختن زندگی‌مان با مسیح می‌بیند. او در باب ۶ کتاب رومیان، تعمید را به صورت نمادین به عنوان متحد شدن ما با عیسی، هم در مرگ و هم در رستاخیز وی، توصیف می‌کند. پولس در غلاطیان استعارة دیگری را بکار می‌برد: تعمید عمل در بر گرفتن یا پوشیدن ردای مسیح می‌باشد. اصطلاح پولس یادآور آیات فوق‌العاده عهد قدیم هستند که از پوشیده شدن با عدالت و نجات صحبت می‌کنند (اشعیا باب ۶۱ آیه ۱۰، ایوب باب ۲۹ آیه ۱۴ را ببینید). «پولس تعمید را به عنوان لحظه‌ای می‌بیند که مسیح

مانند جامه‌ای، ایماندار را می‌پوشاند. اگرچه پولس از آن واژه استفاده نمی‌کند، اما او عدالتی را توصیف میکند که به ایمانداران اعطا شده است. « - فرانک جی. ماترا، نگارشی در باب غلاطیان طبق مرجع زیر.

Frank J. Matera, Galatians (Collegeville, Minn.: The Liturgical Press, 1992), p. 145

تعمید مظهر اتحاد ما با مسیح است بدین معنی که آنچه در باره مسیح صادق است در خصوص ما نیز صدق میکند. از آنجایی که مسیح از «ذریه و نسل» ابراهیم است، ایمانداران به عنوان «شریک ارث با مسیح» هستند (رومیان باب ۸ آیه ۱۷) ایمانداران همچنین همه وعده‌های عهد را که به ابراهیم و نسل او داده شد به ارث خواهند برد.

درباره اندیشه ای که میگوید هر آنچه برای عیسی صادق است برای ما نیز صدق میکند، بیشتر تأمل نمایید. این حقیقت شگفت‌انگیز، چگونه باید تمام جنبه‌های وجود ما را تحت تأثیر قرار دهد؟

۱۴ اوت

دوشنبه

بنده اصول ابتدایی بودن

با مقایسه ای که در باره رابطه ما با خدا و فرزندان و میراث داران شد حال پولس با گنجاندن موضوع وراثت در غلاطیان ۴: ۱-۳ به شرح و تفصیل این استعاره می‌پردازد. اصطلاحات پولس وضعیتی را تداعی می‌کند که بموجب آن صاحب یک ملک بزرگ فوت کرده و تمام دارایی خود را برای پسر ارشد خود به جا گذاشته است. اگرچه پسر او صغیر است. همانطور که این وضعیت اغلب برای وصیت‌نامه‌های امروزی نیز وجود دارد، وصیت پدر تصریح می‌کند که پسرش باید تحت نظارت قیم‌ها و مدیران باشد تا به بلوغ برسد. اگر چه او از عنوان صاحب ملک پدرش برخوردار می‌باشد ولی به عنوان یک فرد صغیر، عمل‌آمی بیش از یک برده می‌باشد.

قیاس پولس شبیه به مُرشد یا لَیله در غلاطیان باب ۳ آیه ۲۴ است، اما در این مورد، قدرت مباشرین و مدیران به مراتب برتر و مهم‌تر می‌باشد. آن‌ها نه تنها مسئول تربیت پسر ارباب هستند، بلکه مسئول تمام فعالیت‌های مالی و اداری نیز هستند تا زمانی که پسر به اندازه کافی بزرگ شود که بتواند وظایف خود را انجام بدهد.

غلاطیان باب ۴ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. با توجه به گفته پولس، شریعت یا احکام در زندگی‌های ما، حال که در مسیح هستیم چه نقش کمکی ایفا میکند؟

دقیقا آنچه پولس از عبارت «اصول ابتدایی» در (غلاطیان باب ۴ آیات ۳ و ۸) در ذهن دارد، مورد بحث میباشد. واژه یونانی stoicheia بطور تحت اللفظی به معنای «عناصر» می باشد. برخی از آن به عنوان توصیفی از عناصر اصلی که جهان را تشکیل می دهند، یاد کرده اند (دوم پطرس باب ۳ آیات ۱۰ و ۱۲)؛ یا به عنوان قدرت های شیطانی که این عنصر شرارت را کنترل می کنند (کولسیان باب ۲ آیه ۱۵)؛ یا اصول ابتدایی زندگی مذهبی، القبای مذهب (عبرانیان باب ۵ آیه ۱۲). تأکید پولس بر وضعیت بشر به عنوان «صغیر» قبل از آمدن مسیح (غلاطیان باب ۴ آیات ۱ تا ۳) نشان می دهد که او در اینجا اشاره به اصول ابتدایی زندگی مذهبی دارد. اگر چنین است، پولس می گوید که دوران عهد قدیم با احکام و قربانی هایش، صرفاً انجیلی آغازین بود که اصول نجات را تعیین نمود. بنابراین، با وجود اهمیت و آموزشی بودن احکام تشریفاتی برای بنی اسرائیل، آن ها تنها سپیده ای بود که حاکمی از طلوع خورشید بود. آن سپیده ها هرگز قرار نبود جای مسیح که خورشید عدالت است را بگیرند.

تنظیم نمودن زندگی بر پایه این قوانین به جای مسیح مانند میل باز گشتن به گذشته می باشد. برای غلاطیان بازگشت به آن اصول اولیه پس از اینکه مسیح آمده بود، مانند پسر بالغ در مقایسه پولس بود که می خواست بار دیگر به دوران صغیری خود بازگردد!

در حالی که ایمان ساده و بی آلایش می تواند مثبت باشد (متی باب ۱۸ آیه ۳)، آیا به میزان بلوغ روحانی اهمیت دارد؟ یا می توانید چنین استدلال نمایید که هر چه بیشتر از نظر روحانی رشد می کنید، ایماننان از سادگی بیشتری برخوردار خواهد بود؟ ایمان شما تا چه میزان ساده، «بی ریا و پاک نهاد» و قابل اعتماد می باشد؟

۱۵ اوت

سه شنبه

«خدا پسر خود را فرستاد» (غلاطیان باب ۴ آیه ۴)

«لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد» (غلاطیان باب ۴ آیه ۴).

انتخاب واژه کمال توسط پولس، نقش فعال خدا در به انجام رساندن هدفش در تاریخ بشر را نشان می دهد. عیسی در زمانی بطور اتفاقی نیامد؛ او در زمان دقیقی که به عنوان صلح رومیان (Pax Romana) شناخته می شود، آمد، دوره ای دویست ساله از ثبات و آرامش نسبی در سرتاسر امپراتوری روم. فتح منطقه مدیترانه صلح به ارمغان آورد، زبانی مشترک، راه های مطلوب برای سفر و فرهنگ مشترکی که انتشار سریع انجیل را آسان

می‌نمود. از دیدگاه و منظر کتاب مقدّسی، همچنین زمانی است که خدا برای آمدن مسیح موعود در نظر داشت (دانیال باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷ را ببینید).

چرا مسیح باید برای نجات ما شکل انسانی به خود می‌گرفت؟ یوحنا باب ۱ آیه ۱۴؛ غلاطیان باب ۴ آیات ۴ و ۵؛ رومیان باب ۸ آیات ۳ و ۴؛ دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۲۱؛ فیلیپیان باب ۲ آیات ۵ تا ۸؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ تا ۱۸، باب ۴ آیات ۱۴ و ۱۵.

آیات ۴ و ۵ باب ۴ غلاطیان شامل یکی از مختصرترین روایات انجیل در کتاب مقدّس می‌باشد. آمدن عیسی به تاریخ بشریت اتفاقی نبود. «خدا پسر خود را فرستاد.» به عبارت دیگر، خدا در نجات ما پیشقدم شد.

در این آیات همچنین به باور اساسی مسیحی در الوهیت ابدی مسیح، اشاره شده است (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳ و ۱۸؛ فیلیپیان باب ۲ آیات ۵ تا ۹؛ کولسیان باب ۱ آیات ۱۵ تا ۱۷). خدا یک پیک آسمانی را نفرستاد. او خود آمد.

اگر چه او فرزند ازلی خدا بود با اینحال عیسی از طریق یک زن مولود گشت. با وجود اینکه تولد از یک باکره در این جمله آمده است، اما بطور ویژه انسانیت حقیقی او را تأیید می‌کند.

عبارت «متولد شده تحت شریعت» نه تنها به اصل یهودی عیسی اشاره دارد، بلکه همچنین شامل این حقیقت می‌شود که محکومیت ما را به دوش می‌کشد و مولود گردیده بود بخاطر اینکه برای گناهان ما بمیرد.

برای مسیح لازم بود که انسانیت ما را در بر گیرد زیرا ما نمی‌توانستیم خود را نجات بدهیم. مسیح با متحد کردن طبیعت الهی خود با طبیعت بشری سقوط کرده ما، از نظر قانونی واجد شرایط شد تا جایگزین، نجات دهنده و کاهن اعظم ما بشود. او به عنوان دومین آدم، آمد تا همه آنچه را که آدم نخستین بدلیل نافرمانی‌اش از دست داد، باز پس گیرد (رومیان باب ۵ آیات ۱۲ تا ۲۱). او با فرمانبرداری‌اش، کاملاً خواسته‌های شریعت را به جا آورد و از این رو، سقوط غم‌انگیز آدم را جبران نمود. و با مرگش بر روی صلیب، حکم شریعت بر او اجرا شد، که مستلزم مرگ گناهکار بود و بدین سبب محق گردید تا تمامی کسانی را که با ایمان درست نزد او آمده و خود را تسلیم کنند بازخرید نموده و از چنگال مرگ ابدی رهایی بخشد.

۱۶ اوت

چهارشنبه

امتیاز فرزند خواندگی (غلاطیان باب ۴ آیات ۵ تا ۷)

پولس در غلاطیان باب ۴ آیات ۵ تا ۷، موضوع را بسط می‌دهد و تأکید می‌کند که مسیح اینک، «آنانی را که زیر شریعت باشند فدیہ کرد» (آیات ۴ و ۵). واژه فدیہ کردن به معنی «باز خریدن» می‌باشد. به قیمتی اشاره دارد که برای خریدن آزادی یک اسیر یا برده پرداخت می‌شد. همانطور که این مضمون اشاره میکند، نجات و رهایی حاکی از یک پیشینه حزن آلود و غم افزاست: فردی نیازمند آزاد شدن است.

ولی از چه چیزی نیاز داریم تا آزاد بشویم؟ عهد جدید چهار مورد را در میان موارد دیگر ارائه می‌دهد: (۱) آزادی از اهریمن و نیرنگهایش (عبرانیان باب ۲ آیا ۱۴ و ۱۵)، (۲) آزادی از مرگ (اول قرنطیان باب ۱۵ آیات ۵۶ و ۵۷)، (۳) آزادی از نیروی گناه که طبیعتاً ما را به اسارت در می‌آورد (رومیان باب ۶ آیه ۲۲) و (۴) آزادی از محکومیت شریعت (رومیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۴، غلاطیان باب ۳ آیه ۱۳، باب ۴ آیه ۵).

مسیح از طریق نجاتی که در او داریم، چه هدف مثبتی را برای ما کسب نموده است؟ غلاطیان باب ۴ آیات ۵ تا ۷؛ افسسیان باب ۱ آیه ۵؛ رومیان باب ۸ آیات ۱۵، ۱۶ و ۲۳، باب ۹ آیات ۴ و ۵.

ما اغلب از آنچه مسیح برای ما انجام داده است با عنوان «نجات» نام می‌بریم. اگرچه این واژه درست است، اما به اندازه واژه منحصر بفرد استفاده شده توسط پولس، فرزندخواندگی (huiothesia)، پویا و توصیفی نمی‌باشد. اگرچه پولس تنها نویسنده عهد جدید است که از این واژه استفاده می‌کند لیکن فرزند خواندگی یک روند قانونی در جهان یونانی-رومی تلقی می‌شد. چندین امپراتور روم در زمان زندگی پولس از فرزندخواندگی برای انتخاب جانشین خود استفاده میکردند خصوصاً وقتی که هیچ وارث قانونی نداشتند. فرزندخواندگی چندین امتیاز را تضمین می نمود: «(۱) پسرخوانده، پسر واقعی تلقی میشد... (۲) پدرخوانده توافق می‌کند که فرزند را به درستی تربیت نماید و نیازهای خوراکی و پوشاکی وی را تأمین کند. (۳) پدرخوانده نمی‌تواند پسرخوانده خود را انکار نماید. (۴) فرزند نمی‌تواند به سطح یک برده تنزل یابد. (۵) والدین حقیقی فرزند هیچ حقی برای باز پس گرفتن وی نخواهند داشت. (۶) فرزندخواندگی حق به ارث بردن را شامل می‌شود.» دِرک آر. مور، برگرفته شده از مرجع زیر.

Derek R. Moore-Crispin, »Galatians 4:1-9: The Use and Abuse of Parallels,«
The Evangelical Quarterly, vol. LXI/No. 3 (1989), p. 216

اگر این حقوق در سطح دنیوی تضمین شده‌اند، تصور کنید امتیازاتی که ما از فرزندخوانده خدا بودن داریم، تا چه میزان بزرگتر هستند.

با خواندن غلاطیان باب ۴ آیه ۶، متوجه می‌شویم که واژه عبری Abba واژه‌ای خودمانی بود که فرزندان برای خطاب به پدرشان استفاده می‌کردند، مانند واژه امروزی بابا. عیسی در دعا از این واژه استفاده نمود (مرقس باب ۱۴ آیه ۳۶) و ما نیز به عنوان فرزندان خدا، حق «ابا» خواندن خدا را داریم. آیا شما از چنین صمیمیتی با خدا در زندگیتان لذت می‌برید؟ اگر خیر، مشکل چیست؟ برای بوجود آوردن این صمیمیت چه چیزی را می‌توانید تغییر بدهید؟

پنجشنبه

۱۷ اوت

چرا بازگشتن به بردگی؟ (غلاطیان باب ۴ آیات ۸ تا ۲۰)

غلاطیان باب ۴ آیات ۸ تا ۲۰ را بخوانید. آنچه پولس در آنجا می‌گوید را در زیر خلاصه‌وار بنویسید. او تعالیم دروغین در میان غلاطیان را تا چه حد جدی می‌داند؟

پولس ماهیت دقیق شیوه‌های مذهبی غلاطیان را توضیح نمی‌دهد، اما مطمئناً نظام نادرست عبادت که باعث اسارت روحانی شد را در ذهن دارد. در واقع، او آن را بسیار خطرناک و مخرب تلقی نمود که چنین نامه‌پر شوری می‌نویسد، و به غلاطیان هشدار می‌دهد که آنچه انجام می‌دادند همانند روی برگرداندن از پسرخواندگی به بردگی بود.

اگر چه پولس به جزئیات نپرداخت، می‌گوید که غلاطیان چه کاری انجام می‌دادند که بسیار قابل اعتراض می‌دید؟ غلاطیان باب ۴ آیات ۹ تا ۱۱.

بسیاری اشاره پولس به «روزها و ماهها و فصل‌ها و سالها» (غلاطیان باب ۴ آیه ۱۰) را به عنوان اعتراض نه تنها به احکام تشریفاتی بلکه به روز سبت نیز تعبیر کرده‌اند. اگرچه چنین تعبیری فراتر از شواهد می‌رود. برای شروع، اگر پولس واقعاً می‌خواست روز سبت و سایر شیوه‌های خاص یهودی را جدا سازد. روشن است که می‌توانست به راحتی آن‌ها را با نام تشخیص بدهد. دوم، پولس به وضوح می‌گوید که کاری که غلاطیان انجام می‌دهند باعث شده است که آن‌ها از آزادی در مسیح به اسارت بروند. «اگر نگه داشتن روز هفتم، سبت، انسان را در معرض اسارت قرار می‌دهد، پس خالق وقتی نخستین سبت

جهان را نگه داشت، باید وارد اسارت شده باشد!» کتاب مقدس تفسیری ادونتیه‌های روز هفتم جلد ششم صفحه ۹۶۷.

The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 967

همچنین، چرا عیسی علاوه بر نگه داشتن روز سبت، به دیگران نیز چگونگی نگه داشتن آن را آموخت، اگر رعایت کنندگان سبت بطور مقتضی به گونه‌ای مردم را از آزادی که در او داشتند، محروم می‌کرد؟ (مرقس باب ۲ آیات ۲۷ و ۲۸، لوقا باب ۱۳ آیات ۱۰ تا ۱۶ را ببینید).

آیا در مکتب ادونتیه‌های روز هفتم، شیوه‌ای وجود دارد که آزادی را که در مسیح داریم از بین ببرد؟ یا در عوض خود شیوه‌ها و مهارت‌ها دارای اشکال باشند، نگرش ما نسبت به آن شیوه‌ها چطور؟ یک نگرش نادرست چگونه می‌تواند ما را به نوعی اسارت که پولس به غلاطیان در مورد آن به شدت هشدار داد، سوق دهد؟

۱۹ مه

جمعه

تفکری فراتر: «در همایش ملکوت، چنین مقرر شد که بشر اگرچه متجاوز بود، نباید در نافرمانی نابود بشود، بلکه از طریق ایمان به مسیح به عنوان جایگزین و شفاعت، توسط خدا مقرر شود که به عنوان فرزندان عیسی مسیح به حسب اراده مقبول وی به فرزندخواندگی پذیرفته شوند. خداوند چنین اراده نموده است که همه انسان‌ها نجات یابند؛ زیرا تدارکات فراوانی دیده شده است، که با فدیة تنها پسرش، بهای گناه بشر پرداخت بشود. کسانی که هلاک خواهند شد، به این دلیل خواهد بود که از اینکه از طریق عیسی مسیح توسط خدا به فرزند پذیرفته شوند، سر باز می‌زنند. غرور انسان مانع این می‌شود که او شروط نجات را بپذیرد. اما بشر شایستگی ندارد تا نزد خدا پذیرفته و مقبول گردد. آنچه که انسان را نزد خدا مقبول و پسندیده میکند، اعطای فیض مسیح بواسطه ایمان به نام اوست. اعمال و کردار ما هیچ گونه باعث دلگرمی نمیشود که شایسته ملکوت گردیم و نه احساس وجد و نشئه روحانی شاهی خواهد بود که انسان‌ها برگزیده خدا هستند چرا که برگزیدگان بواسطه مسیح برگزیده شده‌اند.» - الن جی. وایت، برگزیده شده در مسیح از مجله نشانه‌های زمان بتاريخ دوم ژانویه ۱۸۹۳.

Ellen G. White, »Chosen in Christ,« Signs of the Times, January 2, 1893

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد اینکه در مسیرمان با خداوند، مانند فرزندان او باشیم، بیشتر تأمل کنید. کدام یک از جنبه‌های فرزند بودن را باید در مورد ایمانمان و رابطه‌مان با خدا تقلید کنیم؟ در عین حال، چه راههایی وجود دارد که بواسطه آن این ایده را تعمیم بدهیم؟ در این باره بحث کنید.
۲. در کلاس، سؤال آخر مطالعه روز پنجشنبه را بار دیگر مطرح کنید. ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم، چگونه ممکن است در آن نوع از اسارت که به طور مطلوب از آن آزاد شدیم، گرفتار شویم؟ چگونه می‌تواند چنین چیزی برایمان اتفاق بیافتد و چگونه می‌توانیم بدانیم چنین شده است و چگونه می‌توانیم آزاد بشویم؟

خلاصه: ما در مسیح در خانواده خدا به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌ایم. به عنوان فرزندان خدا، ما به تمام حقوق و امتیازاتی چنین رابطه خانوادگی دسترسی داریم. مرتبط بودن با خدا تنها بر پایه قوانین و احکام احمقانه خواهد بود. مانند پسری خواهد بود که از خواستگاری موقعیت و میراثش سر باز زند تا یک برده شود.

استدعا و فراخوان روحانی پولس



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۴ آیات ۱۲ تا ۲۰؛ اول قرنتیان باب ۱۱ آیه ۱؛ فیلیپیان باب ۳ آیه ۱۷؛ اول قرنتیان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۳؛ دوم قرنتیان باب ۴ آیات ۷ تا ۱۲.

آیه حفظی: «ای برادران، از شما استدعا دارم که مثل من بشوید، چنانکه من هم مثل شما شده‌ام. به من هیچ ظلم نکردید» (غلاطیان باب ۴ آیه ۱۲).

همانطور که تا کنون دیده‌ایم، پولس بطور تلویحی برای غلاطیان قلم نمی‌زند و رُک سخن می‌گوید. اگرچه در واقع زبان تند وی انعکاس دهنده شور و علاقه قلبی بخاطر سلامت روحانی کلیسایی بود که خود بر پا نموده بود. در کنار مسائل وابسته به علوم الهی بسیار مهمی که پولس با آن‌ها سر و کار داشت، نامه به غلاطیان در مفهومی گسترده نیز، نشان می‌دهد که اصول تعالیم صحیح تا چه میزان مهم می‌باشد. اگر باورهای ما از اهمیت چندانی برخوردار نبودند، اگر اصلاحات تعلیمی اصلاً چنان مهم نبود، پس چرا پولس می‌بایست تا آن حد در نامه‌اش پر حرارت و قاطع باشد؟ مطمئناً حقیقت این است که آنچه باور داریم و آنچه عمل می‌کنیم، بویژه در مسئله جامع انجیل بسیار مهم است. در غلاطیان باب ۴ آیات ۱۲ تا ۲۰، پولس به سخنانش ادامه می‌دهد، اگرچه، رویکرد خود را اندکی تغییر می‌دهد. پولس برای متقاعد ساختن غلاطیان نسبت به اشتباهاتشان، استدلال‌های دقیق و الهیاتی پیچیده ای ارائه می‌دهد، و اکنون درخواست او هم شخصی و هم تقاضایی است که یک شبان و مرشد از کلیسا بعمل می‌آورد. بر خلاف معلمان دروغین که هیچ علائق حقیقی به غلاطیان نداشتند، پولس نگرانی، امید و محبت واقعی یک شبان خوب را برای گُلّه متمرشدش ارائه می‌دهد. او فقط الهیات را اصلاح نمی‌کرد؛ او در پی خدمت به کسانی بود که آنان دوست می‌داشت.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۶ اوت آماده شوید.

قلب پولس

غلاطیان باب ۴ آیات ۱۲ تا ۲۰ را بخوانید. حقیقت پیام پولس در این آیات چیست؟

نشانه اولیه از نگرانی که بر قلب پولس سنگینی می‌کند، تقاضای شخصی او در آیه ۱۲ می‌باشد. این درخواست بلافاصله پس از اصرار پولس بر اینکه غلاطیان «مانند او بشوند» ادامه می‌یابد. متأسفانه برجستگی و اهمیت واژه لابه یا التماس در برخی از ترجمه‌ها منتقل نشده است. واژه یونانی آن *deomai* می‌باشد. اگر چه می‌توان آن را به صورت «ابرام و اصرار» یا «لابه و التماس» ترجمه کرد، اما واژه یونانی آن حسی قوی‌تر از عجز و نومیدی به همراه دارد که به آن مرتبط است (دوم قرن‌تایان باب ۵ آیه ۲۰، باب ۸ آیه ۴ و باب ۱۰ آیه ۲ را ببینید). پولس در واقع می‌گوید، «من به شما التماس می‌کنم!»

نگرانی پولس در واقع در مورد فرضیه های الهیاتی و نقطه نظرات اصول تعالیم نبود. قلب او با زندگی کسانی که از طریق خدمت او نزد مسیح آمده بودند، پیوند داشت. او خود را بیش از یک دوست می‌دید؛ او پدر روحانی ایشان بود و آن‌ها فرزندان وی بودند. اما حتی بیش از آن، پولس نگرانی‌های خود برای غلاطیان را به نگرانی و اضطرابی که یک مادر در هنگام زایمان دارد، تشبیه می‌کند (غلاطیان باب ۴ آیه ۱۹). پولس در زمان برپایی کلیسا فکر می‌کرد «کار» قبلی او برای «نجات» آن‌ها کافی بود. اما اکنون که جماعت کلیسای غلاطیه از حقیقت منحرف شده بودند، پولس آن دردهای زایمان را بار دیگر برای اطمینان از نیک بختی آن‌ها تجربه می‌کرد.

پولس برای غلاطیان چه هدفی در ذهن داشت؟ او انتظار داشت که از تمام زحماتش به جای ایشان، چه نتیجه‌ای بگیرد؟ غلاطیان باب ۴ آیه ۱۹.

پولس که در ابتدا غلاطیان را به این صورت که در رحم مادر شکل گرفته بودند، توصیف نمود، اکنون از آن‌ها گویی که خود مادرانی باردار هستند، سخن می‌گوید. واژه ترجمه شده به صورت «شکل گیری» ترجمه شده است، از نظر پزشکی برای اشاره به رشد جنین استفاده می‌شد. پولس از طریق این استعاره، مفهوم از مسیحی بودن را هم از نظر فردی و هم از نظر جمعی توصیف می‌کند. پیرو مسیح بودن چیزی بیش از اقرار به ایمان می‌باشد که شامل یک دگرگونی بنیادی برای شبیه شدن به مسیح است. پولس «در پی چند تغییر جزئی در غلاطیان نبود، بلکه بدنال تحولی بود که وقتی آنها را میبیند

گوئی که مسیح را دیده است.» - لئون موریس، نگارشی در باب غلاطیان که از مرجع زیر اقتباس شده است.

Leon Morris, Galatians (Downers Grove, Ill.: InterVarsity Press, 1996), p. 142

شما به چه روش‌هایی شخصیت مسیح را آشکار شده در زندگیتان دیده‌اید؟ در چه زمینه‌هایی همچنان به رشد زیادی نیاز دارید؟

دوشنبه

۲۱ اوت

چالش در پیش رو

اول قرن‌تین باب ۱۱ آیه ۱؛ فیلیپیان باب ۳ آیه ۱۷؛ دوم تسالونیکیان باب ۳ آیات ۷ تا ۹ و اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۲۸ و ۲۹ را بخوانید. پولس در آن‌جا چه چیزی می‌گوید که در غلاطیان باب ۴ آیه ۱۲ منعکس شده است؟ ما باید چگونه منظور او را متوجه بشویم؟

پولس چندین بار در نامه‌هایش، مسیحیان را به تقلید از رفتار خود تشویق می‌کند. پولس در هر موقعیتی، خود را به عنوان الگوی معتبر که ایمانداران باید از آن پیروی کنند، ارائه می‌دهد. در دوم تسالونیکیان باب ۳ آیات ۷ تا ۹، پولس خود را به عنوان یک نمونه از آنگونه که ایمانداران اهل تسالونیک می‌بایست کار کنند تا مخارج زندگی خود را بدست آورند و بارشان بر دوش دیگران نباشند، عرضه می‌دارد. پولس در اول قرن‌تین باب ۱۱ آیه ۱، اهالی کلیسای قرنتس را فرا می‌خواند که در اولویت قرار دادن رفاه دیگران را از او تقلید کنند. نگرانی پولس در مورد غلاطیان تا حدودی متفاوت به نظر می‌رسد.

در غلاطیان باب ۴ آیه ۱۲، پولس از غلاطیان نمی‌خواهد از وی تقلید کنند؛ در عوض، او درخواست می‌کند که آن‌ها همانگونه که او هست، «باشوند» - او درباره تبدیل شدن سخن می‌گوید و نه تقلید کردن. چرا؟ مشکل در غلاطیه مانند کلیسای قرنتس، رفتاری غیر اخلاقی یا نحوه زندگی کفرآمیز نبود. مشکل در غلاطیه ریشه در اساس مسیحیت داشت. بیشتر در مورد «بودن» بود تا «تقلید و رفتار». پولس نمی‌گفت که مانند من رفتار کنید، بلکه آنگونه که من هستم، باشید. اصطلاح دقیق در غلاطیان باب ۴ آیه ۱۲ در درخواست پولس از هیرودیس اغریپاس دوم در اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۹ پدیدار می‌شود، جایی که او می‌نویسد، «دیر یا زود از خدا می‌خواهم که نه فقط شما بلکه تمام کسانی که در اینجا حاضرند مانند من مسیحی بشوند اما نه مسیحی زندانی!» (تأکید واقع شده). به عبارت دیگر، پولس به تجربه خود به عنوان یک فرد مسیحی اشاره می‌کند، پایه و

اساسی که تنها بر مسیح استوار است، ایمانی که فقط به آنچه مسیح برای ما انجام داده است و نه اعمال شریعت اعتماد دارد. غلاطیان به جای هویتشان در مسیح، برای رفتار یا کردارشان ارزش بیشتری قائل بودند.

اگرچه پولس به طور خاص نمی گوید که می خواهد غلاطیان چگونه مانند وی بشوند، در شرایط محیطی آن موقعیت در غلطیه نشان می دهد که این یک بیان کلی نبود که تمام جنبه ها و جزئیات زندگی اش را پوشش دهد. از آنجایی که نگرانی پولس از (مركز شریعت بر دین) در کلیسای غلطیه بود، مع الوصف بطور حتم پولس محبت، خوشی، آزادی و اطمینان از نجات شگفت انگیزی را که در عیسی مسیح یافته بود در خاطر داشت. در پرتو فضیلت شناخت خداوند عیسی مسیح، پولس آموخته بود که هر چیز دیگری را بی ارزش تلقی کند (فیلیپیان باب ۳ آیات ۵ تا ۹) - و مشتاق بود که غلاطیان نیز چنین چیزی را تجربه کنند.

آیا (غیر از عیسی) کسی را می شناسید که الگوی خوبی برای شما باشد؟ اگر چنین است، صفتهای آن فرد چه هستند که شما آن ها را بسیار مثال زدنی می یابید و شما چگونه می توانید آن صفات را به شکل بهتر در زندگی تان نمایان سازید؟

۲۲ اوت

سه شنبه

من همانند شما شده ام

اول قرنطیان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۳ را بخوانید. پولس در این آیات چه چیزی می گوید که می تواند به درک بهتر ما از منظورش در قسمت بعدی غلاطیان باب ۴ آیه ۱۲، کمک کند؟ (اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۱۶ تا ۳۴، اول قرنطیان باب ۸ آیات ۸ تا ۱۳ و غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴ را نیز ببینید.)

غلاطیان باب ۴ آیه ۱۲ ممکن است کمی گیج کننده به نظر برسد. چرا غلاطیان باید مانند پولس بشوند، اگر او پیش از آن شبیه به ایشان شده بود؟ همانطور که در مطالعه دیروز دیدیم، پولس می خواست که آن ها در ایمان و اطمینان کاملش در مسیح برای نجات مانند او بشوند. نظر او درباره آن ها مانند آن ها شدن، یادآوری از این نکته بود که او با وجود یهودی بودن، به یک غیر یهودی «بدون شریعت» تبدیل شده بود تا بتواند در میان غیر یهودیان انجیل را بشارت بدهد. در واقع، بر طبق اول قرنطیان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۳، اگرچه انجیل یکسان ماند، اما روش پولس با توجه به مردمی که بشارت می داد، تغییر می کرد.

«پولس پیشگام آنچیزی است که امروزه از آن بعنوان «انطباق مفاهیم با شرایط زمانی و محیطی» یا «تطبیق یا به روز کردن بافت اجتماعی قدیم با جدید» یاد میکنیم. یعنی ضرورت ارائه انجیل به سبک و سیاقی که مجموعه مفاهیم شرایط محیطی مردم را با کسانی که مورد خطاب قرار گرفته اند در ارتباط بگذارد- تیموتی جورج، در باب غلاطیان که از مرجع زیر اقتباس شده است.

Timothy George, The New American Commentary: Galatians (Nashville, Tenn.:Broadman & Holman Publishers, 1994), p. 321

نظریات شخصی پولس در اول قرن‌تین باب ۹ آیه ۲۱ نشان می‌دهد که او باور داشت که محدودیت‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه فرد تا چه حد میتواند در به روز کردن یا تطبیق دادن انجیل با شرایط جدید به پیش برود. برای مثال، او اشاره می‌کند که اگر چه افراد آزاد هستند که روشهای گوناگونی را برای بشارت دادن به یهودیان و غیر یهودیان اتخاذ کنند ولی این آزادی شامل حق داشتن زندگی بدون احکام نمی‌گردد، زیرا مسیحیان تحت «شریعت و احکام مسیح» هستند.

اگرچه انطباق مفاهیم با شرایط زمانی و محیطی همیشه آسان نیست، «تا آنجایی که قادر باشیم تا قلب انجیل را از پيله فرهنگی آن جدا سازیم، به روز کردن و انطباق پیام مسیح بدون لطمه زدن به محتوا و مفاد اصلی آن، ما نیز باید از مقلدان پولس بشویم.» - تیموتی جورج، در باب غلاطیان که از مرجع زیر اقتباس شده است.

Timothy George, Galatians, pp. 321, 322

کوتاه آمدن از اصول و سازش کردن بسیار آسان است، اینطور نیست؟ گاهی وقتی کسی مدت بیشتری مسیحی است، این سازش آسان‌تر می‌شود. چرا اینگونه است؟ با صداقت به خود بنگرید. چه میزان سازش بی صدا وارد زندگی شما شده است و شما به چه روش‌هایی آن را توجیه کرده‌اید؟ چگونه می‌توانید در مواقع لزوم، شرایط را برعکس کنید؟

۲۳ اوت

چهارشنبه

آنزمان و ایام ما

رابطه پولس با ایمانداران غلاطیه همیشه به اندازه زمان کنونی دشوار و سرد نبوده است. در واقع، وقتی که پولس بر زمانی که برای بار اول انجیل را در غلاطیه موعظه کرد تاکید گذارد او با عباراتی درخشان و پر احساس گفت که آنها چقدر با او با خوشروئی رفتار کرده اند. بعد چه اتفاقی افتاد؟

چه اتفاقی به نظر می‌رسد که پولس را به موعظه انجیل در غلاطیه رهنمود کرده باشد؟ غلاطیان باب ۴ آیه ۱۳.

ظاهراً این قصد ابتدایی پولس نبوده است که انجیل را در غلاطیه موعظه کند. با این وجود در زمان سفرش به نوعی بیماری مبتلا شد که او را وادار نمود تا مدتی بیشتر از آنچه انتظارش را داشت در غلاطیه بماند و یا برای بهبودش به غلاطیه سفر کند. رمز و راز در ماهیت دقیق بیماری پولس بود. برخی گفته‌اند که به مالاریا دچار شده بود؛ بعضی دیگر (بر اساس اشاره پولس به تمایل غلاطیان به بیرون آوردن چشمانشان و دادن آن‌ها به وی) گفته‌اند که احتمالاً نوعی بیماری چشمی بوده است. بیماری او همچنین ممکن است به «خاری در بدن» که او در دوم قرن‌تین دوم باب ۱۲ آیات ۷ تا ۹ به آن اشاره می‌کند، ارتباط داشته است.

هر چه که پولس از آن رنج می‌کشید، او به ما می‌گوید که چنان ناخوشایند بود که به یک آزمایش برای غلاطیان تبدیل شد. در جهانی که بیماری اغلب نمادی از نارضایتی الهی بود (یوحنا باب ۹ آیات ۱ و ۲، لوقا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۴)، بیماری پولس می‌توانست به راحتی بهانه‌ای برای غلاطیان بوجود آورد که او و پیام وی را انکار نمایند. اما آن‌ها از صمیم قلب از پولس استقبال نمودند. چرا؟ زیرا قلب‌های ایشان از موعظه صلیب (غلاطیان باب ۳ آیه ۱) و اعتقاد به روح‌القدس گرم شده بود. آن‌ها اینک چه دلیل دیگری برای تغییر رویکردشان می‌توانستند ارائه کنند؟

دلیل خدا برای روا دانستن رنج کشیدن پولس چه می‌توانست باشد؟ پولس چگونه می‌توانست به دیگران خدمت کند، وقتی با مشکلات خود دست و پنجه نرم می‌کرد؟ رومیان باب ۸ آیه ۲۸؛ دوم قرن‌تین باب ۴ آیات ۷ تا ۱۲، باب ۱۲ آیات ۷ تا ۱۰.

بیماری پولس هر چه که بود، بدون شک جدی بود و می‌توانست به راحتی بهانه‌ای برای مقصر خواندن خدا برای مشکلاتش و یا دست کشیدن از موعظه انجیل به او بدهد. پولس هیچکدام از این دو کار را انجام نداد. او به جای اینکه اجازه دهد موقعیتش او را از پا در آورد، از آن به عنوان فرصتی برای تکیه بیشتر بر فیض خدا استفاده نمود. «خدا بارها از سختی‌های زندگی همچون بیماری، فقر، حتی بلایای طبیعی و مصیبت‌های غیرقابل توضیح - به عنوان فرصتی برای نشان دادن رحمت و فیض خود و وسیله‌ای برای پیشبرد انجیل استفاده کرده است.» - تیموتی جورج، در باب غلاطیان که از مرجع زیر استفاده شده است.

Timothy George, Galatians, pp. 323, 324

چگونه می‌توانید بیاموزید که سختی‌ها و رنج‌هایتان باعث می‌شوند بیشتر بر خداوند تکیه کنید؟ (چه گزینه‌های دیگری دارید؟)

۲۴ اوت

پنجشنبه

سخن گفتن از حقیقت

غلاطیان باب ۴ آیه ۱۶ را بخوانید. پولس به چه نکات قدرتمندی در اینجا اشاره می‌کند؟ به چه روش‌هایی ممکن است خود شما چیز مشابهی را تجربه کرده باشید؟ (یوحنا باب ۳ آیه ۱۹؛ متی باب ۲۶ آیات ۶۴ و ۶۵؛ ارمیا باب ۳۶ آیات ۱۷ تا ۲۳ را نیز ببینید.)

اصطلاح «حقیقت را گفتن» اغلب از مفهوم و توارد ذهنی منفی برخوردار است، بویژه در زمان و عصر ما، وقتی که می‌تواند به عنوان ترفندی رک و صریح، بدون مانع و محدودیت و بدون ترحم نسبت به خصم در گفتن حقایق به دیگران، بدون در نظر گرفتن میزان ناخوشایندی یا نا مطلوبی آن‌ها، دیده شود. اگر برای نظریات پولس در غلاطیان باب ۴ آیات ۱۲ تا ۲۰ و برخی دیگر از نظریاتش در بخش‌های دیگر نامه‌اش نبود (غلاطیان باب ۶ آیات ۹ و ۱۰ را ببینید)، امکان داشت برای فردی سوء برداشت ایجاد کند که علاقه پولس به حقیقت انجیل، نسبت به هر نوع ابراز محبت برتری داشت. با این حال، همانطور که دیده‌ایم، با وجود اینکه پولس دغدغه «دانستن حقیقت انجیل» توسط غلاطیان را داشت (غلاطیان باب ۲ آیات ۵ و ۱۴ را ببینید)، این نگرانی بدلیل علاقه‌اش به آن‌ها بوجود آمد. چه کسی هست که شخصاً دردناک بودن ملامت کردن یا بی‌پرده گفتن حقایق به خود را که - به هر دلیلی مایل به شنیدن آن نیست - تجربه نکرده باشد؟ ما این کار را بدلیل توجه‌مان به آن فرد انجام می‌دهیم و نه به این دلیل که می‌خواهیم به او آسیب برسانیم، اگر چه زمان‌هایی تأثیر آنی سخنان ما آسیب و یا حتی عصبانیت و خشم علیه ما می‌باشد. ما به هر حال این کار را انجام می‌دهیم، زیرا می‌دانیم این چیزی است که آن فرد نیاز دارد بشنود، مهم نیست که تا چه حد خواهان انجام آن نمی‌باشد.

در غلاطیان باب ۴ آیات ۱۷ تا ۲۰، پولس چه چیزی درباره کسانی که مخالف با آن‌هاست، می‌گوید؟ علاوه بر نقد بینش دینی غلط آنان، او چه چیز دیگری را به چالش می‌کشد؟

در مقایسه با صراحتی که پولس در ارائه انجیل خود داشت ، ممکن است خشم غلاطیان برانگیخته شده باشد. مخالفان وی فعالانه با چرب زبانی و تملق در صدد جلب رضایت کلیسای اهالی غلاطیه بودند که این کار نه از روی مهر و محبت بلکه از روی انگیزه ها و نیات خود خواهانه ای بود که در فکر داشتند. دقیقاً روشن نیست که منظور پولس از بیان اینکه مخالفان میخواهند (در را بروی شما ببندند) چیست گرچه این مطلب شاید اشاره به تلاشی برای بستن در بروی امتیازات انجیل بود زیرا به نظر معلمین دروغین مردم ابتدا باید ختنه میشدند تا از امتیاز نجات برخوردار شوند.

به برخی از مواردی که سخنان شما با وجود حقیقی و الزامی بودن، باعث عصبانیت او نسبت به شما بشود، بیاندهشید. چه چیزی از تجربه‌ای که می‌تواند دفعه دیگر که نیاز به انجام کاری مشابه دارید، کمک کند، بیاموزید؟

۲۵ اوت

جمعه

تفکری فراتر: «در کلیساهای غلاطیه، خطای بی پرده جایگزین پیام انجیل می‌شد. مسیح، آن بنیان حقیقی ایمان که آئین ها و مراسم تشریفاتی یهود را منسوخ کرده بود، عملاً کنار گذاشته شد. پولس رسول دید که اگر ایمانداران در غلاطیه از خطرات تأثیری که آن‌ها را تهدید می‌کردند، نجات می‌یافتند، قاطع‌ترین اقدامات باید انجام می‌شد و شدیدترین هشدارها باید داده می‌شد.

«یک درس مهم برای تمام خدمتگزاران مسیح این است که کار خود را با شرایط کسانی که او در پی منفعت رساندن به ایشان است، تطبیق دهند. عطوفت، صبر، تصمیم‌گیری و ثبات به یک میزان الزامی هستند؛ اما این‌ها باید با تشخیصی صحیح مورد استفاده قرار بگیرند. برای روبرو شدن با گروه‌ها با سطح فکری مختلف، تحت شرایط و موقعیت‌های گوناگون، حکمت و داوری روشن و مقدس برای کار از طریق روح خدا الزامی می‌باشد.

«پولس به کسانی که یکبار در زندگی‌شان با قدرت خدا آشنا شده بودند، التماس نمود که به علاقه پیشین خود نسبت به حقیقت انجیل باز گردند. او با استدلال‌های بی‌پاسخ، امتیاز آزاد بودن مردان و زنان در مسیح- کسی که از طریق فیض کفاره وی، تمام کسانی که کاملاً تسلیم بشوند، ردای عدالت وی را به تن خواهند کرد را در مقابل ایشان قرار می‌دهد. او این موضع را در پیش می‌گیرد که هر انسانی که می‌خواهد نجات داده شود باید تجربه شخصی واقعی در کارهای خدایی داشته باشد.

«سخنان مشتاقانه و عاجزانه رسول بی ثمر بودند. روح القدس از نیرویی عظیم بوجود آمد و بسیاری که با گام نهادن در مسیرهای عجیب، سرگردان شده بودند، به ایمان پیشین خود از انجیل باز گشتند. از این پس، آن‌ها در آزادی که مسیح برایشان به ارمغان آورده

بود، ثابت قدم بودند.» - الن جی. وایت، اعمال رسولان صفحات ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۸.

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, pp. 385, 386, 388

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد مسئله کلی رنج کشیدن و اینکه خدا چگونه می‌تواند از آن استفاده کند، بیشتر بیاندیشید. ما با موقعیت‌هایی که در آن‌ها به نظر می‌رسد هیچ نتیجه خوبی از رنج کشیدن حاصل نمی‌شود، چگونه برخورد می‌کنیم؟
۲. در مورد این نظریه که مسیح در ما شکل گرفته است، تعمق نمایید. این در عمل به چه معناست؟ ما چگونه می‌توانیم بدانیم که این وضعیت برای ما اتفاق می‌افتد؟ چگونه از دلسرد شدن در صورتیکه به سرعتی که انتظارش را داریم برایمان اتفاق نیافتد، محفوظ می‌مانیم؟

خلاصه: پولس که چندین استدلال کلامی پیچیده و دقیق آورده بود، اکنون درخواستی شخصی‌تر و احساسی‌تر از غلاطیان دارد. او از آن‌ها عاجزانه تقاضا می‌کند که به اندرز او گوش فرا دهند، رابطه مثبتی که زمانی داشتند و محبت حقیقی و نگرانی که او به عنوان پدر روحانی نسبت به ایشان دارد را برایشان یادآوری می‌کند.

دو عهد



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱؛ پیدایش باب ۱ آیه ۲۸، باب ۲ آیات ۲ و ۳، باب ۳ آیه ۱۵، باب ۱۵ آیات ۱ تا ۶؛ خروج باب ۶ آیات ۲ تا ۸، باب ۱۹ آیات ۳ تا ۶.

آیه حفظی: «لیکن اورشلیم بالا آزاد است که مادر جمیع ما می‌باشد» ترجمه تفسیری: اما مادر ما و وطن ما اورشلیم آسمانی است که کنیز و بنده شریعت نیست. (غلاطیان باب ۴ آیه ۲۶).

مسیحیانی که اقتدار و اعتبار عهد قدیم را رد می‌کنند، اغلب ارزانی شدن احکام بر کوه سینا را با انجیل در تناقض می‌بینند. آنها چنین نتیجه می‌گیرند که عهدی که بر کوه سینا داده شد، معرف شرایط و وضعیتی خاص و استثنایی در دوره ای از تاریخ بشر است که رستگاری بر اساس اطاعت از احکام بود. اما از آن جایی که مردم در بر آورده ساختن مطالبات احکام قصور ورزیدند آنگاه خدا (آنگونه که آنها می‌گویند) عهدی جدید را آغاز نمود، عهد فیض از طریق شایستگی عیسی مسیح. پس این درک آنها از دو عهد می‌باشد: عهد قدیم بر پایه شریعت و احکام و عهد جدید بر پایه فیض.

هر قدر هم که این دیدگاه متداول باشد، با این حال دیدگاهی اشتباه است. نجات هرگز از طریق اطاعت از احکام نبود؛ آیین یهود بر طبق آموزه های کتاب مقدس، از ابتدا همواره دین فیض بوده است. پولس در غلاطیه با قانونگرایی یا (ایده پیروی سفت و سخت از احکام منظور حصول رستگاری) مواجه شده بود که نه تنها انحراف از مسیحیت بلکه از خود عهد قدیم بود. دو عهد، موضوع و مسئله مربوط به زمان نیستند؛ در عوض انعکاس دیدگاه و رویکرد بشری می‌باشند. آنها دو روش متفاوت از تلاش برای ارتباط با خدا را ارائه می‌دهند، روش هایی که به قائل و هابیل باز می‌گردند. عهد قدیم نشان

دهنده کسانی است که مانند قائن به اشتباه بر فرمانبرداری خود به عنوان وسیله ای برای خشنود ساختن خدا تکیه و اصرار می‌ورزد؛ در مقابل، عهد جدید نشان دهنده تجربه کسانی است که مانند هابیل، برای انجام تمام چیزهایی که خدا وعده داده است کاملاً بر فیض او تکیه می‌کنند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ سپتامبر آماده شوید.

یکشنبه

۲۷ اوت

مبنای عهد

بسیاری برداشت پولس از تاریخ اسرائیل در غلطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱ را به عنوان دشوارترین بخش از نامه اش در نظر می‌گیرند زیرا که مبحثی بسیار پیچیده بوده که نیازمند به داشتن دانشی گسترده از اشخاص عهد عتیق و وقایع می‌باشد. نخستین گام در درک این بخش، داشتن درکی ابتدایی از مفاهیم عهد قدیم است که در کانون بحث پولس قرار دارد: مفهوم عهد. واژه عبری ترجمه شده «عهد»، בְּרִית (berit) می‌باشد. این واژه تقریباً سیصد بار در عهد قدیم بکار برده شده است و اشاره به قرارداد، توافق یا معاهده ای الزام آور می‌باشد. عهد و پیمانها برای هزاران سال نقشی اساسی در تعیین رابطه میان مردم و ملت های سراسر خاور نزدیک ایفا نمودند. عهدها اغلب شامل ذبح حیوانات به عنوان بخشی از روند ایجاد یک عهد و میثاق بودند. کشتن حیوانات نمادی از این مفهوم بود که اگر یک طرف از وعده ها و الزامات خود قصور کند چه اتفاقی خواهد افتاد.

«از زمان آدم تا عیسی، خدا بوسیله مجموعه ای از وعده های عهد با مرکزیت ظهور نجات دهنده که بموجب آن در عهد داودی (به اوج رسیده بود سر و کار داشت پیدایش باب ۱۲ آیات ۲ و ۳؛ دوم سموئیل باب ۷ آیات ۱۲ تا ۱۷؛ اشعیا باب ۱۱). خدا به قوم بنی اسرائیل که در بابل اسیر بودند، عهد جدید دلنشین (ارمیا باب ۳۱ آیات ۳۱ تا ۳۴) در رابطه با آمدن مسیح از نسل داود را وعده داد (حزقیال باب ۳۶ آیات ۲۶ تا ۲۸، باب ۳۷ آیات ۲۲ تا ۲۸).» - هانس کی. لِراندِل، در باب خالق نجات دهنده ما که از مرجع زیر اقتباس گردیده است.

Hans K. LaRondelle, Our Creator Redeemer (Berrien Springs, Mich.: Andrews University Press, 2005), p. 4

مبنای عهد اولیه خدا با آدم در باغ عدن پیش از گناه چه بود؟ پیدایش باب ۱ آیه ۲۸، باب ۲ آیات ۲ و ۳ و ۱۵ تا ۱۷.

در حالی که ازدواج، کار جسمی و سبت بخشی از مفاد کلی تشکیل عهد بودند، نکته اصلی آن فرمان خدا در نخوردن میوه ممنوعه بود. ماهیت اصلی عهد، «اطاعت کنید و آنگاه زندگی کنید» بود! با طبیعتی که در هماهنگی با خدا خلق شده بود، و در کمال و بی عیبی بود این خواسته زیادی از آنها نبود؛ با این حال آدم و حوا تصمیم به انجام کاری غیرطبیعی گرفتند، و در آن عمل، آنها نه تنها عهد خلقت را شکستند بلکه شرایط آن را برای بشر امروزی که با گناه فاسد شده است، غیر ممکن ساختند. خدا رابطه ای که آدم و حوا از دست داده بودند را باز خواهد گرداند. او این کار را با تصویب عهدی از فیض بر اساس وعده ابدی یک نجات دهنده انجام داد (پیدایش باب ۳ آیه ۱۵).

پیدایش باب ۳ آیه ۱۵، نخستین وعده انجیل در کتاب مقدس را بخوانید. در کدام بخش آیه اشاره ای به امیدی که در مسیح داریم را می بینید؟

۲۸ اوت

دوشنبه

عهد ابراهیمی

در پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۵، خداوند در عهد خود چه وعده هایی به ابرام داد؟ پاسخ ابرام چه بود؟

وعده های اولیه خدا به ابرام، یکی از قدرتمندترین بخش های عهد قدیم را تشکیل می دهند. این آیات همه درباره فیض خدا هستند. این خداست و نه ابرام که وعده می دهد. ابراهیم هیچ کاری انجام نداده است که شایستگی لطف و عنایت خدا را داشته باشد، همچنین هیچ چیزی وجود ندارد که نشان دهنده این باشد که خدا و ابراهیم به نوعی برای ایجاد این توافق با یکدیگر همکاری کرده باشند. خدا تمام وعده ها را می دهد. در مقابل ابراهیم، فراخوانده شده است که در اطمینان از وعده خدا، ایمان داشته باشد، «ایمانی» محکم که با ترک خانواده اش متجلی شده است (در سن ۷۵ سالگی!) و رفتن به سرزمینی که خدا وعده داد.

«با بُرکتی» که به ابرام و از طریق او به تمام بشر داده شده است، خالق هدف رستگار کننده خویش را احیا نمود. او آدم و حوا را در بهشت بُرکت داده بود (پیدایش باب ۱ آیه ۲۸، باب ۵ آیه ۲) و سپس نوح و پسرانش را پس از طوفان برکت داد (باب ۹ آیه ۱). به این ترتیب خدا وعده پیشین خود از یک نجات دهنده که بشریت را نجات خواهد داد، شرارت را نابود خواهد نمود و بهشت را احیا خواهد کرد، مشخص می سازد (پیدایش باب ۳ آیه ۱۵). خدا وعده

اش در برکت دادن به 'همه مردم' را در توسعه جهانی تایید نمود.» - هانس کی. لرنندال، خالق نجات دهنده ما صفحات ۲۲ و ۲۳.

Hans K. LaRondelle, Our Creator Redeemer, pp. 22, 23

پس از ده سال انتظار برای دنیا آمدن پسر وعده داده شده، ابرام چه سوالاتی درباره وعده خدا داشت؟ پیدایش باب ۱۵ آیات ۱ تا ۶.

اغلب، تجلیل از ابرام به عنوان مرد ایمان، کسی که هرگز هیچ سوال و تردیدی نداشت، آسان است. با این وجود کتاب مقدس تصویر متفاوتی ارائه می دهد. ابرام ایمان داشت اما در طی مسیرش سوال هایی نیز داشت. ایمان او رو به رشد بود. مانند داستان آن پدر در مرقس باب ۹ آیه ۲۴، ابرام در واقع در پیدایش باب ۱۵ آیه ۸ به خدا گفت، «چگونه مطمئن شوم که تو این سرزمین را بمن خواهی داد؟» در پاسخ خداوند به ابرام از حتمی بودن وعده خویش با وارد شدن در عهدی با وی به او اطمینان داد. (پیدایش باب ۱۵ آیات ۷ تا ۱۸). چیزی که این آیات را بسیار حیرت انگیز می کند، این حقیقت نیست که خدا عهدی با ابراهیم می بندد بلکه میزان تمایل خدا به انجام این کار بود. بر خلاف سایر حاکمان خاور نزدیک در عهد کهن، که از ایجاد وعده های الزام آور با خدمتگزارانشان سر باز میزدند، خدا نه تنها قول داد بلکه بطور نمادین با گذشتن از میان قطعات حیوانات ذبح شده، زندگی خود را بر روی آن وعده گذاشت. البته عیسی در نهایت جان خود را در جلجتا ارزانی میدارد تا وعده خویش را به حقیقت تبدیل کند.

بعضی از زمینه هایی که شما باید با ایمان در آن بشارت بدهید و آنچه که غیر ممکن به نظر می رسد را باور کنید، کدامند؟ چگونه می توانید بیاموزید که با وجود هر مشکلی، به راهتان ادامه بدهید؟

۲۹ اوت

سه شنبه

ابراهیم، سارا و هاجر

چرا پولس چنین نگرش حقیرانه ای در مورد واقعه هاجر داشت؟ غلطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱، پیدایش باب ۱۶. پولس با روایت خود از عهد قدیم به چه نکات بسیار مهمی در مورد نجات اشاره می کند؟

جایگاه هاجر در داستان پیدایش بطور مستقیم با قصور ابرام در ایمان به وعده خدا مربوط است. بعنوان برده ای مصری در خانه ابرام، احتمالاً هاجر جزو مایملک ابرام شد بعنوان یکی از هدایای متعددی که فرعون برای مبادله برای سارا به او داد، واقعه ای مرتبط با اولین کرداری که بخاطر بی ایمانی به وعده خداوند از خود نشان داده بود. (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱۱ تا ۱۶).

ابرام و سارا پس از ده سال انتظار برای دنیا آمدن فرزند وعده داده شده، بدون فرزند باقی ماندند. سارا که به این نتیجه رسیده بود که خدا به کمک آنها نیاز دارد، هاجر را به عنوان متعه به ابراهیم داد. اگر چه امروزه برای ما عجیب است، اما نقشه سارا کاملاً هوشمندانه بود. بر طبق رسوم کهن، یک زن ندیمه (برده) از نظر قانونی می توانست مادری جایگزین همسر نابارور بشود. از این رو سارا می توانست هر فرزندی که از همسرش و هاجر دنیا بیاید را فرزند خود بداند. در حالی که این نقشه باعث دنیا آمدن فرزندی شد ولی این فرزند وعده داده شده خدا نبود. ما در این داستان نمونه ای قدرتمند از این واقعیت را داریم که حتی یک مرد خوب خدا در شرایط دلهره آور، در ایمانش لغزش خورد. در پیدایش باب ۱۷ آیات ۱۸ و ۱۹، ابراهیم از خدا درخواست نمود که اسماعیل را به عنوان وارثش بپذیرد؛ اما خداوند بطور حتم این درخواست را نپذیرفت. تنها عنصر «معجزه آسای» تولد اسماعیل، تمایل سارا به سهیم شدن همسرش با زنی دیگر بود! هیچ چیز غیر عادی در مورد تولد فرزند این زن، فرزندی متولد شده «بر طبق جسم»، وجود نداشت. اگر ابراهیم به جای اینکه اجازه دهد شرایط بر اعتماد او غلبه کنند، به آنچه خدا به او وعده داده بود، اطمینان می کرد، هیچ کدام از اینها اتفاق نمی افتاد و از غم و اندوه بسیاری اجتناب می شد.

در مقابل تولد اسماعیل، به شرایط زمان تولد اسحاق توجه نمایید. پیدایش باب ۱۷ آیات ۱۵ تا ۱۹، باب ۱۸ آیات ۱۰ تا ۱۳؛ عبرانیان باب ۱۱ آیات ۱۱ تا ۱۲. چرا این شرایط نیازمند ایمان زیاد ابراهیم و سارا بودند؟

عدم اطمینان شما به وعده های خدا، به چه روش هایی باعث درد شما شدند؟ چگونه می توانید از این اشتباهات بیاموزید که کلام خدا را بی توجه به شرایط، باور کنید؟ چه انتخاب هایی می توانید انجام دهید که به قوی ساختن توانایی شما در اطمینان به وعده های خدا کمک کنند؟

هاجر و کوه سینا (غلاطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱)

خدا مایل بود چه نوع رابطه عهدی با قومش بر روی کوه سینا ایجاد کند؟ این چه شباهاتی با وعده خدا به ابراهیم دارد؟ خروج باب ۶ آیات ۲ تا ۸، باب ۱۹ آیات ۳ تا ۶؛ تثیبه باب ۳۲ آیات ۱۰ تا ۱۲.

خدا مایل بود همان رابطه عهدی را که با ابراهیم داشت، با فرزندان اسرائیل بر روی کوه سینا بوجود آورد. در واقع شباهاتی میان کلام خدا به ابراهیم در پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳ و کلامش به موسی در باب ۱۹ خروج وجود دارد. در هر دو مورد خدا بر آنچه که برای قومش انجام خواهد داد، تاکید می کند. او از بنی اسرائیل نمی خواهد که برای دریافت برکاتش، وعده انجام کاری را بدهند؛ در عوض، آنها باید در پاسخ به این برکات، مطیع باشند. واژه عبری ترجمه شده به «اطاعت کردن» در خروج باب ۱۹ آیه ۵ از نظر ادبی به معنی «شنیدن» می باشد. کلام خدا دلالت بر عدالت از طریق اعمال ندارد. در مقابل، او می خواست که اسرائیل ایمانی مشابه با آنچه در پاسخ ابراهیم به وعده های او مشخص شد داشته باشند (دست کم اکثر اوقات!).

اگر رابطه عهد خدا که بر روی کوه سینا به اسرائیل ارائه شد با آنچه به ابراهیم داده شد، یکسان است، چرا پولس کوه سینا را با تجربه منفی هاجر یکی می کند؟ خروج باب ۱۹ آیات ۷ تا ۲۵، عبرانیان باب ۸ آیات ۶ و ۷.

عهد بر روی کوه سینا در نظر بود که گناهکاری بشر و چاره فیض فراوان خدا را مشخص نماید، که یک نمونه از آداب و تشریفات معبد بود. مشکل عهد کوه سینا از طرف خدا نبود بلکه از نقص وعده های مردم بود (عبرانیان باب ۸ آیه ۶). بنی اسرائیل بجای پاسخ دادن به وعده های خدا در فروتنی و ایمان، با تکیه بر خود در عوض توسل به خدا به آنها واکنش نشان دادند «آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد» (خروج باب ۱۹ آیه ۸). آنها پس از زندگی در اسارت در مصر همت بیش از چهارصد سال، درک درستی از بزرگی خدا و وسعت گناهکاری خود نداشتند. بنی اسرائیل به همان صورتی که ابراهیم و سارا تلاش نمودند به خدا برای تحقق وعده هایش کمک کنند، بدنال تبدیل عهد فیض خدا به عهدی از اعمال بودند. هاجر نماد کوه سیناست که هر دو نشان دهنده تلاشهای انسان برای نجات از طریق اعمال می باشند.

پولس ادعا نمی کند که شریعت داده شده بر روی کوه سینا زیان آور یا منسوخ بود. او نگران تعبیر نادرست (رستگاری بوسیله چسبیدن به قوانین کلیسای اهل غلاطیه از احکام و شریعت بود. «شریعت در عوض متقاعد کردن ایشان به این مسئله که با رعایت احکام خشنود کردن خدا غیر ممکن است، احکام در وجود آنان عزمی بوجود آورد تا به مراجع شخصی خود اتکا کنند بخاطر اینکه رضای خدا را بدست آورند. بنابراین شریعت اهداف فیض را در هدایت یهودیان به سوی مسیح انجام نداد. در عوض آنها را از مسیح دور نمود.» - او. پالمز رابرتسون، کتاب مسیح عهد ها که از مرجع زیر اقتباس شده است.

O. Palmer Robertson, *The Christ of the Covenants* (Phillipsburg, N.J.: Presbyterian and Reformed Publishing Co., 1980), p. 181

پنجشنبه

۳۱ اوت

اسماعیل و اسحاق امروزه

توصیف خلاصه پولس از تاریخ اسرائیل برای مقابله با استدلال های بیان شده توسط مخالفانش طراحی شده بود که مدعی بودند که آنها نسل حقیقی ابراهیم بوده و اینکه اورشلیم -مرکز مسیحیت یهودی و شریعت -مادر ایشان بود. آنها به غیر یهودیان تهمت نامشروع بودن زدند؛ اگر آنها می خواستند پیروان حقیقی مسیحی بشوند، می بایست ابتدا با پذیرفتن قانون ختنه، پسر ابراهیم بشوند.

پولس می گوید که حقیقت بر خلاف این ادعا می باشد. این شرع گرایان نه تنها پسران ابراهیم نیستند بلکه مانند اسماعیل فرزندان غیر مشروع می باشند. آنها با قرار دادن اطمینانشان به ختنه کردن، بر «جسم» تکیه می کردند، همان کاری که سارا با هاجر و بنی اسرائیل با شریعت خدا بر روی کوه سینا انجام دادند. اگر چه ایمانداران غیر یهودی از نظر نژاد طبیعی پسران ابراهیم نبودند، اما مانند اسحاق از نظر فرا طبیعی چنین بودند. «آنها مانند اسحاق تحقق وعده داده شده به ابراهیم بودند ...؛ ولادت ایشان با آزادی همچون اسحاق، تاثیر فیض الهی بود؛ مانند اسحاق، آنها به رکن وعده عهد تعلق دارند.» - جیمز دی. جی. دان، رساله به غلاطیان که بر اساس مرجع زیر اقتباس گردیده است.

James D. G. Dunn, *The Epistle to the Galatians* (London: Hendrickson Publishers, 1993), p. 256

نسل حقیقی ابراهیم با چه چیزی در این جهان روبرو خواهند شد؟ غلاطیان باب ۴ آیات ۲۸ تا ۳۱، پیدایش باب ۲۱ آیات ۸ تا ۱۲.

فرزند عهد بودن نه تنها برای اسحاق برکاتی به‌مراه داشت بلکه مخالفت‌ها و جفا‌هایی نیز بدنبال داشت. پولس با اشاره به جفا، مراسم پیدایش باب ۲۱ آیات ۸ تا ۱۰ را در ذهن دارد، جایی که اسحاق مفتخر شمرده می‌شود و به نظر می‌رسد اسماعیل او را به تمسخر می‌گیرد. واژه عبری در پیدایش باب ۲۱ آیه ۹، به معنی «خندیدن» می‌باشد، اما واکنش سارا نشان می‌دهد که اسماعیل، اسحاق را دست انداخته و مسخره می‌کرد. در حالی که رفتار اسماعیل ممکن است امروزه برای ما چندان قابل توجه نباشد، اما آشکار کننده خصومت عمیق تری بود که در آن موقعیت حق نخست زادگی را به خطر انداخته بود. بسیاری از حاکمان دوران کهن تلاش نمودند از طریق از میان برداشتن رقبای بالقوه خود، از جمله خواهران و برادرانشان، موقعیت خود را تضمین نمایند (یهودا باب ۹ آیات ۱ تا ۶). اگر چه اسحاق با مخالفت روبرو بود، اما از تمام مزایایی همچون محبت، حمایت و التفات پدر خود از جمله بهره‌مندی از ارث برخوردار بود.

به عنوان نسل روحانی اسحاق نباید هنگامی که از مخالفت و سختی رنج می‌کشیم شگفت زده بشویم، حتی اگر از درون خانواده کلیسا باشد.

شما چگونه از جفا بخصوص از جانب کسانی که به شما نزدیک هستند، بدلیل ایماننان رنج برده اید؟ و یا این سوال دشوار را از خود پرسید: آیا این احتمال وجود دارد که شما در آزار و اذیت دیگران برای ایمانشان مقصر باشید؟ در این باره بیان‌دهید.

جمعه

۱ سپتامبر

تفکری فراتر: احکام و عهد‌ها صفحه ۳۶۳-۳۷۳ از کتاب مشایخ و انبیاء اسرائیل را بخوانید. «اما اگر عهد ابراهیمی شامل وعده نجات بود، چرا عهدی دیگر بر روی کوه سینا شکل گرفت؟ مردم در اسارتشان، به میزان زیادی آگاهی خود از خدا و اصول عهد ابراهیمی را از دست داده بودند....»

«خدا آنها را به کوه سینا آورد؛ جلال خود را آشکار نمود؛ او به آنها احکام خود را به همراه وعده برکات زیاد در صورت فرمانبرداری ایشان داد: 'اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا ... برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود' (خروج باب ۱۹ آیات ۵ و ۶). مردم گناهکاری قلب خود و اینکه بدون مسیح رعایت شریعت خدا برایشان غیر ممکن بود را تشخیص ندادند؛ و آنها به آسانی با خدا عهد بستند.... با این حال، آنها تنها پس از گذشت چند هفته عهد خود را با خدا شکستند و با تعظیم به تنها آنها را پرستیدند. آنها نمی‌توانستند به لطف خدا از طریق عهدی که شکسته بودند امید داشته باشند؛ و اینک، آنها که گناهکاری و نیاز به بخشیده شدن خود را می‌دیدند، نیازشان به نجات دهنده را که در عهد ابراهیمی نمایان شده بود

احساس نمودند و ... آنها اکنون با ایمان و محبت، به عنوان نجات یافتگان از اسارت به گناه با خداوند ارتباط پیدا کرده بودند. آنها اکنون آماده قدردانی از برکات عهد جدید بودند.» - الن جی. وایت، مشایخ و انبیاء صفحات ۳۷۱ و ۳۷۲.

Ellen G. White, Patriarchs and Prophets, pp. 371, 372

سوالاتی برای بحث

۱. آیا مسیر شما با خداوند از نوع «عهد قدیم» است یا «عهد جدید»؟ چگونه می توانید این تفاوت را تشخیص دهید؟
۲. شما چند مرتبه به خداوند قول داده اید که کار خاصی انجام خواهید یا نخواهید داد؟ این حقیقت غم انگیز چگونه به شما در درک معنای فیض کمک می کند؟

خلاصه: روایات هاجر، اسماعیل و فرزندان اسرائیل بر روی کوه سینا، حماقت تلاش بر خود اتکایی در انجام آنچه خدا وعده داده است را نشان می دهد. به این روش در عهد قدیم پارسامایی گفته میشد. عهد جدید عهدی جاودان از فیضی است که در ابتدا پس از گناه با آدم و حوا بسته شد، با ابراهیم احیا شد و در نهایت در مسیح تحقق یافت.

آزادی در مسیح



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۵ آیات ۱ تا ۱۵؛ اول قرنتیان باب ۶ آیه ۲۰؛ رومیان باب ۸ آیه ۱؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ و ۱۵؛ رومیان باب ۸ آیه ۴، باب ۱۳ آیه ۸.

آیه حفظی: «زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده‌اید؛ اما زنهار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید». ترجمه تفسیری: برادران عزیز خدا به شما آزادی عطا کرده است اما آزادی نه برای پیروی از خواسته های نفستان بلکه برای محبت کردن و خدمت کردن به یکدیگر. (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۳).

پولس در غلاطیان باب ۲ آیه ۴، بطور خلاصه به اهمیت مراقبت از «آزادی» که در عیسی مسیح داریم، اشاره می‌کند. اما منظور پولس از «آزادی» که غالباً از آن سخن بعمل می‌آورد چیست این آزادی شامل چه چیزی است؟ این آزادی تا کجا پیش می‌رود؟ آیا در آزادی محدودیتی وجود دارد؟ و آزادی در مسیح چه ارتباطی با شریعت و احکام دارد؟ پولس با اشاره به دو خطر به غلاطیان هشدار داده و به این سوالات واکنش نشان می‌دهد. خطر اول قانونگرایی یا اعتقاد متعصبانه به رعایت احکام منظور استحصال رستگاری است. مخالفان پولس در غلطیه بشدت تلاش میکردند تا با رفتار و کردار خود لطف و رحمت خدا را کسب کنند زیرا بینش خود را از ماهیت فریضه رهایی بخش مسیح و رستگاری او از دست داده بودند؛ همان آزادی که پیش از این بواسطه ایمان در مسیح بدست آورده بودند. تهدید دوم گرایش به تجاوز به آزادی که مسیح برای ما خریداری کرده بود با لغزش به انحطاط. کسانی که این دیدگاه را دارند، به اشتباه فرض کرده اند که آزادی متضاد با شریعت است.

هم احکام گرائی و هم انحطاط گرائی مخالف آزادی هستند، زیرا هر دو به یک میزان پیروان خود را در شکلی از بردگی و محدودیت نگاه می‌دارند. اگرچه، درخواست

و التماس پولس از غلاطیان ثابت قدم بودن و استواری در آزادی حقیقی است که حق منصفانه ایشان در مسیح است.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۹ سپتامبر آماده شوید.

۳ سپتامبر

یکشنبه

مسیح ما را آزاد کرده است

«پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد، استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید» (غلاطیان باب ۵ آیه ۱).

مانند فرمان صف‌آرایی رهبر یک ارتش به نیروهای تحت فرمان خود، پولس غلاطیان را مکلف می‌سازد تا آزادی خود را در مسیح واگذار نکنند. لحن آمرانه و تند پولس باعث می‌شود سخنانش تقریباً از نوشته خارج و به عمل تبدیل شوند. در واقع، به نظر می‌رسد این دقیقاً همان چیزی است که پولس قصد آن را داشت. اگرچه این آیه از نظر موضوعی با آنچه پیش از آن آمده و پس از آن می‌آید مرتبط می‌باشد، عدم ساختار درست در زبان یونانی نشان می‌دهد که پولس قصد داشت این آیه مانند تابلویی بزرگ خودنمایی کند. آزادی در مسیح تمامی بحث پولس را خلاصه می‌کند و غلاطیان در خطر از دست دادن آن قرار داشتند.

غلاطیان باب ۱ آیات ۳ و ۴، باب ۲ آیه ۱۶ و باب ۳ آیه ۱۳ را بخوانید. برخی از استعاره‌هایی که در این آیات بکار رفته‌اند کدامند و آن‌ها چگونه به درک ما از آنچه مسیح برای ما انجام داده است، کمک می‌کنند؟

سخنان پولس، «به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد» (غلاطیان باب ۵ آیه ۱)، ممکن است توصیه کند که اودر اینجا استعاره‌ای دیگر در ذهن دارد. جمله بندی پولس در این عبارت مشابه قاعده ای است که در آزاد کردن مذهبی اسیران (عتق) بکار رفته است. از آنجایی که بردگان از هیچ حق قانونی برخوردار نبودند، چنین فرض می‌شد که یک الهه یا رب قادر به خریدن آزادی ایشان بود و در عوض، برده اگرچه واقعاً آزاد بود، از نظر قانونی به آن الهه یا رب تعلق داشت. مطمئناً از نظر عملی این روند خیالی بود؛ اما این برده بود که برای آزادی خود، پول را به خزانه معبد پرداخت می‌کرد. برای مثال، شیوه و قاعده ای را در نظر بگیرید که در یکی از قریب به یکهزار کتیبه‌ای که در معبد هاتف آپولو در دلفی کشف شد و تاریخش به ۲۰۱ پیش از میلاد مسیح تا ۱۰۰ پس از

میلاد مسیح بازمی‌گشت: «آپولو هاتف، برای آزادی، یک برده زن را از سوسیوس امفیسا (Sosibus of Amphissa) به نام نایسیا Nicaea خریداری نمود... به واسطه خرید، نایسیا برای آزادی که بدست آورده بود به آپولو وقف شد.» - بن ویتزینگتون سوم، در باب فیض در غلاطیه که از مرجع زیر اقتباس گردیده است.

Ben Witherington III, Grace in Galatia (Grand Rapids, Mich.: William B. Eerdmans Publishing Company, 1998), p. 340

این قاعده شباهتی اساسی با اصطلاحات پولس دارد، اما یک تفاوت اساسی نیز وجود دارد. در استعاره پولس هیچ چیز خیالی وجود ندارد. ما خود هزینه خرید را فراهم نکردیم (اول قرن‌تین باب ۶ آیه ۲۰، باب ۷ آیه ۲۳). این مبلغ برای ما بسیار بالا بود. ما قدرت نجات خود را نداشتیم، اما عیسی شفاعت کرد و کاری را که ما قادر به انجامش برای خود نبودیم، انجام داد (دست کم نه با تسلیم زندگی‌مان). او جریمه گناهان ما را پرداخت کرد و از این جهت ما را از قید محکومیت آزاد نمود.

به زندگی خود بنگرید. آیا هرگز به این می‌اندیشید که می‌توانستید خود را نجات بدهید؟ پاسختان باید چه چیزی درباره میزان قدردان بودنتان برای آنچه در عیسی به ما داده شده است، به شما بگوید؟

۴ سپتامبر

دوشنبه

ماهیت آزادی مسیحی

دستور پولس مبنی بر ثابت قدم بودن در آزادی فقط برای گروه خاصی نبود بلکه برای تمام ایمانداران در هر دوره و زمان بود. بیانیه ای از حقیقت مقدمات ذکر میشود: «مسیح ما را رهایی بخشیده است». چرا مسیحیان باید برای آن آزادی که یافته اند محکم بایستند؟ بخاطر اینکه مسیح پیش از این و هم اکنون به آنان آزادی و رهایی عطا فرموده است. با کلامی دیگر رهایی ما نتیجه آن چیزی است که مسیح پیش از این برای ما فراهم آورده است.

این الگوی بیان حقیقت که با هشدار و اندرز دنبال شده است، از شاخصه های مکاتبات در رساله‌های پولس می‌باشد (اول قرن‌تین باب ۶ آیه ۲۰، باب ۱۰ آیات ۱۳ و ۱۴؛ کولسیان باب ۲ آیه ۶). برای مثال، پولس در باب ۶ رومیان، چندین اظهار تحلیلی در باره واقعیت‌های وضعیت ما در مسیح ارائه می‌دهد، از جمله «این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد» (رومیان باب ۶ آیه ۶). پولس سپس می‌تواند بر پایه این حقیقت، اندرز هشدارگونه واجب را ارائه دهد، «پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید» (رومیان باب ۶ آیه ۱۲). ضرورتاً پولس با روش خود

میگوید «آنگونه که باید یک مسیحی واقعی باشید». طریقه زندگی معنوی و اخلاقی انجیل به ما می گوید که بار سنگینی بر دوش بگذارید تا ثابت کنید که فرزندان خدا هستید. در عوض، ما هر آنچه انجام می دهیم به این دلیل است که فرزندان او هستیم.

مسیح ما را از بند چه چیزی آزاد کرده است؟ رومیان باب ۶ آیات ۱۴ و ۱۸، باب ۸ آیه ۱؛ غلاطیان باب ۴ آیات ۳ و ۸، باب ۵ آیه ۱؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ و ۱۵.

استفاده از واژه آزادی برای توصیف زندگی مسیحی، بیشتر از هر جای دیگر کتاب عهد جدید، در رساله های پولس یافت می شود. واژه آزادی و واژه های هم ریشه آن ۲۸ بار در رساله های پولس آمده و در مقایسه در جاهای دیگر تنها ۱۳ بار، بکار برده شده است. منظور پولس از آزادی چیست؟ نخست اینکه، آزادی مفهومی صرفاً خیالی و فرضی نیست. آزادی به آزادی سیاسی، اقتصادی یا آزاد زندگی کردن هر گونه که خوشایندمان باشد، اشاره ندارد. بالعکس، این نوعی آزادی است که در رابطه ما با عیسی مسیح ریشه دارد. موضوع نشان می دهد که پولس به آزادی از اسارت و محکومیت مسیحیتی گرفته شده از شریعت اشاره دارد، اما آزادی ما شامل چیزهای بسیار بیشتری می شود. و آن آزادی از گناه، مرگ ابدی و شیطان است.

«وجود و هستی بشریتی که از عیسی مسیح تهی است با اسارت توصیف می شود - اسارت شریعت، عناصر شیطانی حاکم بر جهان، گناه، جسم و شیطان. خدا پسرش را به این جهان فرستاد تا سلطه این برده داران را از بین ببرد.» - تیموتی جورج، غلاطیان صفحه ۳۵۴.

Timothy George, Galatians, p. 354

شما احساس می کنید در زندگی برده چه چیزهایی هستید؟ غلاطیان باب ۵ آیه ۱ را به یاد بسپارید و از خدا بخواهید آزادی در مسیح را برای شما به یک واقعیت در زندگی مبدل سازد.

۵ سپتامبر

سه شنبه

عواقب خطرناک احکامگرایی (غلاطیان باب ۵ آیات ۲ تا ۱۲)

روشی که پولس در غلاطیان باب ۵ آیات ۲ تا ۱۲ معرفی می کند، نشان دهنده اهمیت است از آنچه که می خواهد بگوید. «بنگرید»، «بشنوید!»، «سخنان مرا ملاحظه کنید!»، «من پولس

به شما می‌گویم.» پولس ما را فریب نمی‌دهد. او با استفاده امری از فعل (بنگرید)، نه تنها توجه کامل خوانندگان خود را جلب می‌کند، بلکه حتی اعتبار و اقتدار رسالتی خویش را تداعی می‌کند. او می‌خواهد که آن‌ها درک کنند که اگر قرار باشد غیر یهودیان برای نجات تسلیم ختنه شدن بشوند، پس غلاطیان باید عواقب خطرات این تصمیم خود را تشخیص بدهند.

غلاطیان باب ۵ آیات ۲ تا ۱۲ را بخوانید. پولس در مورد مسئله کلی ختنه، نسبت به چه چیزی هشدار می‌دهد؟

نخستین عاقبت تلاش برای بدست آوردن لطف خدا با تن دادن به ختنه این است فرد را به نگه داشتن تمامی شریعت ملزم می‌کند. زبان پولس در آیات ۲ و ۳ شامل بازی زیبایی با کلمات می‌باشد. او می‌گوید، مسیح به آن‌ها منفعت نخواهد رساند (ophelesei)؛ در عوض آن‌ها در برابر شریعت متعهد می‌شوند (opheiletes). اگر فردی بخواهد بر طبق شریعت زندگی کند، نمی‌تواند احکامی را با خواست خود انتخاب و اطاعت نماید. یا همه یا هیچ. دوم، آن‌ها باید از مسیح «جدا» بشوند. تصمیم برای عادل شمرده شدن با اعمال، درعین حال مستلزم انکار راه خدا در عادل شمردن از طریق مسیح می‌باشد. «می‌توانید هر دو طریق را داشته باشید. دریافت مسیح به موجب تصدیق اینکه نمی‌توانید خودتان را نجات بدهید و سپس در نتیجه ادعای توانایی‌تان ختنه شدن، غیر ممکن می‌باشد.» - جان آر. دابلیو. اسکات، که از مرجع زیر اقتباس گردیده است.

John R. W. Stott, *The Message of Galatians* (Leicester, England: InterVarsity Press, 1968), p. 133

مخالفت سوم پولس با ختنه این است که مانع رشد روحانی می‌شود. قیاس او از دوندهای است که پیشرفتش به سوی خط پایان به طور عمد مورد خرابکاری قرار گرفته است. در واقع، واژه ترجمه شده به «منحرف شدن» (آیه ۷) در چرخه‌های نظامی برای اشاره به «تخریب یک جاده یا پل یا قرار دادن مانعی در مسیر دشمن برای متوقف نمودن پیشروی او،» استفاده می‌شد. برگرفته از مرجع زیر.

The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 978 -

در نهایت، ختنه وجهه صلیب را مخدوش می‌سازد. چگونه؟ پیام ختنه شدن بر این دلالت دارد که شما می‌توانید خودتان را نجات بدهید؛ به این ترتیب، برای غرور بشری متملقانه می‌باشد. اگرچه پیام صلیب غرور بشر را جریحه دار میکند، چرا که باید اذعان نماییم که کاملاً وابسته به عیسی هستیم.

پولس از دست این افراد بدلیل اصرارشان بر ختنه چنان خشمگین است که می‌گوید آرزو دارد چاقو لغزش کند و آن‌ها خود را عقیم نمایند! این سخنان تند و خشن هستند اما لحن پولس در واقع میزان دید جدی وی به موضوع را نشان می‌دهد.

آزادی نه بی‌بندوباری (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۳)

غلاطیان باب ۵ آیه ۱۳ نقاط عطف مهم کتاب غلاطیان را مشخص می‌کند. در حالی که پولس تا این مرحله کاملاً بر محتوای دینی پیامش تمرکز داشت، اکنون رو به مسئله رفتار مسیحی می‌آورد. انسان که با اعمال شریعت نجات نیافته است، چگونه باید زندگی کند؟

پولس قصد داشت غلاطیان را از ارتکاب به کدام سوءاستفاده‌های بالقوه آزادی، باز دارد؟ غلاطیان باب ۵ آیه ۱۳.

پولس به خوبی از سوءبرداشت‌های بالقوه‌ای که همراه با تأکید وی بر فیض و آزادی که ایمانداران در مسیح دارند، به خوبی آگاهی داشت (رومیان باب ۳ آیه ۸، باب ۶ آیات ۱ و ۲). اگرچه، مشکل انجیل پولس نبود، بلکه تمایل انسان برای خوشگذرانی و هوسرانی بود. صفحات تاریخ پر از روایات مردم، شهرها و ملت‌هایی می‌باشد که فساد و تنزل آنان به ورطه مهلک اخلاقی مستقیماً به عدم پرهیزگاری آنان مربوط بود. چه کسی این تمایل را در زندگی خود تجربه نکرده است؟ به این دلیل است که پولس با وضوح بسیار پیروان مسیح را فرا می‌خواند که از افراط در جسم اجتناب کنند. در واقع، او می‌خواهد که آن‌ها متضاد این را انجام بدهند، یعنی «با محبت یکدیگر را خدمت کنند». همانطور که هر کسی که دیگران را با محبت خدمت می‌کند، می‌داند که این چیزی است که تنها می‌تواند از طریق کنترل نفس و مرگ به شهوترانی اتفاق بیافتد. کسانی که به جسم خود ظلم می‌کنند، کسانی نیستند که مایل به خدمت به دیگران باشند. بلکه برعکس آن است. از این رو، آزادی ما در مسیح بدین معنی نیست که خود را به اسارت دنیا در آوریم، بلکه فراخوانی به نوع جدیدی از خدمت است که وظیفه خدمت به دیگران از روی محبت است. این «فرصتی برای محبت به همسایه بدون هیچ تأخیر و امکان ایجاد جوامع انسانی بر پایه از خود گذشتگی دو طرفه به جای طلبیدن قدرت و مقام می‌باشد.» - سم کی. ویلیامز، در باب غلاطیان که از مرجع زیر اقتباس شده است.

Sam K. Williams, Galatians (Nashville, Tenn.: Abingdon Press, 1997), p. 145

بدلیل آشنایی ما با مسیحیت و جمله‌بندی ترجمه‌های امروزی غلاطیان باب ۵ آیه ۱۳، غفلت نمودن از قدرت شگفت‌انگیز این واژگان ممکن است باعث لغزش ما شده و ما را به همان چاله ای بیندازد که غلاطیان در آن افتاده بودند. نخست، نسخه یونانی آیات نشان می‌دهد که محبتی که این نوع خدمت را بر می‌انگیزد، محبت معمولی بشری نمی‌باشد - این غیر ممکن خواهد بود؛ محبت بشری بسیار مشروط می‌باشد. پولس در

نوشته خود در این باب بزبان یونانی از حرف تعریف قبل از واژه محبت الهی استفاده میکند که تنها از طریق روح القدس آنرا دریافت میکنیم. (رومیان باب ۵ آیه ۵). تعجب واقعی بر این حقیقت استوار است که واژه ترجمه شده به صورت «خدمت»، واژه یونانی برای «اسیر بودن» می باشد. آزادی ما برای خودمختاری نمی باشد، بلکه برای اسارت دو جانبه نسبت به یکدیگر بر اساس محبت خدا است.

با خود رو راست باشید: آیا تابحال فکر کرده اید که می توانید از آزادی که در مسیح دارید، برای کمی خوشگذرانی در گناه بکار ببرید؟ چه چیز بسیار بدی درمورد این طرز تفکر وجود دارد؟

پنجشنبه

۷ سپتامبر

به تحقق رسیدن احکام (غلاطیان باب ۵ آیات ۱۳ تا ۱۵)

نظریات منفی پولس درباره «بجا آوردن تمامی شریعت» (غلاطیان باب ۵ آیه ۳) را چگونه با اظهار مثبت وی درباره «محقق شدن احکام» (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۴) تطبیق می دهید؟ رومیان باب ۱۰ آیه ۵؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۱۰ و ۱۲، باب ۵ آیه ۳ را با رومیان باب ۸ آیه ۴، باب ۱۳ آیه ۸ و غلاطیان باب ۵ آیه ۱۴ مقایسه کنید.

بسیاری تضاد میان نظریات منفی پولس درباره «بجا آوردن تمامی شریعت» و توضیحات مثبتش در مورد «کامل شدن تمامی شریعت» را متناقض دیده اند. اما آن ها در واقع چنین نیستند. راه حل در این واقعیت است که پولس عمداً از هر کدام از این جملات برای ایجاد تمایزی مهم میان دو روش متفاوت تعریف رفتار مسیحی در رابطه با شریعت، استفاده می کند. برای مثال، قابل توجه است وقتی که پولس به گونه ای مثبت به نگر داشتن مسیحی احکام اشاره می کند، هرگز آن را به عنوان «انجام دادن شریعت» بیان نمی کند. او این عبارت را برای اشاره منحصرأ به رفتار نادرست کسانی که زیر شریعت زندگی می کنند و در تلاش برای بدست آوردن تأیید خدا با «انجام» آنچه شریعت می طلبد، حفظ می کند. این موضوع دلالت نمی کند که کسانی که نجات در مسیح را یافته اند، اطاعت نمی کنند. هیچ چیز نمی تواند بیشتر از این از حقیقت دور باشد. پولس می گوید آن ها شریعت را «کامل» می کنند. منظور او این است که رفتار حقیقی مسیحی بسیار بیشتر از اطاعتی ظاهری از تنها «انجام» شریعت می باشد؛ بلکه شریعت را «کامل» می کند. پولس از واژه کامل کردن استفاده می کند زیرا این فراتر از تنها «انجام دادن» می باشد. این نوع اطاعت

ریشه در عیسی دارد (متی باب ۵ آیه ۱۷ را ببینید). این ترک شریعت نیست، بلکه راهی است که از طریق آن ایماندار می‌تواند نیت و معنای تمامی شریعت را تجربه نماید.

بر طبق گفته پولس، معنای کامل شریعت در کجا یافت می‌شود؟ لاویان باب ۱۹ آیه ۱۸؛ مرقس باب ۱۲ آیات ۳۱ و ۳۳؛ متی باب ۱۹ آیه ۱۹؛ رومیان باب ۱۳ آیه ۹؛ یعقوب باب ۲ آیه ۸.

اگرچه بیان پولس در غلاطیان نقل قولی از کتاب لاویان می‌باشد، در نهایت ریشه در استفاده عیسی از لاویان باب ۱۹ آیه ۱۸ دارد. اگرچه عیسی تنها معلم یهودی نبود که به لاویان باب ۱۹ آیه ۱۸ به عنوان خلاصه کل شریعت اشاره کرد. ربای یا خاخام هیلل (Rabbi Hillel) که حدود یک نسل پیش از عیسی می‌زیست، گفت، «آنچه برای شما نفرت‌انگیز است، نسبت به همسایه‌تان انجام ندهید؛ این تمامی شریعت است.» اما دیدگاه عیسی کاملاً متفاوت بود (متی باب ۷ آیه ۱۲). نه تنها این مثبت‌تر می‌باشد، بلکه همچنین نشان می‌دهد که شریعت و محبت ناسازگار نیستند. بدون محبت، شریعت تهی و سرد است؛ بدون شریعت، محبت هیچ جهتی ندارد.

کدام آسان‌تر است و چرا: محبت به دیگران یا در واقع اطاعت از ده فرمان؟ پاسخ‌های خود را در کلاس مطرح کنید.

۸ سپتامبر

جمعه

تفکری فراتر: «ایمان اصیل همواره با محبت عمل می‌کند. هنگامی که به جلجتا نگاه می‌کنید، بخاطر این نیست که روح خود را به عدم انفعال وادارید و نه اینکه برای خود لالایی بخوانید تا بخواهید، بلکه برای ایجاد ایمان در مسیح است، ایمانی که در پالایش روح از لجن‌زار خودخواهی کار می‌کند. وقتی که با ایمان رابطه خود را با مسیح حفظ می‌کنیم، کارمان تازه شروع شده است. همه انسان‌ها عادات فاسد و گناهکاری دارند که باید بوسیله نبردی شدید از میان بروند. هر فرد باید در نبرد ایمان مبارزه کند. اگر کسی پیرو مسیح باشد، نمی‌تواند در معامله تند، سنگدل و عاری از همدردی باشد. او نمی‌تواند در گفتار خود خشن و بی‌ادب باشد. نمی‌تواند پر زرق و برق و خود اتکا باشد. او نمی‌تواند از خود راضی باشد یا از کلمات خشن، و سرزنش آمیز و تقبیح کننده استفاده کند.

«کار محبت از کار ایمان سرچشمه می‌گیرد. دین مبتنی بر کتاب مقدس به معنی کار

مداوم می‌باشد. 'بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.' 'پس ای عزیزان من چنانکه همیشه مطیع می‌بودید، نه در حضور من فقط بلکه بسیار زیادتر الآن وقتی که غایم، نجات خود را به ترس و لرز بعمل آورید.' ما باید در کار خوب غیور باشیم؛ مراقب باشید که کار خوب را حفظ کنید. و شاهد حقیقی می‌گوید، 'من از اعمال تو آگاهم.'

«در حالی که صحیح است که اعمال زیاد ما به تنهایی نمی‌توانند نجات را تضمین کنند، همچنین حقیقت دارد که ایمانی که ما را با مسیح متحد می‌سازد، روح را به فعالیت درمی‌آورد.» - الن جی. وایت، برگرفته از مرجع زیر.

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1111

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس، پاسخ‌هایتان به پرسش آخر مطالعه روز پنجشنبه را بار دیگر مطرح کنید. بیشتر افراد کدام مورد را آسان‌تر می‌دانند و چرا؟ پاسخ شما چه حقایق مهمی را به شما درباره معنای کامل کردن شریعت ارائه می‌دهد؟
۲. پولس می‌گوید که ایمان از طریق محبت «عمل می‌کند.» منظور او چیست؟
۳. ایده بدنبال استفاده از آزادی‌تان در مسیح بودن برای ارتکاب به گناه را بررسی نمایید. چرا انجام چنین کاری بسیار آسان است؟ با این وجود، هر زمان که انسان به این صورت فکر می‌کند، در چه دامی می‌افتد؟ (اول یوحنا باب ۳ آیه ۸ را ببینید.)

خلاصه: آزادی یکی از واژگان محبوب پولس برای تعریف انجیل می‌باشد. شامل آنچه مسیح برای آزادی ما از اسارت جهان برای ما انجام داده است و همچنین چگونگی فراخوانده شدنمان به داشتن زندگی مسیحی می‌باشد. اگرچه ما باید مراقب باشیم که آزادی‌مان منتهی به احکام پرستی یا بی‌بندوباری نشود. مسیح ما را آزاد نکرد تا بتوانیم به خودمان خدمت کنیم، بلکه تا زندگی خود را وقف خدمت به همسایگانمان نمائیم.

با روح زیستن



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۵ آیات ۱۶ تا ۲۵؛ تثییه باب ۱۳ آیات ۴ و ۵؛ رومیان باب ۷ آیات ۱۴ تا ۲۴؛ ارمیا باب ۷ آیه ۹؛ هوشع باب ۴ آیه ۲؛ متی باب ۲۲ آیات ۳۵ تا ۴۰.

آیه حفظی: «اما می‌گویم در کنار روح گام بردارید و خواهشهای جسم را به جا نخواهید آورد». ترجمه مستقیم از NASB (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۶).

یکی از محبوب ترین سرودهای مسیحی، سرود «بیا تو ای چشمه تمامی برکات ۱» از رابرت رابینسون ۲ می باشد.

۱. Come, Thou Fount of Every Blessing

۲. Robert Robinson

اگر چه رابینسون همواره فرد ایماندار نبود. مرگ پدرش او را عصبانی کرده بود و او به فسق و فجور و می‌گساری کشیده شده بود. رابینسون پس از شنیدن سخنان واعظ معروف، جورج وایتفیلد ۳، زندگی خود را تسلیم خداوند نمود و شبانی مقید شد و آن سرود را نوشت که در ابتدا دارای این جملات بود: «احساس میکنم که در شرف سرگردانی ام پروردگارا. در شرف ترک خدایی هستم که دوستش دارم.»

۳. George Whitefield

فردی از عبارت مربوط به سرگردانی قلب مسیحی معذب و نگران بود و عبارت را چنین تغییر داد: «الهی برای پرستش تو سجده می‌کنم؛ سجده به عشق؛ به خدایی که خدمت میکنم». علیرغم نیت خوب نگارنده، کلمات اصلی دقیقاً، تقلاً و کشمکش مسیحیان را تشریح میکند. ما ایمانداران دارای دو طبیعت هستیم، جسم و روح و این دو با هم در ستیز هستند. اگر چه طبیعت گناهکار ما همواره «مستعد» انحراف از خدا خواهد بود اما اگر

تمایل داشته تا تسلیم روح او بشویم آنگاه ضرورتی ندارد تا برده تمایلات جسم باشیم. این مطلب فحوا و نیروی پیش برنده پیام پولس در متون این هفته می باشد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۶ سپتامبر آماده شوید.

۱۰ سپتامبر

یکشنبه

گام بر داشتن در روح

غلاطیان باب ۵ آیه ۱۶ را بخوانید. مفهوم گام برداشتن چه ارتباطی با زندگی بر پایه ایمان دارد؟ تثبیه باب ۱۳ آیات ۴ و ۵؛ رومیان باب ۱۳ آیه ۱۳؛ افسسیان باب ۴ آیات ۱ و ۱۷؛ کولسیان باب ۱ آیه ۱۰.

«گام برداشتن» تشبیهی است که از عهد قدیم اقتباس شده است که به بایستگی طرز رفتار انسان اشاره دارد. پولس که خود یک یهودی است، در رساله های خود اغلب از این تشبیه برای توصیف نوع رفتاری که باید نمایان گر زندگی مسیحی باشد، استفاده می کند. بکار بردن این تشبیه توسط وی همچنین به احتمال زیاد با نامی که به کلیسای اولیه مربوط می شد، مرتبط بود. پیش از آنکه پیروان عیسی، مسیحی خوانده شوند (اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۲۶)، آنها در واقع به عنوان پیروان «راه یا صراط» شناخته می شدند (یوحنا باب ۱۴ آیه ۶؛ اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۴، باب ۲۴ آیه ۱۴). این مطلب توصیه میکند که مسیحیت در زمان های خیلی دور، صرفاً مجموعه ای از باورهای دینی که بر عیسی متمرکز باشند، نبود بلکه همچنین «راهی» برای «رفتار کردن» در زندگی نیز بود.

تشبیه پولس درباره گام برداشتن به چه روش هایی با آنچه در عهد قدیم یافت می شود، متفاوت است؟ خروج باب ۱۶ آیه ۴؛ لاویان باب ۱۸ آیه ۴؛ ارمیا باب ۴۴ آیه ۲۳ را با غلاطیان باب ۵ آیات ۱۶ و ۲۵ و رومیان باب ۸ آیه ۴ مقایسه کنید.

همراهی کردن در عهد قدیم در واقع به عنوان «راه رفتن یا گام برداشتن» تعریف نمی شد، بلکه به نوعی خاص تر با عنوان «گام برداشتن در احکام و شریعت» تعبیر می شد. Halakhah یا مناهای تعالیم دینی (امر به معروف و نهی از منکر) واژه ای حقوقی بود که یهودیان برای اشاره به قوانین و مقررات احکام و رسوم معلمین شریعت و پدرانشان بکار می بردند. در حالی که halakhah معمولاً بصورت «احکام یهودی» ترجمه شده است، این

واژه در واقع بر اساس واژه عبری «راه رفتن» و از نظر تحت اللفظی به معنی «روش رفتن» می باشد.

نظریات پولس درباره «گام برداشتن در روح» با اطاعت از شریعت مغایرتی ندارد. او پیشنهاد نمی دهد که مسیحیان باید به روشی که شریعت را نقض کند، زندگی کنند. پولس بار دیگر مخالف با شریعت یا اطاعت از آن نمی باشد. چیزی که او با آن مخالف است، روشی احکامگرایی و یا شریعت پرستی می باشد که در آن از شریعت سوءاستفاده بشود. اطاعت واقعی که خدا می طلبد، هرگز نمی تواند از طریق ایجاب ظاهری بدست آید، بلکه تنها از طریق الهام باطنی بوجود آمده توسط روح بدست می آید (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۸).

تجربه شما از «گام برداشتن در روح» چه بوده است؟ شما چگونه آن را انجام می دهید؟ چه کارهایی در زندگیتان، این نوع راه رفتن را دشوارتر می سازند؟

۱۱ سپتامبر

دوشنبه

نزاع مسیحی

«زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم؛ و این دو با یکدیگر منازعه می کنند بطوری که آنچه می خواهید نمی کنید» (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۷؛ رومیان باب ۷ آیات ۱۴ تا ۲۴ را نیز ببینید). شما در زندگیتان به عنوان یک ایماندار، چگونه واقعیت خشن و دردناک این کلمات را تجربه کرده اید؟

نزاعی که پولس توصیف می کند، کشمکش همه انسانها نمی باشد؛ این مطلب بطور خاص به نزاع درونی که در فرد مسیحی وجود دارد اشاره می کند. از آنجایی که انسانها هماهنگ با تمایلات جسم متولد می شوند (رومیان باب ۸ آیه ۷)، تنها زمانی که توسط روح تولدی تازه می یابیم، نزاع روحانی واقعی آغاز می شود (یوحنا باب ۳ آیه ۶). این بدین معنا نمی باشد که غیر مسیحیان هرگز نزاع اخلاقی را تجربه نمی کنند؛ آنها نیز مطمئناً چنین تجربه ای دارند. اما حتی آن نزاع نیز در نهایت بخاطر روح می باشد. اگر چه نزاع مسیحیان بعد جدیدی دارد، زیرا ایماندار دارای دو طبیعت است که با یکدیگر در نبرد می باشند، جسم و روح.

مسیحیان در طول تاریخ مشتاق رهایی از این نزاع بوده اند. برخی بوسیله کنار کشیدن از جامعه بدنال پایان دادن به این نزاع بوده اند، در حالی که دیگران مدعی شده اند که طبیعت گناهکار می تواند بواسطه بعضی از اعمال الهی فیض ریشه کن شود. هر دو این کوشش ها به نتیجه ای نمی رسند. اگر چه ما از طریق قدرت روح بطور حتم می

توانیم تمایلات جسم را از بین ببریم، این تضاد به شیوه های گوناگونی تا زمانی که ما در آمدن دوباره مسیح بدنی تازه دریافت کنیم، ادامه خواهد یافت. فرار کردن از اجتماع هیچ کمکی نمی کند زیرا هر کجا که برویم این نزاع را با خود خواهیم برد و این تا زمان مرگ و یا آمدن دوباره مسیح ادامه خواهد داشت.

از آنجایی که ما دارای دو طبیعت هستیم، به معنای واقعی کلمه در آن واحد در دو سوی این نبرد قرار داریم. بخش روحانی ما آنچه که روحانی می باشد را می طلبد و از جسم بیزار است. اگر چه بخش جسمانی ما چیزهایی که مربوط به جسم و مخالف با روحانیت هستند را می طلبد. به این دلیل که ذهن به تنهایی ایمان آورده برای مقاومت در برابر جسم بسیار ضعیف می باشد، تنها امیدی که ما در رام نمودن جسم داریم، تصمیم روزانه ما به همراه شدن با روح در مقابل نفس گناهکارمان می باشد. به این دلیل است که پولس بسیار مصر می باشد که ما راه رفتن در روح را انتخاب کنیم.

از تجربه خودتان از نبرد میان این دو طبیعت، به فردی مسیحی که با این نزاع بی پایان با نفس درگیر است چه اندرزی می دهید؟

۱۲ سپتامبر

سه شنبه

اعمال جسم

با آنچه که معرفی شد در خصوص نبرد موجود بین جسم و روح، پولس در غلاطیان باب ۵ آیات ۱۸ تا ۲۶ در باب ماهیت این مقایسه با بهره برداری از فهرستی از رذیلت ها و فضایل اخلاقی به شرح و تفصیل میپردازد. فهرست مدونی از رذایل یا فضایل، از ویژگی ادبی برخوردار بود که جایگاه خود را در ادبیات یهودی و یونانی - رومی به خوبی تثبیت کرده بود. این فهرست ها رفتاری را که باید از آن اجتناب می شد (مناهی) و فضایی را که باید در پیش گرفته می شد (امر به معروف) مشخص نمودند.

با دقت فهرست رذایل و فضایل را در آیات زیر بررسی نمایید. فهرست های پولس در غلاطیان باب ۵ آیات ۱۹ تا ۲۴ به چه روش هایی شبیه به و یا متفاوت با این فهرست ها می باشند؟ ارمیا باب ۷ آیه ۹؛ هوشع باب ۴ آیه ۲؛ مرقس باب ۷ آیات ۲۱ و ۲۲؛ اول تیموتائوس باب ۳ آیات ۲ و ۳؛ اول پطرس باب ۴ آیه ۳؛ مکاشفه یوحنا باب ۲۱ آیه ۸.

با وجود اینکه پولس کاملاً از فهرست رذایل و فضایل آگاه بود، تفاوت های قابل توجهی در روشی که او این دو فهرست را در غلاطیان بکار می برد، وجود دارد. نخست، حتی با اینکه پولس این دو فهرست را با هم مقایسه می کند، به شیوه ای یکسان به آنها اشاره نمی کند. او فهرست رذایل را با عنوان «اعمال جسم» و فهرست فضایل را با عنوان «ثمره روح» نام گذاری می کند. این تمایزی بسیار مهم می باشد. همانگونه که جیمز دی. جی. دان (James D. G. Dunn) می نویسد، «جسم می طلبد اما روح تولید می کند. در جایی که یک فهرست هوایی نگران کننده از پرمدعایی و عیاشی جنون آمیز را استنشاق می کند، دیگری بیشتر از نگرانی برای دیگران، آرامش، قابل اطمینان بودن، انعطاف پذیری سخن می گوید. یکی تحریف بشری و دیگری قدرت یا فیض الهی را برجسته می سازد.» برگرفته شده از مرجع زیر.

The Epistle to the Galatians, p. 308-

دومین تفاوت جالب توجه میان دو فهرست پولس این است که فهرست رذایل عمداً بصورت جمع نامگذاری شده است: «اعمال جسم». اگر چه «ثمره روح» مفرد می باشد. این تفاوت ممکن است نشان دهد که زندگی در جسم نمی تواند چیزی جز تفرقه، آشفتگی، اختلاف و اتحاد نداشتن را ترویج دهد. در مقابل، زندگی تحت روح، ثمره ای از روح را بوجود می آورد که خود را در نه کیفیت که اتحاد را پرورش می دهند، نمایان می شود. در این زمینه، برخی از مردم ادعا می کنند که آنچه انسان درباره خدا باور دارد، در صورتی که او صادق باشد واقعاً اهمیتی ندارد. چیزی نمی تواند بیشتر از این از حقیقت فاصله داشته باشد. فهرستی که پولس از رذایل دارد مخالف این را نشان می دهد: دیدگاه های فاسد در مورد خدا به نظریات تحریف شده درباره رفتار جنسی و دینی و اخلاقی منتهی می شود که نتیجه آن از بین رفتن روابط انسانی می باشد. علاوه بر این، آنها می توانند به از دست رفتن زندگی ابدی نیز منجر بشوند (غلاطیان باب ۵ آیه ۲۱).

به فهرست کارهای جسم نگاهی بیاندازید. به چه روشی هایی می توانید هر کدام از آنها را، تجاوز از یک یا تعداد بیشتری از ده فرمان در نظر بگیرید؟

۱۳ سپتامبر

چهارشنبه

ثمره روح (غلاطیان باب ۵ آیات ۲۲ تا ۲۴)

«لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است، که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست» (غلاطیان باب ۵ آیات ۲۲ و ۲۳). اطاعت از ده فرمان به چه روش هایی ثمره روح را آنگونه که در این

آیات بیان شده است، منعکس می‌کند؟ (متی باب ۵ آیات ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸؛ باب ۲۲ آیات ۳۵ تا ۴۰ را نیز ببینید).

ده فرمان جایگزینی برای محبت نیستند؛ آنها به راهنمایی ما در چگونگی نشان دادن محبت هم به خدا و هم به بشر کمک می‌کنند. محبت هر قدر هم که از شریعت برتر باشد، با آن در تضاد نیست. این ایده که محبت برای خدا و محبت برای همسایگانمان ده فرمان را بی اعتبار می‌کند، به همان اندازه گفتن اینکه محبت برای طبیعت قانون جاذبه را باطل می‌سازد، معنی می‌دهد. همچنین در مقابل پانزده توصیف یک کلمه ای از کارهای جسم، ثمره روح با نه فضیلت زیبا توصیف شده است. محققان بر این باورند که این ۹ فضیلت به سه دسته سه تایی تقسیم شده اند، اما توافقی کوچک در مورد اهمیت ترتیب آنها وجود دارد. برخی اشاره ای ضمنی به تثلیث در شماره سه وجود دارد؛ دیگران معتقدند که این مجموعه سه تایی منعکس کننده روش هایی هستند که ما باید بواسطه آنها با خدا، همسایه خود و نهایتاً خودمان مرتبط بشویم؛ و برخی دیگر این فهرست را توصیفی از عیسی می‌بینند. اگر چه هر کدام از این دیدگاه ها از منزلتی برخوردارند، مهمترین نکته که نباید نادیده گرفته شود اهمیت زیادی است که پولس در محبت در زندگی مسیحی قرار می‌دهد. این واقعیت که پولس محبت را به عنوان نخستین فضیلت از ۹ فضیلت قرار می‌دهد، اتفاقی نمی‌باشد. او پیش از این نقش مرکزی محبت در زندگی مسیحی را در غلاطیان باب ۵ آیات ۶ و ۱۳ برجسته نموده است و او این را در فهرست فضایل اخلاقی اش در جاهای دیگر گنجانیده است (دوم قرنتیان باب ۶ آیه ۶؛ اول تیموتائوس باب ۴ آیه ۱۲، باب ۶ آیه ۱۱؛ دوم تیموتائوس باب ۲ آیه ۲۲). در حالی که تمام فضایل دیگر در منابع غیر مسیحی نیز دیده می‌شوند، محبت مخصوص مسیحیت می‌باشد. همه اینها نشان می‌دهد که محبت نباید صرفاً به عنوان فضیلتی در میان فضایل بسیار زیاد دیگر دیده شود بلکه باید به عنوان فضیلت اساسی مسیحیت که کلیدی برای سایر فضایل می‌باشد، در نظر گرفته شود. محبت ثمره افضل روح است (اول قرنتیان باب ۱۳ آیه ۱۳، رومیان باب ۵ آیه ۵) و باید زندگی و نگرش مسیحیان را تعریف نماید (یوحنا باب ۱۳ آیات ۳۴ و ۳۵)، هر چند که ممکن است زمان هایی ابراز محبت دشوار باشد.

چه میزان از خودگذشتگی در محبت وجود دارد؟ آیا می‌توانید بدون انکار نفس محبت بورزید؟ عیسی درباره محبت و از خودگذشتگی چه چیزی به ما آموزش می‌دهد؟

راه پیروزی

اگر چه نزاعی درونی میان جسم و روح همواره در قلب تمام ایمانداران شدت خواهد داشت، زندگی مسیحی نباید تحت قلمرو شکست، عدم موفقیت و گناه باشد.

بر طبق غلاطیان باب ۵ آیات ۱۶ تا ۲۶، کلید زندگی در جایی که روح بر جسم حکومت می کند، چیست؟

غلاطیان باب ۵ آیات ۱۶ تا ۲۶ شامل پنج فعل کلیدی می باشند که نوع زندگی که در آن روح حاکم می باشد را توصیف می کنند. نخست، ایماندار باید در روح «قدم بردارد» (آیه ۱۶). فعل یونانی *peripateo* می باشد که از نظر ادبی به معنای «راه رفتن در اطراف یا دنبال روی» است. پیروان فیلسوف معروف یونانی، ارسطو را به عنوان دوره گرد میشناختند زیرا آنها هر جا که ارسطو می رفت، او را دنبال می کردند. این واقعیت که فعل بصورت زمان حال می باشد، دلالت بر این دارد که پولس درباره رفتار کردن مربوط به زمان خاصی سخن نمی گوید بلکه در عوض از تجربه مداوم روزانه می گوید. علاوه بر این، از آنجایی که این همچنین فرمانی به «گام برداشتن» در روح می باشد، بر این دلالت دارد که راه رفتن با روح تصمیمی است که ما باید بصورت روزانه اتخاذ کنیم. فعل دوم «رهبری یا هدایت شدن» می باشد (آیه ۱۸). این نشان می دهد که ما همچنان باید به روح مجال دهیم که ما را در مسیری که باید طی کنیم، راهنمایی کند (رومیان باب ۸ آیه ۱۴ را با اول قرنثیان باب ۱۲ آیه ۲ مقایسه کنید). وظیفه ما رهبری و هدایت نیست بلکه پیروی می باشد.

دو فعل بعدی در غلاطیان باب ۵ آیه ۲۵ نمایان می شوند. نخستین فعل «زندگی کردن» (*zao* در یونانی) می باشد. پولس با فعل «زندگی کردن»، به تجربه حیات تازه که باید نماد زندگی هر ایماندار باشد، اشاره می کند. استفاده پولس از زمان حال اشاره به تجربه حیات تازه که باید روزانه احیا شود، دارد. از آنجایی که ما با روح زندگی می کنیم، پولس در ادامه می نویسد که ما همچنین نیازمندیم تا در روح «گام برداریم». واژه ترجمه شده «گام برداشتن» از فعلی که در آیه ۱۶ آمده است، متفاوت می باشد. در اینجا کلمه *atoicheo* می باشد. این واژه ای نظامی به معنای «به صف کردن»، «قدم رو» یا «طاعت و همنوائی» است. ایده در اینجا این است که روح نه تنها به ما زندگی می بخشد بلکه باید بصورت روزانه نیز زندگیمان را اداره کند.

فعلی که پولس در آیه ۲۴ بکار می برد، «مصلوب نمودن» می باشد. این واژه کمی تکان دهنده است. اگر ما باید از روح پیروی کنیم، باید تصمیمی قاطع برای از بین بردن

تمایلات جسم بگیریم. مطمئناً پولس در اینجا به صورت استعاری سخن می گوید. ما جسم را با تغذیه روحانی زنده نگه میداریم و تمایلات جسم را با گرسنگی مصلوب می کنیم.

شما چه تغییرات و انتخاب هایی را باید به منظور داشتن پیروزی هایی که در مسیح وعده داده شده اید - پیروزی هایی که اکنون به طور مرتب از شما دور می شود، بگیرید؟

جمعه

۱۵ سپتامبر

تفکری فراتر: تفکری فراتر: «زندگی مسیحی کاملاً هموار نیست. فرد مسیحی با کشمکش هایی روبرو میشود. وسوسه های شدید به او هجوم می آورند. جسم در برابر روح و روح در برابر جسم در نبرد می باشند.» هر چه به پایان این تاریخ زمینی نزدیکتر می شویم، حملات دشمن فریبنده تر و بغرنج تر خواهند شد. حملات او بی رحمانه تر و بیشتر خواهند شد. کسانی که در مقابل نور و حقیقت مقاومت می کنند، سخت تر و غیر قابل تغییر و در برابر کسانی که خدا را دوست داشته و فرمان های او را نگه می دارند خشن تر خواهند شد.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر.

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1111

«تأثیر روح القدس، زندگی مسیح در نفس می باشد. ما مسیح را نمی بینیم و با او صحبت نمی کنیم، اما روح مقدس او در همه جا به ما نزدیک است. او از طریق در وجود همه کسانی که مسیح را می پذیرند، کار می کند. کسانی که از سکونت روح آگاهی دارند، ثمره روح را نمایان می سازند - محبت، شادی، آرامش و حلم و مهربانی، نیکی و ایمان.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر.

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1112

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد ایده مصلوب نمودن تمایلات جسم بیشتر بیاندیشید. مفهوم آن چیست؟ چرا پولس باید از چنین فعل قدرتمندی استفاده کند؟ بکار بردن فعل مصلوب کردن توسط او، چه چیزی درباره میزان دشواری نبرد با خود به ما می گوید؟
۲. تلاش انسان چه نقشی در تولید ثمره روح ایفا می کند؟ تجربه شما درباره این نقش چه چیزی به شما می گوید؟
۳. پولس می گوید ما بواسطه ایمان رستگار شده ایم و نه با اعمال. او در ادامه میگوید اعمال جسم جایی در ملکوت نخواهند داشت. در ابتدا این دو گفته بنظر مغایرند. ولی چرا در عوض هر دو تایید کننده یکدیگر و یا لازم و ملزوم هم هستند؟
۴. در مسیртان با خداوند، بزرگترین نزاعی که با آن روبرو هستید، چیست؟ آیا گناه نمی باشد و گناه چه کاری با رابطه تان با خدا انجام می دهد؟ کدام مسیحی بیگانگی تردید و ناامیدی را در نتیجه گناه در زندگی اش، بویژه به دلیل اینکه ما وعده پیروزی بر گناه را داریم، احساس نکرده است؟ با توجه به این حقیقت در زمینه پیروزی بر گناه، چرا ما باید همواره به یاد داشته باشیم که نجات ما کاملاً بستگی به آنچه عیسی برای ما انجام داده است، دارد؟

خلاصه: اگر چه در زندگی همه ایمانداران، نبردی میان تمایلات جسم و تمایلات روح وجود دارد، زندگی مسیحی نباید محکوم به شکست باشد. به این دلیل که مسیح بر گناه و مرگ غلبه نمود، زندگی مسیحی می تواند به نوعی باشد که روح در آن حاکم بوده و فیض خدا را که ما را قادر به مقاومت در برابر تمایلات جسم می کند برایمان روزانه فراهم بکند.

انجیل و کلیسا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۰؛ متی باب ۱۸ آیات ۱۵ تا ۱۷؛
اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۱۲؛ رومیان باب ۱۵ آیه ۱؛ یوحنا باب ۱۳ آیه ۳۴؛ لوقا
باب ۲۲ آیه ۳.

آیه حفظی: «خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم،
علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان» (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۰).

برخی از کشاورزان تصمیم گرفتند که بزرگترین سبزیجات را برای خودشان نگه دارند و سبزیجات کوچک را به عنوان بذر بکارند. پست از چندین کشت و برداشت آنها دریافتند که طبیعت نیز در عوض محصولی کم بیار آورده است. گر چه مصیبت بار بود ولی کشاورزان درس مهمی از قانون طبیعت آموختند.

«آنها نمی توانستند بهترین چیزهای زندگی را برای خود داشته باشند و از باقی مانده ها به عنوان بذر استفاده کنند. قانون زندگی چنین حکم می کند که هر چه بکاری همان بدروی. «به معنای دیگر، کاشتن سبزیجات کوچک همچنان رایج می باشد. ما چیزهای بزرگ زندگی را برای خود نگه می داریم و ته مانده ها را می کاریم. ما انتظار داریم که بواسطه پیچ و تاب قوانین روحانی، خواسته های خودخواهانه ما اجر غیر خودخواهانه بهمراه داشته باشد.» - برگرفته از مرجع زیر.

International Student Fellowship Newsletter, March 2007

پولس این اصل را در غلاطیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۰ اعمال می کند. در عوض اینکه اعضای کلیسا یکدیگر را «نیش بزنند و ببلعند» (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۵)، کلیسا باید مکانی باشد که در آن روح، ما را هدایت کند به طوری که دیگران بر ما ارجحیت داشته باشند. (خوشبختانه این روح ایثار و از خودگذشتگی در آداب زندگی مردم خاورمیانه وجود

دارد). با این شناخت که «از طریق فیض نجات یافته ایم»، بدین جهت این شناخت باید ما را در نحوه رفتارمان با دیگران، فروتن، صبورتر و دلسوزتر نماید.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ سپتامبر آماده شوید.

یکشنبه

۱۷ سپتامبر

احیای انحطاط یافتگان

در حالی که پولس انتظاراتی متعالی برای ماهیت زندگی مسیحی دارد (غلاطیان باب ۵ آیه ۱۶)، اندرز او به ایمانداران در غلاطیان باب ۶ آیه ۱ نیز به گونه ای مفرح بخش، واقع گرایانه می باشد. انسانها کامل نیستند و حتی مؤمن ترین مسیحیان نیز در برابر اشتباه مصون نمی باشند. در زبان یونانی، سخنان پولس در غلاطیان باب ۵ آیه ۱۶ نشان می دهند که او وضعیتی را پیش بینی می کند که به احتمال زیاد در کلیسا رخ خواهد داد. پولس به غلاطیان توصیه هایی عملی درباره چگونگی برخورد با چنین موقعیت هایی ارائه می دهد.

مسیحیان باید در صورت سقوط ایمانداری دیگر در رفتار گناه آلود، چگونه واکنش نشان بدهند؟ غلاطیان باب ۶ آیه ۱، متی باب ۱۸ آیات ۱۵ تا ۱۷.

ما برای بهرمندی از نصیحت پولس در غلاطیان باب ۶ آیه ۱، باید نوع دقیق وضعیتی را که پولس در ذهن دارد، درک کنیم. این در مورد دو واژه ای است که در نیمه نخست جمله بکار برده شده اند. واژه اول گرفته شده یا مستولی است. از نظر تحت اللفظی به معنای «کشف و شناسایی شدن، چیره و قبضه شدن یا غافلگیر شدن» می باشد. موضوع و نکات متفاوت مربوط به این واژه نشان می دهند که پولس دو جنبه را در ذهن داشت. این نه تنها به ایمانداری که، ایماندار دیگری را در حین عملی خلاف «می گیرد» بلکه همچنین به روندی که فرد خود را بواسطه رفتاری (امثال سلیمان باب ۵ آیه ۲۲ را ببینید) که در بهترین شرایط از انجام آن خودداری می نمود، اشاره می کند.

احتمال اینکه تلافی که پولس از آن سخن می گوید عمدی نباشد، از اصطلاحی که بکار می برد، آشکار است. واژه ترجمه شده بصورت «خطا» یا «گناه» که از واژه یونانی paraptoma می آید، به گناه عمدی اشاره نمی کند بلکه در عوض به اشتباه، لغزش یا گامی نادرست اشاره دارد. مورد دوم با توجه به نظریات پیشین پولس در مورد با روح «رفتار کردن»، معنای خاصی می دهد. اگر چه این به هیچ وجه اشتباه فرد را تبرئه نمی کند، این را به روشنی نشان می دهد که پولس با موردی از گناه جسورانه سروکار ندارد (اول قرنثیان باب ۵ آیات ۱ تا ۵).

واکنش مناسب در چنین شرایطی نباید مجازات، محکومیت یا طرد و تکفیر کردن باشد بلکه باید احیا و ترمیم باشد. واژه یونانی ترجمه شده بصورت «بازسازی»، katartizo، به معنی «نوسازی» یا «درست کردن» می باشد. در عهد جدید در مورد «تعمیر» توره‌های ماهیگیری (متی باب ۴ آیه ۲۱) بکار برده شده است و روند جا اندازی استخوان شکسته را در مفهوم پزشکی در ادبیات یونانی توصیف می کند. به همان صورت که ما دیگر ایمانداران را که ممکن است زمین بخورند و پایشان بشکند را رها نمی کنیم، به عنوان اعضای بدن مسیح، ما باید برای برادران و خواهرافان در مسیح که ممکن است در مسیرمان بسوی ملکوت خدا لغزش و زمین خورده اند را با ملایمت سرپرستی کنیم.

چرا ما اغلب بجای انجام متی باب ۸۱ آیات ۵۱ تا ۷۱، در مورد فردی که از او خشمگین هستیم به بدی سخن می گوئیم و اجازه می دهیم که خشم مان علیه آن فرد بجوش بیاید و حتی نقشه انتقام می کشیم؟

دوشنبه

۱۸ سپتامبر

از وسوسه برحذر باشید

«ناتان به داود گفت، آن مرد تو هستی» (اول سموئیل باب ۱۲ آیه ۷).

جدیت سخنان پولس در غلاطیان باب ۶ آیه ۱ برای محافظت از زندگی خودمان است تا مبادا ما نیز گرفتار وسوسه بشویم و این موضوع مهم نباید نادیده گرفته بشود. اشاره به ضرورت و نگرانی شخصی میتواند در اندرز پولس دیده شود - بطریقی که او درخواست خویش را عرضه میدارد. واژه ترجمه شده بصورت «ملاحظه کردن» یا «مواظب بودن» بطور دقیق یعنی «با دقت نگاه کردن» یا «توجه دقیق داشتن» می باشد (رومیان باب ۱۶ آیه ۱۷ را با فیلیپیان باب ۲ آیه ۴ مقایسه کنید). بنابراین آنچه پولس از نظر ادبی می گوید این است که «بدقت مراقب خود باشید» مبادا گناه بطور غافلگیر کننده شما را گرفتار سازد. پولس برای برجسته نمودن این هشدار، در نیمه نخست غلاطیان باب ۶ آیه ۱ از دوم شخص جمع («همه شما یا شماها») به دوم شخص مفرد (تو) در نیمه دوم آیه تغییر جهت می دهد. این هشدار کلی نیست که برای تمامی جماعت کلیسا صدق کند؛ بلکه هشدار شخصی خطاب به تک تک افراد درون کلیسا می باشد.

پولس صراحتاً به ماهیت وسوسه ای که غلاطیان را نسبت به آن هشدار می دهد اشاره نمی کند. شاید او خطایی خاص را در ذهن داشت و در واقع به خطرات گناه هر چه که باشد و اینکه آن‌ها یکدیگر را اصلاح کنند، اشاره می کرد. در عین حال سخنان او در غلاطیان باب ۵ آیه ۲۶، مخالف با «متکبر شدن یا خود بزرگ بینی» را نشان می دهد که

او آنها در برابر این احساس هشدار میدهد که نسبت به اصلاح کنندگان از خود برتری و نخوت روحانی نشان ندهند.

چرا پولس نیاز داشت که به غلاطیان در مورد غرور روحانی هشدار بدهد؟ اول قرنطیان باب ۱۰ آیه ۱۲، متی باب ۲۶ آیه ۳۴ و دوم سموئیل باب ۱۲ آیات ۱ تا ۷ را ببینید.

یکی از بزرگترین خطراتی که گام برداشتنهای مسیحی را تهدید می کند، احساس غرور روحانی است که باعث می شود که ما فکر کنیم به نوعی در برابر ارتکاب به برخی از گناهان مصون هستیم. واقعیت عاقلانه این است که همه ما طبیعت گناهکار یکسانی داریم -طبیعتی که در مغایرت با خدا قرار دارد. از این رو، بدون قدرت بازدارنده روح خدا، بسته به شرایط، امکان لغزش و ارتکاب به هر گناهی را داریم. چنین آگاهی از هویت واقعیمان خارج از مسیح می تواند ما را از سقوط در گناه خود برتر بینی روحانی حفظ نماید و همچنین می تواند به ما کمک کند تا با افرادی که لغزش میخورند همدردی بیشتری داشته باشیم.

شما چند مرتبه دیگران را (شاید حتی در قلبتان) برای گناهی که انجام می دهند، (که خود روزی مرتکب شده بودید)، محکوم کرده اید؟

۱۹ سپتامبر

سه شنبه

متحمل شدن بار سنگین مسئولیت (غلاطیان باب ۶ آیات ۲ تا ۵)

پولس علاوه بر احیای افرادی که در خطا سقوط کرده بودند چه دستورالعمل های دیگری به ایمانداران در غلاطیه می دهد؟ (غلاطیان باب ۶ آیات ۲ تا ۵؛ رومیان باب ۱۵ آیه ۱ و متی باب ۷ آیه ۱۲ را نیز ببینید).

واژه «بار» در غلاطیان باب ۶ آیه ۵ از واژه یونانی baros ترجمه شده است. این واژه از نظر ادبی به وزنی سنگین یا باری اشاره دارد که فردی باید برای مسافتی طولانی حمل می نمود. اگر چه با گذشت زمان، این واژه به استعاره ای برای انواع سختی ها و مشکلات از جمله بار کار

روزانه دراز مدت در هوایی گرم تبدیل شده است (متی باب ۲۰ آیه ۱۲). در حالی که موضوع بدیهی دستور پولس به «متحمل شدن بار یکدیگر» بطور حتم شامل لغزش های اخلاقی دیگر ایمانداران که در آیه پیش از آن اشاره شد، می باشد، مفهوم تحمل باری که او در ذهن دارد بسیار گسترده تر می باشد. دستورالعمل های پولس چندین بینش روحانی در مورد زندگی مسیحی نمایان می سازند که نباید نادیده گرفته شوند.

نخست همانطور که تیموتی جورج (Timothy George) بیان می کند، «تمام مسیحیان بارهایی دارند. نوع بارهای ما با توجه به آنچه که خدا برای زندگی ما مقرر فرموده، در اندازه و شکل متفاوت خواهند بود. برای برخی این بار سنگین، وسوسه و عواقب لغزش اخلاقی است، همانطور که در اینجا در آیه ۱ بیان گردید. برای دیگران ممکن است ناراحتی جسمی یا اختلال روانی و یا بحران خانوادگی یا عدم اشتغال و یا ظلم شیطانی یا ازدحام چیزهای دیگر باشد؛ اما هیچ مسیحی از بار معاف و استثنای نیست.» - Galatians, p ۴۱۳

دوم اینکه، خدا قصد ندارد که ما تمام بارهایمان را به تنهایی به دوش بکشیم. متأسفانه، ما اغلب بیشتر مایلیم به دیگران در تحمل بارهایشان کمک کنیم، بیشتر از آنچه اجازه بدهیم آنها نیز ما را یاری کنند. پولس این رفتار به خودمتمکی بودن (غلاطیان باب ۶ آیه ۳) را به عنوان غرور انسانی محکوم می کند، وقتی که ما از اعتراف به این که ما نیز نیازها و نقاط ضعفی داریم، اجتناب می ورزیم. چنین غروری نه تنها ما را از آرامش دیگران محروم می سازد بلکه همچنین دیگران را از تحقق مأموریتی که خدا آنها را به انجامش فراخوانده است باز می دارد.

در نهایت، خدا ما را فرا می خواند که بارهای دیگران را متحمل بشویم، زیرا از طریق اعمالمان است که آسایش و آرامش خدا آشکار می شود. این مفهوم بر پایه این واقعیت ساخته شده است که کلیسا بدن مسیح می باشد. تصویری از این در سخنان پولس وجود دارد، «لیکن خدایی که تسلی دهنده افتادگان است، ما را به آمدن تپس تسلی بخشید» (دوم قرنتیان باب ۷ آیه ۶). توجه داشته باشید که «آسایش و تسلی خدا از طریق دعاها و خصوصی و منتظر خداوند بودن به پولس داده نشد بلکه از طریق همراهی او با یک دوست و از طریق مژده انجیل بود که او آورد.

«دوستی بشری که ما در آن بار یکدیگر را بدوش می کشیم، بخشی از هدف خدا برای قومش می باشد.» - جان آر. دابلیو. اسکات، پیام غلاطیان صفحه ۱۵۸.

John R. W. Stott, The Message of Galatians, p. 158

چه چیزی شما را از خواستن کمک باز می دارد - غرور، شرم، عدم اطمینان، احساس خوداتکایی؟ اگر شما احساس نیاز می کنید چرا نباید کسی را که به او اطمینان دارید بیابید و از وی بخواهید در مشکلات شما شریک بشود؟

شریعت مسیح (غلاطیان باب ۶ آیات ۲ تا ۵)

پولس تحمل بار را با کامل شدن شریعت مسیح مرتبط می سازد. منظور او از گفتن شریعت مسیح چیست؟ غلاطیان باب ۵ آیه ۱۴، باب ۶ آیه ۲؛ یوحنا باب ۱۳ آیه ۳۴؛ متی باب ۲۲ آیات ۳۴ تا ۴۰.

استفاده پولس از عبارت «شریعت مسیح» (ton nomon tou Christou) در هیچ کجای دیگر کتاب مقدس دیده نمی شود، اگر چه او در اول قرنیتان باب ۹ آیه ۲۱ از اصطلاحی مشابه استفاده می کند (ennomos Christou). منحصر بفرد بودن این عبارت باعث بوجود آمدن تفاسیر مختلفی شده است. برخی به اشتباه چنین استدلال می کنند که این گواهی بر این است که شریعت خدا که در کوه سینا داده شد با شریعتی متفاوت یعنی با شریعت مسیح جایگزین شده است. برخی دیگر ادعا می کنند که واژه شریعت در واقع به معنی یک «اصل» عمومی می باشد (رومیان باب ۷ آیه ۲۱ را ببینید)، یعنی ما در تحمل بارهای دیگران پیرو الگوی عیسی هستیم. در حالی که تفسیر دوم از محاسنی برخوردار است، موضوع و اصطلاحات یکسان آن با غلاطیان باب ۵ آیه ۱۴ نشان می دهند که «کامل شدن شریعت مسیح» اشاره ای دیگر به کامل شدن شریعت اخلاقی از طریق محبت می باشد. پولس پیشتر در رساله اش نشان داد که احکام اخلاقی با آمدن مسیح باطل نشدند. در عوض شریعت اخلاقی تفسیر شده از طریق محبت همچنان به ایفای نقشی مهم در زندگی مسیحی ادامه می دهند. این خلاصه آن چیزی است که عیسی در طول رسالت زمینی خویش تعلیم داد و همچنین در مدت زندگی و حتی در مرگش آنرا بکمال رساند. ما در تحمل مشکلات دیگران، تنها قدم های عیسی را دنبال نمی کنیم بلکه همچنین شریعت را کامل می کنیم.

موضوع دیگری که در این آیات مطرح می شود، تناقض آشکار میان غلاطیان باب ۶ آیه ۲ و باب ۶ آیه ۵ می باشد. اگر چه این مشکل وقتی که متوجه می شویم پولس از دو واژه متفاوت برای توصیف دو موقعیت مختلف استفاده کرده است، رفع می شود. همانطور که تاکنون دیده ایم، واژه (بار) در آیه ۲ (baros)، به باری سنگین که باید برای مسافتی طولانی حمل می شد، اشاره دارد. با این حال واژه phortion در آیه ۵ به بار یک کشتی، کوله پشتی یک سرباز و یا حتی نوزادی در رحم اشاره دارد. در حالی که بارهای پیشین می توانند کنار گذاشته شوند اما در مورد بارهای دوم چنین نمی باشد. یک مادر باردار می بایست خود، فرزندش را حمل کند. همانطور که این مثال نشان می دهد، بارهایی وجود دارند که دیگران می توانند در تحملشان به ما کمک کنند اما بارهایی

هستند که هیچ انسان دیگری نمی تواند برای ما آنها را بدوش بکشد، از جمله بار وجدانی گناهکار، رنج و مرگ. برای اینها ما باید تنها به کمک خدا تکیه کنیم (متی باب ۱۱ آیات ۲۸ تا ۳۰).

در حالی که شما می توانید برای برخی از بارها کمک از طرف دیگران دریافت کنید، اما بعضی از آنها را باید تنها به نزد خداوند ببرید. چگونه می توانید بیاموزید چیزهایی را که خود به تنهایی قادر به تحملشان نیستید به خداوند بدهید؟

۲۱ سپتامبر

پنجشنبه

کاشتن و درو کردن (غلاطیان باب ۶ آیات ۶ تا ۱۰)

در غلاطیان باب ۶ آیه ۷، واژه ترجمه شده بصورت «استهزا» (mukterizo)، تنها در اینجا در عهد جدید بکار رفته است، اگر چه اغلب در ترجمه یونانی عهد قدیم دیده می شود. این واژه دقیقاً به معنای «تحقیر نمودن» است. در عهد قدیم معمولاً به خوار شمردن انبیا خدا اشاره دارد (دوم تواریخ باب ۳۶ آیه ۱۶، ارمیا باب ۲۰ آیه ۷ و حتی یکبار برای توصیف آشکار طغیان نسبت به خدا بکار رفته است (حزقیال باب ۸ آیه ۱۷). منظور پولس این است که مردم ممکن است خدا را نادیده بگیرند و یا حتی به فرمانهایش بی احترامی کنند، اما آنها نمی توانند خدا را گول بزنند. او داور نهایی می باشد و آنها در پایان باید بهای اعمال خود را پرداخت کنند.

غلاطیان باب ۶ آیه ۸ را بخوانید. منظور پولس در اینجا چیست؟ چه نمونه هایی می توانید در کتاب مقدس از شخصیت هایی که برای جسم یا برای روح می کارند بیابید؟ (برای مثال اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱ تا ۵، لوقا باب ۲۲ آیه ۳، دانیال باب ۱ آیه ۸، متی باب ۴ آیه ۱ را ببینید).

تشبیه و مَثَل پولس درباره کاشتن و درو کردن منحصر بفرد نمی باشد. این یک واقعیت زندگی است که در بسیاری از ضرب المثل های باستانی بیان شده است. اگر چه، آنچه که اهمیت دارد چگونگی استفاده پولس از آن در برجسته نمودن نظریات پیشینش در مورد جسم و روح می باشد. جیمز دی. جی. دان (James D. G. Dunn) می نویسد، «معادلی امروزی این است که ما آزادی انتخاب داریم اما در انتخاب عواقب تصمیماتمان آزاد نیستیم.» - غلاطیان صفحه ۳۳۰.

Galatians, p. 330

اگر چه خدا همیشه ما را از عواقب زمینی گناهانمان نجات نمی دهد، لیکن نباید از ناامیدی نسبت به انتخاب های بدی که داشته ایم مغلوب بشویم. می توانیم خوشحال باشیم که خدا گناهان ما را بخشیده است و ما را به عنوان فرزندان خویش پذیرفته است. ما باید بر روی فرصت هایی که اکنون داریم برای سرمایه گذاری در چیزهایی که برداشتی آسمانی را به همراه خواهند داشت تمرکز کنیم.

در ضمن، غلاطیان باب ۶ آیه ۱۰ این نکته را نشان می دهد که «اصول اخلاقی مسیحی متمرکز دوگانه دارند: یکی جهانی که مورد استقبال همه است، با جمیع مردم احسان بنماییم و دیگری ویژه و خاص می باشد، علی الخصوص با اهل بیت ایمان». درخواست جهان شمول پولس بر پایه این حقیقت بود که همه مردم در همه جا در تصویر خدا خلق شده اند و از این رو در نظر خدا بی نهایت با ارزش هستند. هر زمان که مسیحیان این داده اصلی مکاشفه کتاب مقدس را فراموش کرده اند، بطور اجتناب ناپذیر قربانی گناه نژاد پرستی، تبعیض جنسی، قبیله گرایی، تبعیض طبقاتی و هزاران تعصب و عدم تحمل عقاید مخالف دیگری که اجتماع بشری را از آدم و حوا تا امروزه تحت تاثیر قرار داده اند، شده اند.» - تیموتی جورج، غلاطیان صفحه ۴۲۷ و ۴۲۸.

Timothy George, Galatians, pp. 427, 428

شما یا برای خوبی و یا برای بدی می کارید. به خودتان بنگرید. چه نوع محصولی درو خواهید نمود؟

جمعه

۲۲ سپتامبر

تفکری فراتر: «روح خدا شرارت را تحت کنترل وجدان نگه می دارد. زمانی که انسان خود را بالاتر از تاثیر روح تمجید می کند، محصولی از شرارت را درو می کند. روح بر چنین فردی کمترین تاثیر را برای اجتناب وی از کاشتن بذرهای نافرمانی دارد. هشدار ها قدرت کمتری بر او دارند. او به تدریج ترس خود را از خدا از دست می دهد. برای جسم می کارد و در نتیجه فساد برداشت خواهد نمود. زمان برداشت بذری که خود کاشته فرا رسیده است. او فرمان های مقدس خدا را تحقیر می کند. قلب جسمی وی به قلبی سنگی تبدیل می شود. مقاومت در برابر حقیقت او را گرفتار شرارت می کند. به این دلیل که بشر بذر شرارت را کاشت است که بی قانونی، جرم و خشونت در جهان پیش از طوفان بوجود آمد.

«همه باید نسبت به اهریمن که جان بواسطه او هلاک میگردد هشیار باشند. این به خاطر هیچیک از حکمهایی نیست که خدا بر علیه انسان صادر نموده است. او بشر را از نظر روحانی نابینا نمی کند. خدا برای قادر ساختن بشر به تشخیص حقیقت از خطا نور و شواهد کافی ارزانی داشته است. اما او بشر را به دریافت حقیقت وادار نمی کند. او

بشر را در انتخاب خوبی یا بدی آزاد می گذارد. اگر بشر یکبار در برابر شواهدی که برای هدایت عقیده اش به جهت درست کافی هستند، مقاومت نماید و بدی را انتخاب نماید، بار دوم اینکار را آسانتر انجام خواهد داد. بار سوم نیز او با اشتیاق بیشتری خود را از خدا دور خواهد ساخت و قرار گرفتن در سمت شیطان را انتخاب خواهد کرد. و او به این روند ادامه خواهد داد تا در شرارت باقی بماند و دروغی را که به عنوان حقیقت اجر نهاده را باور کند. مقاومت او محصولی را ببار آورده است. « - الن جی. وایت، کتاب مقدس تفسیری ادونتیستهای روز هفتم جلد ششم صفحه ۱۱۱۲ .

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1112

سوالاتی برای بحث

۱. در مفهومی عملی، اصلاح ایماندار دیگری که مرتکب گناه شده است، در واقع به چه معنی می باشد؟ طبیعت گناه مرتکب شده به چه روش هایی روند اصلاح را تحت تأثیر قرار می دهد؟ آیا ترمیم به این معنی است که همه چیز مانند گذشته خواهد شد؟ در این باره به بحث پردازید.
۲. از آنجایی که بارهایی وجود دارند که مردم باید خود متحمل بشوند (غلاطیان باب ۶ آیه ۵)، یک ایماندار چگونه تشخیص می دهد که باید به فردی کمک کند؟
۳. کلیسای شما چگونه دستورالعمل های پولس در باب ۶ غلاطیان را قیاس میکند؟ شما شخصاً برای ایجاد تغییری مثبت، چه کاری می توانید انجام بدهید؟

خلاصه: نشان حضور خدا در میان امت خویش در روح مسیحانه است که درون کلیسا هویدا میشود. و این نشان میتواند از طریق بخشش و احیا به کسانی که خطا ورزیده اند با چگونگی کمک به یکدیگر در مشقات متجلی گردد. و نیز با مشارکت در اعمال خودخواسته مهرآمیز نه تنها با همکیشان خود بلکه با بی ایمانان بروز میکند.

فخر به صلیب



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۶ آیات ۱۱ تا ۱۸؛ رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۶، باب ۱۲ آیات ۱ تا ۸؛ دوم قرنتیان باب ۴ آیه ۱۰، باب ۵ آیه ۱۷، باب ۱۱ آیات ۲۳ تا ۲۹.

آیه حفظی: «لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا» (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴).

این مطالعه در باب غلاطیان بسیار مهیج و حاد بود. این بدین دلیل است که خود این رساله حاد می باشد. پولس از فراخوانده شدن خود و حقیقت آنچه که موعظه می کرد آگاه بود (نباید فراموش کنیم که، همانطور که او بارها گفت، آن حقیقت از طرف خداوند بود)، با شوری الهام شده از انبیا عهد قدیم، اشعیا، ارمیا، هوشع. درست همانطور که آنها در زمان خود از قوم خدا خواستند که دست از خطا بردارند، پولس نیز در اینجا همین کار را با مردم زمان خود انجام می دهد.

مهم نیست که شرایط اضطراری چه بودند، در انتها کلام ارمیا می توانست به آسانی در مورد غلاطیان بکار رود، درست همانطور که برای مردم زمان خودش صدق می کرد: «خداوند چنین می گوید: حکیم، از حکمت خود فخر ننماید و جبّار، از تنومندی خویش مفتخر نشود و دولتمند از دولت خود افتخار نکند. بلکه هر که فخر نماید از این فخر بکند که فهم دارد و مرا می شناسد که من یهوه هستم که رحمت و انصاف و عدالت را در زمین بجا می آورم زیرا خداوند می گوید در این چیزها مسرور می باشم» (ارمیا باب ۹ آیات ۲۳ و ۲۴).

حکمت با شکوه بشری ما، ثروت هایمان و توانایی هایمان، هیچ کجا پوچی و بی فایدگی شان شفاف تر از زمان قبل از صلیب مسیح نبوده است - تمرکز رساله پولس به گله گمراهش در کلیسای غلاطیه است.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ سپتامبر آماده شوید.

دستان خود پولس

اظهارات پایانی پولس در غلاطیان باب ۶ آیات ۱۱ تا ۱۸ را با اظهارات نهایی که او در سایر رساله‌هایش بیان می‌کند، مقایسه کنید. پایان رساله غلاطیان به چه روش‌هایی مشابه با و یا متفاوت از آنها می‌باشد؟ (اظهارات پایانی در رومیان، اول و دوم قرنتیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان و اول و دوم تسالونیکیان را ببینید.)

اظهارات پایانی پولس همواره یکسان نیستند، اما تعدادی عناصر مشترک در آنها دیده می‌شود: (۱) درود فرستادن به افرادی خاص، (۲) هشدار و نصیحت پایانی، (۳) امضای شخصی و (۴) دعای اختتام. هنگامی که این ویژگی‌های معمولی با اظهارات پایانی پولس در غلاطیان مقایسه می‌شوند، دو تفاوت قابل توجه به چشم می‌خورد. نخست، رساله غلاطیان برخلاف بسیاری از رساله‌های پولس، حاوی هیچ درود و احوالپرسی شخصی نمی‌باشد. چرا؟ درست مانند نبودن شکرگزاری سنتی در آغاز رساله اش، این احتمالاً نشانه بیشتری از رابطه تیره و تار میان پولس و غلاطیان می‌باشد. پولس مؤدب اما رسمی است. دوم، ما باید بیاد داشته باشیم که این عادات پولس بود که لحن رساله‌هایش را تشکیل می‌داد (رومیان باب ۱۶ آیه ۲۲). پولس سپس پس از اتمام، اغلب خود قلم را بر می‌داشت و چند کلمه‌ای مختصر با دست خط خود در پایان رساله می‌نوشت (اول قرنتیان باب ۱۶ آیه ۲۱). اگر چه در غلاطیان پولس از عادت خود منحرف شد. هنگامی که او قلم را از کاتب می‌گیرد همچنان در مورد شرایط غلطیه بسیار نگران است که در عوض، هشدارهای بیشتری را می‌نویسد. او در واقع تا زمانی که یکبار دیگر از غلاطیان درخواست نکند که از کارهای احمقانه خویش دست بردارند، قلم را بر زمین نمی‌گذارد. در غلاطیان باب ۶ آیه ۱۱، پولس تأکید می‌کند که رساله را با حروف درشت نوشت. ما دقیقاً دلیل آن را نمی‌دانیم. برخی تصور کرده‌اند که پولس اشاره به اندازه حروف نداشت بلکه به شکل نوشتاری آن‌ها اشاره می‌کرد. آنها اظهار می‌کنند که شاید دست‌های پولس از شکنجه علیل شده بود یا از درست کردن چادر پیچ خورده بودند که نمی‌توانست حروفش را بدرستی بنویسد. گروهی دیگر بر این باورند که نظریات وی، شواهد بیشتری از دید کم‌وی ارائه می‌کنند. اگر چه هر دو نظریه امکان‌پذیر می‌باشند، اما به نظر می‌رسد که این نظریه که پولس عمداً با حروف بزرگ می‌نوشت تا منظور خود را با تأکید بیشتری برساند، قابل قبول‌تر می‌باشد، درست مانند روشی که ما ممکن است برای تأکید بر کلمه یا مفهومی مهم، زیر آن خط کشیده، آن را بصورت مایل یا

با حروف بزرگ بنویسیم. به هر دلیلی، پولس مطمئناً می خواست که خوانندگان به همدارها و تذکرات وی توجه کنند.

۲۵ سپتامبر

دوشنبه

فخر به جسم

غلاطیان باب ۶ آیات ۱۲ و ۱۳ را بخوانید. پولس در این آیات چه چیزی می گوید؟

اگر چه پولس سابقاً به هدف و برنامه کار و انگیزه مخالفان خود اشاره کرده است (غلاطیان باب ۱ آیه ۷، باب ۴ آیه ۱۷)، اظهارات وی در غلاطیان باب ۶ آیات ۱۲ و ۱۳ نخستین نظریات صریحی می باشد که او درباره مخالفانش بیان می کند. او آنها را به این صورت توصیف می کند که «گویی میخواهند صورتی نیکو در جسم نمایان سازند». عبارت «صورتی نیکو» در زبان یونانی به معنی «چهره خوب» به خود گرفتن می باشد. در واقع، واژه معادل «چهره» در زبان یونانی با واژه نقاب بازیگر یکسان می باشد و این واژه حتی بصورت استعاری برای اشاره به نقش یک بازیگر مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، پولس می گوید که این مردم مانند بازیگرانی بودند که بدنبال جلب رضایت مخاطبان بودند. در فرهنگی مبتنی بر افتخار و شرم، انطباق ضروری می باشد و کسانی که به اشتباه تعلیم می دهند، به نظر می رسد که بدنبال بهبود درجه افتخار خود نزد هموطنان یهودیشان و سایر مسیحیان یهودی در اورشلیم بودند.

پولس به نکته مهمی درباره یکی از انگیزهای ایشان اشاره می کند - تمایل به اجتناب از جفا. اگر چه جفا بطور حتم میتواند بیشتر بصورتهای تجسمی شامل تعدی و آسیبهای جسمی درک شود اما میتواند بشکلهایی ملایمتر از آزار و ایذا و طرد و در انزوا قرار دادن، بهمانگونه زیانبار باشد. پولس و سایر افراد متعصب افراطی در یهودا، یکبار این روش را انجام داده بودند (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۳)، اما گزینه دوم نیز تأثیراتش را بر غلاطیان داشت.

رهبران مذهبی یهود همچنان تأثیر سیاسی قابل توجهی در بسیاری از مناطق داشتند. آنها دارای مجوزی رسمی در روم بودند؛ از این رو، بسیاری از ایمانداران یهودی، مشتاق به حفظ روابط خوب با ایشان بودند. آشوبگران در غلاطیه توسط ختنه غیر یهودیان و تعلیم آنان برای نگه داشتن تورات، توانسته بودند زمینه مشترکی با یهودیان محلی بیابند. این نه تنها آنها را قادر می ساخت که رابطه دوستانه با کنیسه را حفظ کنند، بلکه آنها حتی می توانستند روابط خود با ایمانداران یهودی در اورشلیم، کسانی که در مورد کار انجام شده مربوط به غیر یهودیان شک و تردید داشتند را تقویت کنند (اعمال رسولان

باب ۲۱ آیات ۲۰ و ۲۱). بدون شک کارهای ایشان از یک لحاظ توانسته بود شهادت آنها به یهودیان را مؤثرتر بسازد.

پولس هر وضعیتی را که در ذهن دارد، منظورش روشن است: «و همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید» (دوم تیموتاوس باب ۳ آیه ۱۲).

به دلایلی که این افراد برای تعلیم نادرست داشتند، بیاندیشید. با در نظر گرفتن همه چیز، این تا حدی منطقی به نظر می‌رسد. این باید درباره اینکه حتی بهترین انگیزها می‌توانند در صورت سهل‌انگاری، ما را به بیراهه بکشانند، چه چیزی به ما بگوید؟ آخرین باری که شما با انگیزه‌ای درست کار اشتباهی انجام دادید، چه زمانی بود؟

۲۶ سپتامبر

سه شنبه

فخر به صلیب (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴)

«لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا» (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴).

پولس که انگیزه‌هایی که برخی را به اسرار بر ختنه بر می‌انگیخت، افشا نموده بود، برای آخرین بار پیام انجیل خود را به غلاطیان ارائه می‌کند، اما تنها بصورت خلاصه. برای پولس، انجیل بر پایه دو اصل اساسی می‌باشد: (۱) مرکزیت صلیب (آیه ۱۴) و (۲) اصل عدالت (آیه ۱۵). مطالعه امروز بر روی مورد نخست می‌باشد.

برای ما که در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم، درک شوک آوری که نظریات پولس درباره صلیب (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴) در اصل انتقال می‌دادند، دشوار می‌باشد. امروزه صلیب مسیح نمادی رایج و محبوب می‌باشد که برای اکثر مردم احساس مثبتی را تداعی می‌کند. اگر چه در زمان پولس، صلیب چیزی برای فخر نبود بلکه چیزی بود که خوار شمرده می‌شد. یهودیان ایده مسیح مصلوب را اهانت وار می‌دانستند و رومیان مصلوب شدن را چنان منفور می‌دیدند که حتی به عنوان نوعی مجازات مناسب شهروندان روم، به آن اشاره‌ای نشده است.

نگاه تحقیر آمیزی که جهان باستان نسبت به صلیب مسیح داشت، بوضوح در نخستین نقاشی‌های موجود از مصلوب شدن دیده می‌شود. یک قطعه نقاشی باستانی با قدمت مربوط به اوایل قرن دوم، مصلوب شدن مردی با سر یک الاغ را به تصویر می‌کشد. در

زیر صلیب و مجاور با نقاشی مردی با دستان گشوده به دعا، چنین نوشته شده است: «الکساندر خدای خود را پرستش می کند». نکته روشن است: صلیب مسیح به تمسخر گرفته شده است. در این زمینه است که پولس جسورانه اعلام می کند که نمی تواند به چیزی جز صلیب مسیح مباهات نماید!

صلیب مسیح چه تفاوتی در رابطه پولس با جهان بوجود آورد؟ غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴؛ رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۶، باب ۱۲ آیات ۱ تا ۸؛ فیلیپیان باب ۳ آیه ۸.

صلیب مسیح همه چیز را برای ایماندار تغییر می دهد. ما را نه تنها برای ارزیابی مجدد دیدگاهمان نسبت بخود به چالش می کشد، بلکه همچنین اینکه ما چگونه با جهان مرتبط می شویم. جهان در این دوران فعلی پر شرر و تمام آنچه که به آن انحصار دارد (اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۶) - در مخالفت با خدا قرار دارد. از آنجایی که ما با مسیح مرده ایم، جهان دیگر مانند قبل قدرت ندارد تا ما را به اسارت بگیرد و زندگی گذشته دنیاپرستانه، دیگر وجود ندارد. پیرو مقایسه پولس، شکاف میان ایماندار و جهان باید چگونه ای باشد که گویا آنها از نظر یکدیگر مرده اند.

صلیب برای تأثیر بر روابط شما با جهان چه کاری انجام داده است؟ چه تفاوتی در زندگی شما ایجاد کرده است؟ شما اکنون که خود را تسلیم خداوند نموده اید که برای شما مُرد، چگونه متفاوت زندگی می کنید؟

۲۷ سپتامبر

چهارشنبه

خلقت جدید

پولس با تأکید بر مرکزیت صلیب مسیح در زندگی مسیحی، اکنون بر اصل اساسی دوم پیام انجیل خود تأکید دارد: عادل شمرده شدن از طریق ایمان. همانطور که در تمام این فصل دیده ایم، پولس اساساً سنت ختنه را بر خلاف انجیل می دانست. اگر چه او خود با این عمل مخالف نمی باشد. پولس چندین بیانیه شدید بر علیه ختنه ابراز نموده است (غلاطیان باب ۵ آیه ۲ تا ۴ را ببینید)، اما او نمی خواهد غیر یهودیان چنین استنتاج کنند که مختون نبودن برای خدا خوشایندتر از مختون بودن است. منظور وی چنین نمی باشد، زیرا یکی می تواند در مورد کارهایی که دیگران انجام می دهند یا نمی دهند، رویه

قانون گرایانه یا احکام پرستانه داشته باشند. از نظر روحانی، موضوع ختنه بی ربط می باشد. مذهب حقیقی ریشه کمی در رفتارهای بیرونی دارد و بیشتر در وضعیت قلب بشری ریشه دارد. همانطور که خود عیسی فرمود، یک فرد می تواند ظاهری فوق العاده داشته باشد اما از نظر روحانی در درون فاسد باشد (متی باب ۲۳ آیه ۲۷).

منظور از خلقت تازه چیست؟ (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۵، دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۱۷). شما خود چگونه مفهوم این مطلب را تجربه کرده اید؟

واژه یونانی ktisis بصورت «خلقت» ترجمه شده است. هم می تواند به یک «مخلوق» فردی (عبرانیان باب ۴ آیه ۱۳) و یا به روند کار «خلقت» (رومان باب ۸ آیه ۲۲) اشاره کند. در هر دو مورد، این واژه دلالت بر کارهای خالق دارد. این منظور پولس می باشد. تبدیل شدن به «مخلوقی جدید» چیزی نیست که بتواند با تلاش بشری بدست بیاید - چه ختنه و یا هر چیز دیگری. عیسی به این روند به عنوان «حیات تازه یا تولد دوباره» (یوحنا باب ۳ آیات ۵ تا ۸) اشاره می کند. این عمل الهی است که خدا بواسطه آن فردی را که از نظر روحانی مرده است، در وی زندگی روحانی می دمد. این نیز استعاره ای دیگر برای توصیف عمل نجات دهنده ای می باشد که پولس معمولاً به عنوان عدالت از طریق ایمان از آن یاد می کند.

پولس در دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۱۷، با جزئیات بیشتری در مورد این تجربه خلقت جدید سخن می گوید. پولس در این آیه، توضیح می دهد که تبدیل شدن به مخلوقی جدید، معنایی بیشتر از تنها تغییر در وضعیت ما در کتابهای آسمانی دارد؛ این تغییری در زندگی امروزی ما ایجاد می کند. همانگونه که تیموتی جورج می نویسد، «شامل روند کامل متحول شدن می باشد: کار احیاء کننده روح القدس که منتهی به توبه و ایمان می شود، روند روزانه ریاضت و احیا، رشد مداوم در پرهیزکاری که سرانجام به مشابَهت به صورت مسیح منتهی میشود.». غلاطیان صفحه ۴۳۸. Galatians, p - ۴۳۸. اگر چه تبدیل شدن به مخلوقی جدید، چیزی نیست که ما را عادل می کند. در عوض، این تغییر ریشه ای بدون شک مظهر چیزی است که عادل شمرده شدن را تفهیم مینماید.

در حالی که شما می توانید برای برخی از بارها کمک از طرف دیگران دریافت کنید، اما بعضی از آنها را باید تنها به نزد خداوند ببرید. چگونه می توانید بیاموزید چیزهایی را که خود به تنهایی قادر به تحملشان نیستید به خداوند بدهید؟

سخن آخر (غلاطیان ۶: ۱۶-۱۸)

پولس دعای خیر خود را به کسانی ارزانی میدارد که «از این قاعده پیروی مینمایند» (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۶). با توجه به موضوع، فکر می کنید که پولس از چه قاعده ای سخن می گوید؟

واژه ترجمه شده به «قاعده»، به معنی میله یا چوبی صاف است که در بنایی یا نجاری برای اندازه گیری استفاده می شد. این واژه در نهایت معنایی مجازی به خود گرفت و به قواعد و معیارهایی که انسان بواسطه آنها چیزی را ارزیابی می کند، اشاره دارد. برای مثال، هنگامی که مردم درباره مجموعه عهد جدید سخن می گویند، منظور ایشان بیست و هفت کتاب عهد جدید می باشند که برای تعیین باور و عمل کلیسا معتبر می باشند. بنابراین، اگر تعلیمی به سطح این کتابها نرسد، قابل قبول نمی باشد.

علائم خداوند عیسی که پولس در جسمش دارد، کدامند؟ منظور او از نوشتن اینکه هیچ کس نباید به خاطر آنها او را «برنجاند» چیست؟ آیا ممکن است غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴ به پاسخ این پرسش کمک کند؟ غلاطیان باب ۶ آیه ۱۷؛ دوم قرن تیان باب ۴ آیه ۱۰، باب ۱۱ آیات ۲۳ تا ۲۹.

واژه علامت یا نشان از واژه یونانی *stigmata* می آید که واژه انگلیسی *stigma* نیز از آن گرفته شده است. پولس ممکن است اشاره به عمل رایج علامت گذاری بردگان با نشان اربابشان به عنوان نمونه ای از تعیین هویت، یا به عملی در برخی ادیان مرموز جایی که مرید خود را به عنوان نشانه ای از ایمان داغ می کند، اشاره داشته باشد. در هر صورت، «پولس با نشان خداوند عیسی بدون شک اشاره به زخمی مانده بر روی بدنش بر اثر شکنجه و سختی می باشد (دوم قرن تیان باب ۴ آیه ۱۰ و باب ۱۱ آیات ۲۴ تا ۲۷ را ببینید). مخالفان او اینک بر این اسرار دارند که ایمان آوردندگان غیر یهودی او را به پذیرش نشان ختنه به عنوان علامتی از تسلیم آنها به یهودیت، وادار سازند. اما پولس نشانه هایی دارد که مبنی بر این هستند که او برده چه کسی شده است و اینکه برای او هیچ وفاداری جز مسیح وجود ندارد ... زخمی که پولس در حین خدمت اربابش از دشمنانش دریافت کرده بود، از سرسپردگی او به مسیح به شیوایی سخن می گفت.» - کتاب مقدس تفسیری ادونتیه های روز هفتم جلد ششم صفحه ۹۸۹.

«علامت های» جسمی یا به گونه ای دیگر که شما از ایمانتان در عیسی دارید، کدامند؟ به عبارت دیگر، ایمانتان چه بهایی برای شما داشته است؟

۲۹ سپتامبر

جمعه

تفکری فراتر: «صلیب جلجتا تمام قوای زمینی و دوزخی را به چالش می کشد و در نهایت بر آنها غلبه خواهد کرد. تمام تاثیرات بر صلیب متمرکز شده اند و بواسطه آن تمام تاثیرات ایجاد می شوند. صلیب کانون اصلی توجه می باشد؛ زیرا مسیح بر روی آن زندگی خود را برای نسل بشر از دست داد. این فداکاری به منظور احیای بشر به کمال اولیه اش ارائه شد. آری، بعلاوه، برای دادن شخصیت دگرگون شده کامل به بشر و تبدیل او به چیزی بیشتر از یک فاتح پیشکش شد.

«کسانی که در قدرت مسیح بر دشمنان بزرگ خدا و بشر غلبه می کنند، موقعیتی در تالار آسمان بالاتر از فرشتگانی که هرگز سقوط نکرده اند، بدست خواهند آورد.

مسیح اعلام می کند که 'من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید.' اگر صلیب تاثیری به نفع خود نیابد، یک نمونه تاثیر ایجاد می کند. نسل به نسل، حقیقت این زمان به عنوان حقیقت امروزه آشکار شده است. مسیح بر روی صلیب واسطی بود که توسط وی رحمت و حقیقت با یکدیگر یکی شدند و عدالت و صلح بر یکدیگر بوسه زدند. این وسیله ای است که جهان را به جلو می راند.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر.

.Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1113

سوالاتی برای بحث

۱. در این حقیقت که پولس رساله اش را با اشاره به فیض خدا آغاز نموده و به پایان می‌رساند برای شما چه اهمیتی دارد؟ غلاطیان باب ۱ آیه ۳ را با باب ۶ آیه ۱۸ مقایسه کنید.

۲. با توجه به اظهارات پولس درباره مصلوب شدن به جهان (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴)، مسیحیان چه ارتباطی باید با جهان امروزی داشته باشند؟ مسیحیان اگر نسبت به این جهان مرده باشند، چگونه باید با مسائل مربوط به محیط، نژادپرستی، سقط جنین و غیره ارتباط داشته باشند؟

۳. یک فرد چگونه متوجه می‌شود که «خلقت جدیدی» را که پولس درباره آن می‌نویسد را تجربه کرده است؟

۴. با توجه به اظهارات پولس درباره مصلوب شدن به جهان (غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴)، مسیحیان چه ارتباطی باید با جهان امروزی داشته باشند؟ مسیحیان اگر نسبت به این جهان مرده باشند، چگونه باید با مسائل مربوط به محیط، نژادپرستی، سقط جنین و غیره ارتباط داشته باشند؟

خلاصه: مذهب حقیقی تنها مبتنی بر رفتار ظاهری نمی‌باشد، بلکه بر پایه وضعیت قلب نیز می‌باشد. زمانی که قلب تسلیم خدا بشود، زندگی فرد در حالی که در ایمان رشد می‌کند، بیشتر و بیشتر منعکس کننده شخصیت مسیح خواهد بود. قلب باید توسط مسیح مطیع بشود؛ هنگامی که این اتفاق بیافتد، تمام چیزهای دیگر اتفاق خواهند افتاد.